

۴۲۵



KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۷ مرداد ماه تا ۲ شهریور ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۸۹۱

این چند میلیارد دلار هم ملاخور می شود



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۹۱ (۴۲۵)

جمعه ۲۷ مردادماه تا ۲ شهریورماه ۱۴۰۲
۱۸ تا ۲۴ اوت ۲۰۲۳



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴	سر مقاله - افراطیون و همگرایی ملی ایرانیان / ال‌هه بقراط
۴-۵	این چند میلیارد دلار هم ملاحظور می‌شود ... / حامد محمدی
۵	رابرت مالی، «استاد مهمان» در دانشگاه «پرینستون» ... /
۶	باج شش میلیارد دلاری جو بایدن به ملاحه‌های گروگانگیری ... /
۷	یک «معامله پنهان» دیگر میان رژیم ایران و آمریکا ... /
۸	پایگاه خبری «هیل»: آمریکا باید از اقدام نظامی اسرائیل علیه برنامه‌های هسته‌ای ... /
۹	ادعای روزنامه «تهران تایمز»: افشای «سند راهبردی» وزارت خارجه آمریکا ... /
۱۰-۱۱	توهم «دلارزدایی» و بر باد رفتن یک میلیارد دلار از پول‌های بلو که شده ... /
۱۱	هسته ... / خیراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۴	آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۲۶) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی
۱۴-۱۷	نگاهی به نظام‌های پادشاهی و جمهوری و مسیر دستیابی به دموکراسی و ... /
۱۸-۱۹	افزایش فشار بر فعالان مشروطه‌خواه در آستانه سالگرد اعتراضات ملی ... /
۲۰-۲۲	ورزشکارانی که برای آزادی و کرامت انسانی به خیابان آمدند و ... /
۲۲	احتمال افزایش قیمت بنزین؛ «مردم موش آزمایشگاهی شده‌اند» ... /
۲۲-۲۳	یک حمله مسلحانه دیگر در شاهچراغ شیراز؛ احتمال سناریو سازی ... /
۲۴-۲۵	۲۶۹ شهر ایران در تنش آبی؛ تهدید زندگی و سلامت ۱۵ میلیون نفر ... /
۲۵	انتقاد نماینده پارلمان آلمان از جوزپ بورل؛ رژیم ایران به روسیه پیمان می‌دهد و ... /
۲۶-۲۷	برگشت قانونی گشت ارشاد؛ تلاش برای محدودیت بیشتر جامعه پیش از ... /
۲۷	«تسنیم» به نقل از «منابع امنیتی»: اعضای سازمان مجاهدین از آلبانی به کانادا ... /
۲۸	پناهندگی یک ورزشکار دیگر؟ ... /
۲۹	بازنشر یک گزارش برای یادآوری به خانواده‌ها: سکوت نکنید! ... /
۳۰-۳۱	صحن علنی دوزخه‌شد؛ لایحه حجاب و عفاف از کمیسیون مستقیم به شورای ... /
۳۱	کارزار «نوفدی» در اعتراض به ممانشات دولت بایدن بارزیم ایران ... /
۳۲-۳۳	وزارت بهداشت بجای استخدام، کمبود پرستار را با اضافه کاری اجباری ... /
۳۳	محکومیت کارگردان فیلم «برادران لیلا» به زندان و جریمه ... /
۳۴	«فارین پالیسی»: معامله بارزیم ایران بین بد و بدتر است ... /
۳۵	بیلبورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میدان «ولیعصر» و ... /
۳۶	پروین خواننده مشهور ایران درگذشت ... /
۳۶	محمد اسماعیلی نوازنده تنبک و هنرمند پیشکسوت درگذشت ... /
۳۷	هراس از قدرت دانشجویان؛ طرح «مجازی شدن دانشگاه‌ها تا دهم مهر ماه» ... /
۳۸-۳۹	فاجعه‌ای دیگر در راه است! توقف صدور مجوز تولید و واردات ... /
۳۹-۴۰	معضل مهاجران قانونی و غیر قانونی در ایران ... /
۴۰-۴۱	راه اندازی «سامانه ثبت شکایات» درباره اعتراضات ۱۴۰۱ ... /
۴۲-۴۳	رواج «هشت مدل بی‌خانمانی» در ایران! ... /
۴۳	«بازداشت یک خانواده بهائی»: ادعای وزارت اطلاعات: برای تجویز ... /
۴۴	فاینشال تایمز: دولت بایدن به جمهوری اسلامی وعده داده در ازای تنش زدایی ... /
۴۵-۴۶	بحران بنزین و گزینه‌های پیش روی دولت رئیسی ... /
۴۶-۴۷	موج گسترده بازداشت هادر آستانه سالگرد اعتراضات ملی ... /
۴۸-۴۹	جان باختن ۱۷۰ مبتلابه «ضایعات نخاعی» به علت نبود لوازم و ... /
۴۹	عزل معاون سیاسی وزارت کشور؛ احمد وحیدی برای فرار از استیضاح ... /
۵۰	پشت جلد - عکس هفته / یکسال پس از قتل حکومتی مهسا امینی / تهران / ۲۲ مرداد ۱۴۰۲

بازنشر

بازنشر

بازنشر



این چند میلیارد دلار هم ملاخور می شود

افراطیون و همگرایی ملی ایرانیان

با اینکه در سیاست بر سر چه چیز «افراط» هست یا نیست اختلاف نظر وجود دارد اما به اندازه کافی معیار برای تشخیص آن در دست است از جمله اینکه افراطیون خود را همیشه «برحق» و «درست» و «حقیقت مطلق» می‌پندارند، گوشه برای شنیدن ندارند و به همین دلیل نیز حاضر و یا قادر به رعایت اصول دموکراتیک و یا توافق و تفاهم که لازمه زندگی اجتماعی است، نیستند. آنها با اینکه در اقلیت قرار دارند اما با آگاهی و استفاده از قدرت تخریبی خود می‌توانند زندگی عادی جامعه را مختل کنند. جمهوری اسلامی و داعش و طالبان و



گروه‌های مدعی مخالفت با آنان که خود را بجای آنها «برحق» و تمام و کمال می‌شمارند، نمونه‌ای از افراطیون هستند. افراطیون مطلق‌گرا و نقدناپذیرند!

در این میان، ممکن است «افراطیون صادق»ی نیز وجود داشته باشد که سایبری جمهوری اسلامی و مأمور گروه‌های مغرضی نیستند که بطور مشخص زیر پوشش طرفداری از مشروطه و پادشاهی و پهلوی فعالیت می‌کنند اما همان راه و روش را به کار گرفته و از تأثیرات مخرب آن آگاه نیستند. طرفداران افراطی جریانی که حکومت به عنوان خطر و دشمن اصلی خود، علیه آن «جهاد تبیین» به راه انداخته، باید بدانند که رفتار آنان، که عمدتاً در تحرکات خارج کشور نمود پیدا می‌کند، نه تنها به سود جمهوری اسلامی و مغرضان تمام می‌شود بلکه در جوامع میزبان نیز سیاستمداران و رسانه‌های این کشورها را علیه نیرویی بر می‌انگیزد که این «افراطیون صادق» و غیرمأمور فکر می‌کنند دارند از آن دفاع می‌کنند!

پیامدهای زیانبار افراط فراتر از فرد عمل می‌کند و به سادگی قابل سوء استفاده توسط نیروها و حکومتی است که این افراطیون مدعی‌اند دارند با آنها مبارزه می‌کنند! افراطی بودن همیشه آسانتر از درک دیگری و تفاهم و به رسمیت شناختن موجودیت دیگران و تن دادن به اصول دموکراسی است.

در حالی که در ایران مردم با یک رژیم افراطی رو در رو هستند و ضرورت همگرایی ملی را با تجربه‌ی عینی دریافته‌اند، در خارج کشور برخی نیروهایی که هدف مشترک دارند، و اگر عمل می‌کنند و گذشته از مأموران پیدا و پنهان، «افراطیون صادق» نیز به آن دامن می‌زنند. قابل توجه اینکه برخی هم که مرتب طرفداران مشروطه و پهلوی را «افراطی» قلمداد می‌کنند، متوجه نیستند که با یکسویه دیدن، خود نیز به افراط دچارند! آنهم در حالی که پرسش و شفافیت را از «دیگری» می‌خواهند ولی هر پرسش و درخواست شفافیت و ابهام‌زدایی از گفتار و رفتار خود و جریان معبودشان را با برجسب «افراطی» رد می‌کنند! اگرچه حکومت نتوانسته از تحرکات سراسری مردم به سود خود بهره‌برداری کند، اما در خارج کشور با مأموران افراطی‌نمای خود سخت مشغول تفرقه است. این نکته‌ایست که افراطیون همه جریانات در خارج کشور می‌بایست به آن بیندیشند: اگر مأمور نیستند و به دنبال نجات ایران هستند، باید بازتاب همگرایی ملی در داخل کشور باشند! این همگرایی را زمانی می‌توان از خارج تقویت کرد که در تناقض با آن رفتار نکرد! با این کار، مأموریت سایبری‌های رژیم و گروه‌های مغرض در فضای مجازی و واقعی نیز دشوار می‌شود. با پیوستگی و همگرایی همه میهن‌دوستان است که می‌توان راه را برای رهبری فرد و جریانی که نجات کشور را بالاتر از هر تعلق فردی و گروهی قرار داده باز کرد.



● هفت سال پیش وقتی در دولت حسن روحانی گفتگوهای پنهانی ام‌ی، حتا زمزمه‌های نتیجه‌بخش بودن مذاکرات روی بازار مالی ایران تأثیر مستقیم داشت. اما اکنون با بی‌اعتمادی گسترده به ادعاهای هر دو طرف، بازار ایران تحت تأثیر قرار می‌گیرد. عموم مردم نیز آنقدر به طرفین این معامله به ویژه ملاها بدبین و بی‌اعتماد هستند که ترجیح می‌دهند ذهن‌شان را درگیر این معامله نکنند.

بطور دائم تکرار شده است.

محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اوج مذاکرات برجام در تیرماه ۱۳۹۴ گفت که اگر آمریکا دنبال حمله نظامی باشد در همان هفته اول هزار گروگان از آنها می‌گیریم و برای آزاد کردن هر یک از آنها باید چند میلیارد دلار بدهند و مشکل اقتصادی ما نیز حل می‌شود!

وبسایت خبری «Vox» روز ۲۱ مرداد در گزارشی نوشت «به دلیل اقتصاد رو به وخامت ایران، موضوع این توافق بحث پول است.» یک منبع به این سایت گفته جمهوری اسلامی به دنبال مکانیسمی است که از طریق آن بتواند به میلیاردها دلار دسترسی پیدا کند. در این گزارش تأکید شده «با وجود اینکه ظاهراً جمهوری اسلامی به یک پیروزی دیپلماتیک رسیده، اما هنوز زمان زیادی برای تحقق آن نیاز هست.»

آرون دیوید میلر عضو ارشد «بنیاد کارنگی» که از مخالفان سرسخت سیاست‌های سختگیرانه دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی است در یک مقاله تحلیلی که ۲۳ مرداد در نشریه «فارین پالیسی» (سیاست خارجی) منتشر شد توضیح داد «هیچ معامله خوبی با رژیم ایران وجود ندارد، فقط معاملات بد و بدتر است.» وی تأکید می‌کند همه راه‌بردها بجز «تغییر رژیم» موقتی است که آن هم تصمیم و رویدادی است که در اختیار مردم ایران قرار دارد.

هفت سال پیش وقتی در دولت حسن روحانی گفتگوهای پنهانی ام‌ی با مشارکت فعال تیم محمدجواد ظریف و جان کری با همکاری دلال‌های سیاسی و لابیگران بین‌المللی پیش می‌رفت، حتا زمزمه‌های نتیجه‌بخش بودن مذاکرات نیز روی بازار مالی ایران تأثیر مستقیم داشت. اما اکنون وضعیت کاملاً متفاوت است و با بی‌اعتمادی گسترده به ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی و دولت بایدن، بازار ایران تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد تا حلقه‌ی تنگ اقتصادی به دور گردن رژیم کمی شل شود.

با میانجیگری دولت‌های سوئیس، قطر و عمان، جمهوری اسلامی و دولت جو بایدن برای تبادل پنج نفر از گروگان‌های آمریکایی- ایرانی و در ازای آزاد شدن شش میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران توافق کردند.

سه تن از این زندانیان به نام سیامک غازی، مراد طاهباز و عماد شرقی به اتهام جاسوسی بازداشت شدند که حداقل نیمی از دوران محکومیت خود را سپری کرده‌اند. نام دو نفر دیگر نیز مشخص نیست و حتا آمریکا نیز بدون اعلام دلیل تا کنون از افشای نام آنها خودداری کرده است.

هرچند این معامله پنهان هنوز نهایی نشده و گروگان‌ها فعلاً از زندان اوین گویا به یک هتل در تهران منتقل شده و در آنجا تحت محافظت قرار دارند اما ودانت پاتل یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا ابراز امیدواری کرده «تفاهم نانوشته» میان تهران و واشنگتن برای ایجاد فضای دیپلماسی با هدف کاهش سطح تنش‌ها مؤثر باشد.

البته این مقام وزارت خارجه تأکید کرد که «ما به هیچ نوع توافقی [درباره مسائل دیگر] نزدیک نیستیم» اما کم نیستند منابعی که می‌گویند تبادل زندانیان بخشی از یک معامله پنهان بزرگ دیگر بین جمهوری اسلامی و آمریکا است که شامل طیف وسیعی از موارد از جمله توقف حملات راکتی به نظامیان آمریکایی در منطقه و ثابت نگه داشتن سطح غنی‌سازی اورانیوم زیر ۶۰ درصد می‌شود.

گروگانگیری بشردوستانه!

مقامات رسمی جمهوری اسلامی عین موارد قبل ادعا می‌کنند که آزاد شدن گروگان‌های دوتابعیتی از زندان، اقدامی «بشردوستانه» است اما چنین «بشردوستی» از سوی حکومت برای افکار عمومی باورپذیر نیست. گروگانگیری به عنوان یک ابزار کاربردی در جمهوری اسلامی طی ۴۴ سال گذشته برای معامله با دولت‌های غربی به ویژه آمریکا و اخاذی از آنها



رابرت مالی

رابرت مالی، «استاد مهمان» در دانشگاه «پرینستون»؛

ژیائو وانگ گروگان سابق: قرار است خم شدن آمریکا در برابر رژیم ملاحا را تدریس کند؟!

گزارشی نوشت جاسوسها و عوامل جمهوری اسلامی در پوشش استاد و محقق در بعضی دانشگاه‌های آمریکا یک پروژه مخفی نفوذ را به نفع سیاست‌های رژیم ایران پیش می‌برند.

حامد الگار، لطف‌الله افراسیابی، حسین موسویان، هوشنگ امیراحمدی، حسین عسکری، ویلیام او. بیمنان و کنت والس شماری از اساتید و پژوهشگران شاغل و فعال در دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی بودند که در گزارش «هیمل» از آنها به عنوان افرادی نام برده شد که مبلغ و حامی سیاست‌های جمهوری اسلامی هستند.

در سال‌های اخیر برای اخراج این اساتید از دانشگاه‌های آمریکا تلاش‌های صورت گرفت که در برخی موارد نتیجه داد.

وزارت دادگستری آمریکا ژانویه ۲۰۲۱ (بهمن ۱۳۹۹) کاوه لطف‌الله افراسیابی را متهم کرد که برای دهه‌ها در پوشش استاد دانشگاه و یک فرد بی‌طرف علمی در دانشگاه «بوستون» مأمور ثبت نشده جمهوری اسلامی ایران بوده و بابت کارهایی که انجام داده ده‌ها هزار دلار پول دریافت کرده است.

سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) اسفند سال ۱۴۰۰ در نامه‌ای به رئیس و هیئت انمائی دانشگاه پرینستون در مورد ادامه همکاری با سیدحسین موسویان از عوامل رژیم ایران که به عنوان کارمند در این دانشگاه فعالیت دارد ابراز نگرانی کرد و خواستار اخراج او شد.

لن خودورکوفسکی و لادن بازرگان اسفند سال ۱۴۰۱ در مقاله‌ای که «واشنگتن اگزمینر» منتشر کرد نوشتند «دانشگاه‌های آمریکا به خاطر پول، خود را به رژیم اسلامی ایران فروخته‌اند.» یکی از کسانی که در این مقاله از وی نام برده شده محمدجعفر محلاتی سفیر سابق جمهوری اسلامی در سازمان ملل است که سابقه «یهودستیزی» دارد.

دو عضو کنگره آمریکا، ویرجینیا فاکس و جیم بنکس بر اساس اصل شفافیت، نامه‌ای به رئیس کالج اوپربلین در ایالت اوهایو نوشتند و خواستار تحقیق و روشن شدن جزئیات مرتبط با استخدام محلاتی در این محیط آموزشی شدند. تلاشی که هنوز پاسخ مطلوب نگرفته است. حالا رابرت مالی هم که ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی عکس‌های دستکاری شده‌ی وی را با عبا و عمامه منتشر می‌کنند و او را «آیت‌الله مالی» می‌نامند، در حالی که جمع این استادان پیوسته که نه تنها به هدف خود برای احیای برجام نرسید بلکه یک پرونده امنیتی علیه وی به عنوان مقام مذاکره‌کننده گشوده شده که جزئیات آن اعلام نشده است.

معتقدند تصمیم دولت کنونی آمریکا برای اعزام سه هزار تنفنگدار آمریکایی با دو ناو غول‌پیکر به آب‌های خاورمیانه، ارسال این پیام به تهران است که «پا را از گلیم‌اش درازتر نکند» و همچنین به منتقدان داخلی و متحدان غربی خود اعلام می‌کند که «دولت می‌داند چه می‌کند.»

با اینهمه نباید فراموش کرد که معادلات سیاسی متغییرها و مؤلفه‌هایی دارد که قادرند نتیجه نهایی کل معادله را تغییر دهند به ویژه با توجه به شرایط داخلی ایران که حکومت با بحران مشروعیت و خیزش‌های آزادخواهانه‌ی مردم روبروست و به زور سرکوب سرپا مانده است.

حامد محمدی

● وبسایت دانشگاه پرینستون اعلام کرد رابرت مالی «تصمیم‌گیری در سیاست خارجی» و «دیپلماسی» تدریس خواهد کرد.

● ژیانو وانگ محقق آمریکایی چینی‌تبار دانشگاه «پرینستون» که خودش ۴۰ ماه در ایران به گروگان گرفته شده بود، در توییتهای نوشت «پرینستون رابرت مالی را که در حال حاضر به دلیل افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده تحت تحقیقات FBI قرار دارد، به عنوان استاد مهمان استخدام می‌کند... قرار است او چه چیزی به دانشجویان پرینستون بیاموزد؟ هیچی جز اینکه چرا آمریکا باید در برابر [رژیم] ایران خم شود!» وانگ اصطلاح صریح‌تری را در مورد چاکرمایی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی به کار برده است. رابرت مالی نماینده ویژه پیشین آمریکا در امور ایران که به دلیل عدم حفاظت از اطلاعات امنیتی مربوط به مذاکرات اتمی ایران از مقام خود در وزارت خارجه آمریکا عزل شد، قرار است از ترم پاییز به عنوان «استاد مهمان» در دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه «پرینستون» تدریس کند.

وبسایت دانشگاه پرینستون روز سه‌شنبه ۱۵ اوت (۲۴ مرداد) اعلام کرد وی درباره «تصمیم‌گیری در سیاست خارجی» و «دیپلماسی» تدریس خواهد کرد.

امانی جمال رئیس دانشکده روابط بین‌المللی دانشگاه پرینستون در اینباره گفته «تجربه دیپلماتیک و تعاملات قابل توجه راب مالی با چندین دولت برای دانشجویان ما ارزش بسیار زیادی خواهد داشت. من بسیار خوشحالم که او به دانشکده ما می‌آید و به وی خوشامد می‌گویم و مشتاقانه منتظر کمک‌های او هستم.»

ژیائو وانگ محقق آمریکایی چینی‌تبار دانشگاه «پرینستون» که خودش ۴۰ ماه در ایران به گروگان گرفته شده بود، در توییتهای نوشت «پرینستون رابرت مالی را که در حال حاضر به دلیل افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده تحت تحقیقات FBI قرار دارد، به عنوان استاد مهمان استخدام می‌کند... قرار است او چه چیزی به دانشجویان پرینستون بیاموزد؟ هیچی جز اینکه چرا آمریکا باید در برابر [رژیم] ایران خم شود!» وانگ اصطلاح صریح‌تری را در مورد چاکرمایی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی به کار برده است. بعضی دانشگاه‌های آمریکایی با افرادی همکاری دارند که سابقه سیاهی در همکاری با جمهوری اسلامی یا لابیگری و مماشات با رژیم ایران دارند.

پایگاه خبری «هیمل» وابسته به کنگره آمریکا فروردین ۱۴۰۰ در ذخیره ارزی ۷۴ میلیارد دلار است. در یک فقره‌ی دیگر، هزینه مخارج دخالت رژیم در جنگ سوریه بین ۳۰ تا ۵۰ هزار میلیارد دلار برآورد شده است. اینها رقم‌هایی نیست که با ازاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران در بانک‌های خارجی آنهم با تاکتیک گروگانگیری و اخاذی قابل تأمین باشد.

دولت‌های غربی مدام از سوی مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی با این هشدار روبرو می‌شوند که معامله پشت پرده با ملاحا فقط انگیزه‌ی آنها را در سرکوب مردم و گسترش تروریسم در منطقه و فراتر از آن بیشتر می‌کند. اگرچه آنچه در ظاهر دیده می‌شود، ادامه مماشات غربی‌ها و به ویژه دولت بایدن با رژیم ایران است اما برخی تحلیلگران

آب رفتن منابع ارزی آزاد شده

یک هفته پس از اعلام رسمی انتقال گروگان‌ها از اوین به حصر در یک هتل، پای بانک مرکزی آلمان به معامله جمهوری اسلامی و آمریکا باز شد. با توجه به اینکه پول بلوکه شده ایران در دو بانک کره جنوبی به صورت «وون» (واحد پول کره) نگهداری می‌شود ابتدا به حساب بانک مرکزی آلمان در سوئیس واریز خواهد شد تا آنجا تبدیل به یورو شود و سپس به حسابی در قطر یا عمان منتقل خواهد شد. همین فرآیند باعث شده تا بخشی از این پول هم به دلیل کاهش ارزش پول کره جنوبی و هم تبدیل و نقل و انتقال بانکی پیشاپیش از بین برود که تخمین زده می‌شود حدود یک میلیارد دلار است. برخی مقامات جمهوری اسلامی ادعا کرده‌اند که به این پول دسترسی مستقیم خواهند داشت اما به نظر می‌رسد پای یک شرکت قطری به عنوان واسطه در میان است هرچند که این موضوع تکذیب شده است. آنهم در حالی که مقامات آمریکایی قویاً ادعا می‌کنند هیچ پول نقدی به دست رژیم ایران نمی‌رسد و پول‌های آزاد شده نه تنها فقط و فقط برای خرید کالاهایی که جزو تحریم‌های جمهوری اسلامی نیست از جمله غذا و دارو قابل استفاده است بلکه خود آمریکا بر نحوه‌ی هزینه شدن این پول نظارت خواهد داشت.

عموم مردم ایران اما آنقدر به طرفین این معامله به ویژه ملاحا بدبین و بی‌اعتماد هستند که برخلاف شرایطی که در سال ۲۰۱۵ متنتی به توافق اتمی موسوم به برجام شد ترجیح می‌دهند ذهن‌شان را درگیر این معامله نکنند. آنها معتقدند جمهوری اسلامی این پول را نیز مثل پول‌های دریافتی در دوران برجام و همچنین مانند دیگر منابع کشور «ملاخور» می‌کند. در واکنش به همین بدبینی‌های مردم است که سیدابراهیم رئیسی مدعی شده است «همه منابع ارزی آزاد شده صرف پشتیبانی از رونق تولید خواهد شد!»

کمک‌های «غول چراغ جادو» هم بی‌فایده است

اینکه دقیقاً چقدر از پول‌های ایران در بانک‌های خارجی بلوکه شده مشخص نیست. اما بر اساس ادعای مقامات جمهوری اسلامی، این رقم به ۲۳ میلیارد دلار می‌رسد. از نظر حکومت، آزاد شدن همین شش میلیارد دلار در کره جنوبی نیز نشانه‌ی «اقتدار» و «بیروزی دیپلماتیک» است اما مسئله اینست که حتا کارشناسان اقتصادی داخل ایران هم که برخی از آنها تعلق خاطر به هر یک از جناحین نظام دارند نیز معتقدند بحران اقتصادی در ایران آنقدر گسترده است که حتا با فرض محال آزاد شدن همه‌ی ۲۳ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده هم درد چندانی از مردم دوا نخواهد کرد؛ تازه اگر حکومت آن را نه برای برنامه‌های موشکی و اتمی و شبه‌نظامیان نیابتی و گروه‌های تروریستی وابسته به خود بلکه برای جامعه خرج کند!

بدهی‌های دولتی و کمبود سرمایه‌گذاری در صنایع اصلی و زیرساخت‌های ایران آنقدر بالاست که اگر پول‌های آزاد شده در بانک‌های خارجی با کمک «غول چراغ جادو» سه چهار برابر هم شود، وضعیت جمهوری اسلامی همچنان بحرانی خواهد ماند چرا که خود به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک مولد بحران است!

در این میان، تنها در یک فقره بدهی جمهوری اسلامی ایران به صندوق بین‌المللی پول ۱۱۲ میلیارد دلار است. طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی صنعت نفت و گاز ایران به ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. مدیرعامل شرکت راه‌آهن می‌گوید به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم. طبق گفته معاون وزیر نیرو، صنعت برق ایران به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. بدهی دولت به صندوق

باج شش میلیارد دلاری جو بایدن به ملاها برای گروگانگیری روزنامه «ایران»: حاصل «دیپلماسی نتیجه‌گرای دولت سیزدهم» بود!

وی معامله جهت تبادل زندانیان در ازای پول را امری «غیرعادی» و در روابط بین‌الملل «نامتعارف» خواند و با زیر سؤال بردن «اصل زندانی شدن این افراد» می‌گوید: «هرچند ۶ میلیارد دلار پول آزاد می‌شود» اما «هنوز درباره مکانیسم این آزادسازی‌ها اطلاع‌رسانی دقیقی صورت نگرفته است». مولایی ادعای حکومت در مورد دلیل انسانی و حقوق بشری آزادی این افراد را نیز زیر سؤال برده است.

یک میلیارد دلار آب رفت!

جلال ساداتیان سفیر سابق جمهوری اسلامی در لندن طی یادداشتی در روزنامه «آرمان ملی» به چند تناقض اساسی اشاره کرده است. از جمله اینکه پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی ۷ میلیارد دلار بود و در همین ارتباط گفته است معلوم نیست چه شد که صحبت از ۶ میلیارد دلار می‌شود. وی همچنین گفته ابتدا جمهوری اسلامی ایران معتقد به آزاد کردن ۲ زندانی بود و «برای اینکه گره بیشتر نشود رفته رفته ۵ زندانی شد و کسی نیامد روشن کند که موضوع چیست».

ساداتیان گفته برای این معامله «متأسفانه زمان زیادی از دست رفت در حالی که اگر واقعاً اجازه داده بودند که در زمان ظریف و عراقچی توافق عملیاتی می‌شد همان موقع نیز این هفت میلیارد بدون هیچ قید و شرطی به دست ایران می‌رسید و آن زندانی‌ها نیز آزاد شده بودند و منافع این ۷ میلیارد نیز در این ۲ سال و اندی نصیب ایران می‌شد». روزنامه دولتی «ایران» با تمجید از عملکرد دولت برای این معامله ادعا کرده است که با این اقدام «قدرت بازسازی بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز افزایش خواهد یافت» و اصلاح‌طلبان از «دیپلماسی نتیجه‌گرای دولت سیزدهم» ناراحت هستند.

روزنامه «وطن امروز» که در زمان دولت روحانی به شدت با معامله‌های مشابه بین تهران و واشنگتن مخالف بود با چرخش اساسی در مواضع خود می‌نویسد «فرآیند آزادسازی منابع ارزی ایران در کره جنوبی در ازای آزادی ۵ زندانی آمریکایی بدون دادن امتیاز هسته‌ای آغاز شده است».

در این گزارش آمده «دولت آمریکا از ابتدای استقرار بایدن و همکاریانش در کاخ سفید پیشنهاد آزادسازی دارایی‌های بلوکه ایران را فقط در ازای توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد به بالای اورانیوم مطرح می‌کرد. حالا اما ایران مشغول غنی‌سازی ۶۰ درصد است و آمریکایی‌ها در نهایت مجبور شدند تن به آزادی منابع مالی ایران در عوض آزادی جاسوسان خود در تهران بدهند».

هنوز ابعاد و جزئیات معامله پنهان میان جمهوری اسلامی و دولت بایدن مشخص نیست اما برخی منابع گفته‌اند تهران پذیرفته غنی‌سازی اورانیوم را که تا ۶۰ درصد افزایش یافته بود کاهش دهد.

بسیاری از تحلیلگران و ناظران با انتقاد از دولت بایدن برای معامله با جمهوری اسلامی عنوان می‌کنند دموکرات‌ها ضمن مداخلات با رژیم ایران برخلاف ادعاهایی که دارند به نادیده گرفتن حقوق بشر عادت داشته و اعتراضات مردم ایران علیه حکومت را نادیده گرفته‌اند.



جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا / عکس: رویترز

در این حساب‌نظارت دارد و ما قادر خواهیم بود به هر ترانکنشی که برای آن استفاده می‌شود نظارت کنیم تا مطمئن شویم که آنها کار را درست انجام داده و برای اهداف مورد نظر استفاده کرده‌اند».

منتقدان می‌گویند معامله با جمهوری اسلامی انگیزه حکومت برای گروگانگیری را بیشتر می‌کند. جان فاینر در این ارتباط گفت: «خیلی واضح بگویم که ایالات متحده بطور فعال و قاطعانه آمریکایی‌ها را از سفر به کشورهایمانند ایران منصرف کرده است؛ جایی که ما نگرانی‌های واقعی در این مورد داریم که آمریکایی‌ها ممکن است در معرض بازداشت‌های خودسرانه، زندانی و یا ربوده شدن قرار بگیرند».

این مقام آمریکایی تأکید کرد که در این مورد انتقادات زیاد است و قبول داریم رفتار جمهوری اسلامی با گروگانگیری «وحشیانه» است اما گفت: «پرزیدنت بایدن این اقدام را به سود منافع ملی و به سود این دولت می‌داند، و نه فقط به نفع افراد و خانواده‌های زندانیان».

معاون مشاور امنیت ملی آمریکا پاسخ دقیقی به این پرسش که گام بعدی پس از آزادی این زندانیان از اوین به حصر خانگی چه خواهد بود نداد.

معامله زندانی با پول «غیرعادی» است

یوسف مولایی حقوقدان در تهران در یادداشتی با عنوان «دو روی سکه آزادسازی زندانیان» که شنبه ۲۱ مرداد در روزنامه «اعتقاد» منتشر شد می‌نویسد «افکار عمومی ایرانیان به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که این تصمیم چه معنا و مفهومی دارد و آیا گرهی از هزارتوی مشکلات ایران باز می‌کند یا نه؟»

● جان فاینر معاون مشاور امنیت ملی آمریکا مصاحبه با «رادیو ملی آمریکا» (NPR) تأیید کرد که معامله با رژیم ایران انتقادات زیادی در پی داشته و گفته قبول داریم رفتار جمهوری اسلامی با گروگانگیری «وحشیانه» است اما تأکید کرده «پرزیدنت بایدن این اقدام را به سود منافع ملی و به نفع این دولت می‌داند».

● یوسف مولایی حقوقدان در تهران در یادداشتی با عنوان «دو روی سکه آزادسازی زندانیان» که در روزنامه «اعتقاد» منتشر شد می‌نویسد معامله جهت تبادل زندانیان در ازای پول امری «غیرعادی» و در روابط بین‌الملل «نامتعارف» است. مولایی ادعای حکومت در مورد دلیل انسانی و حقوق بشری آزادی این افراد را نیز زیر سؤال برده است.

● جلال ساداتیان سفیر سابق جمهوری اسلامی در لندن طی یادداشتی در روزنامه «آرمان ملی» به چند تناقض اساسی اشاره کرده است. از جمله اینکه پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی ۷ میلیارد دلار بود و معلوم نیست چه شد که صحبت از ۶ میلیارد دلار می‌شود.

● روزنامه دولتی «ایران» با تمجید از عملکرد دولت برای این معامله ادعا کرده با این اقدام «قدرت بازسازی بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز افزایش خواهد یافت» و اصلاح‌طلبان از «دیپلماسی نتیجه‌گرای دولت سیزدهم» ناراحت هستند.

با وجود اعلام رسمی معامله ۶ میلیارد دلاری میان جمهوری اسلامی و دولت جو بایدن در ازای آزاد کردن پنج گروگان ایرانی-آمریکایی نقاط مبهم و تناقض‌گویی در این قضیه بسیار است.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی صرفاً روی آزاد شدن بخشی از پول‌های بلوکه شده به عنوان «یک دستاورد سیاسی» مانور می‌دهند و مقامات آمریکایی به بهانه وضعیت ناپایدار گروگان‌ها از ارائه جزئیات طفره می‌روند.

محمد مرندی مشاور تیم مذاکره‌کننده اتمی جمهوری اسلامی ادعا کرده «ایران به تمام دارایی‌های آزادشده دسترسی کامل و مستقیم دارد» و آنها که ادعای دیگری را مطرح می‌کنند «افراد ناخرسند و عصبانی» هستند. وی گفته پای هیچ شرکت قطری در این میان دخیل نیست.

قاسم محبعلی مدیرکل پیشین خاورمیانه وزارت خارجه اما می‌گوید این پول فقط در مواردی که ایران تحریم نیست قابل استفاده است و جمهوری اسلامی برای هرگونه خرید باید از وزارت خارجه آمریکا مجوز داشته باشد.

در مورد معامله ۶ میلیارد دلاری دولت بایدن و جمهوری اسلامی، جان فاینر معاون مشاور امنیت ملی آمریکا ۱۱ اوت (۲۰ مرداد) در مصاحبه با «رادیو ملی آمریکا» (NPR) با تأیید انتقال ۶ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی به یک حساب بانکی در قطر تأکید کرد که این پول فقط برای خرید مواد غذایی، دارو و تهیهی کالاهایی که تحت تحریم‌های ایالات متحده نیستند، در دسترس خواهد بود.

وی در مورد نظارت بر نحوه خرج شدن این پول توضیح داد «مطمئن باشیم وزارت خزانه‌داری آمریکا بر کل پول

یک «معامله پنهان» دیگر میان رژیم ایران و آمریکا بیش از شش میلیارد دلار پول کجا خرج می‌شود؟!

در اختیار جمهوری اسلامی ایران است و این منابع برای نیازهای مختلف کشور حسب تشخیص مراجع ذیصلاح هزینه خواهد شد.»

اما باربارا اسلاوین روزنامه‌نگار و عضو اندیشکده «شورای آتلانتیک» درباره آزاد شدن پول‌های ایران که قرار است به قطر منتقل شود به نقل از علی واعظ یکی دیگر از اعضای این اندیشکده نوشت: «تنها کاری که ایران می‌تواند انجام دهد سفارشات مواد غذایی، دارو و تعداد محدودی تجهیزات پزشکی است.»

وی توضیح داد: «بانک دوحه قطر هزینه کالاها را پرداخت می‌کند و شرکت‌های قطری آنها را به ایران تحویل می‌دهند. جمهوری اسلامی به هیچ وجه دسترسی مستقیم به منابع مالی نخواهد داشت.»

معامله دولت بایدن با رژیم ایران واکنش‌های مختلفی در پی داشته است. تام کاتن سناتور جمهوریخواه در بیانیه‌ای نوشت: «در حالی که ما همیشه از آزادی گروگان‌ها استقبال می‌کنیم، اگر دوتابعیتی‌ها پس از پرداخت ۶ میلیارد دلار باج به جمهوری اسلامی، آزاد شوند، این مماشات باعث می‌شود که آیت‌الله‌ها گروگان‌های بیشتری بگیرند.»

وی افزود: «نیروهای جمهوری اسلامی، از تروریسم حمایت مالی و روسیه را مسلح می‌کنند. این چرخه بهره‌گیری تا زمانی ادامه خواهد داشت که جو بایدن پاسخ قاطعانه به تجاوزهای آنها بدهد.»

اکنون در شبکه‌های اجتماعی و به ویژه بین کاربران ایرانی صحبت از این است که بعد از معامله پنهان میان رژیم ایران و آمریکا قرار است مبلغ نجومی بین شش تا ۱۰ میلیارد دلار که به صورت کالا نیز فقط به جیب آیت‌الله‌ها و پاسداران‌شان سرازیر می‌شود چگونه مصرف و کجا خرج خواهد شد؟!

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد در مجموع ۲۳ میلیارد دلار کل پول‌های بلوکه شده ایران در بانک‌های خارجی و اندوخته‌هایی در صندوق بین‌المللی پول است. اما تقریباً کمتر کسی امیدوار است که این پول‌ها صرف بهبود وضعیت مردم و زیرساخت‌های کشور شود.

در جمهوری اسلامی، دولت ۷۴ میلیارد دلار به صندوق ذخیره ارزی بدهکار است. مخارج جنگ سوریه بین ۲۰ تا ۵۰ میلیارد دلار است و صنعت نفت در ایران به ۱۰۰ میلیارد دلار و صنایع برق به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. پس از معامله پنهان اوپاما و رژیم ایران و توافق موسوم به برجام نیز میلیون‌ها دلار پول نقد در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته شد که آنها را هزینه‌ی برنامه‌های موشکی و اتمی و تأمین گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان نیابتی و همچنین تبلیغات مذهبی در داخل و خارج و لابیگران و سرکوب خونین شهروندان معترض در کشور کرد.

بر اساس همین تجربه، برخی معتقدند احتمالاً دولت بایدن به ویژه در ارتباط با انتخابات آینده ریاست جمهوری این کشور بر آن است که همه گروگان‌های آمریکایی را به هر شکل و قیمتی که شده از اسارت جمهوری اسلامی آزاد کند تا ایالات متحده بتواند با قطعیت و سختگیری لازم سیاست‌های خود را در برابر رژیم ایران از جمله در توافق و همکاری با اسرائیل و عربستان پیش ببرد.



جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا

شده ایران آزاد شود. بر اساس این گزارش، طبق توافق صورت گرفته پنج نفر از زندانیان ایرانی در آمریکا و پنج نفر از زندانیان آمریکایی در ایران مبادله خواهند شد.

شش میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی مسدود است که به‌همراه مقدار قابل توجهی از وجوه ایران در بانک TBI عراق آزاد خواهد شد اما هنوز رقم دقیق آن مشخص نیست.

همچنین ادعا شده «فرآیند آزاد شدن پول بلوکه شده ایران در یکی از بانک‌های اروپایی نیز آغاز شده است.» طبق توضیح این مقام دولتی، پول بلوکه شده در کره جنوبی باید در یکی از بانک‌های سوئیس تبدیل به یورو شده و آماده انتقال به قطر است.

بر اساس توافق صورت گرفته، زندانیان به محلی غیر از زندان منتقل شده‌اند اما تا زمانی که پول‌های آزاد شده به حساب‌های مورد نظر رژیم ایران واریز نشود، مبادله‌ای صورت نخواهد گرفت. پس از آنکه جمهوری اسلامی از در دسترس بودن منابع مالی آزاد شده، در قطر اطمینان حاصل کرد خروج زندانیان از ایران ممکن می‌شود.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد «ایران تضمین لازم برای پایبندی آمریکا به تعهدات خود در مورد آزاد شدن پول‌های بلوکه شده را دریافت کرده است.» در مورد نحوه دسترسی رژیم ایران به این پول‌ها اظهارات متناقضی مطرح می‌شود و معلوم نیست چه بخش از آن با هدف «خبردرمانی» و جنگ روانی در مقابله با جنبش اعتراضی مردم علیه رژیم تبلیغ می‌شود و چه بخش سخنان واقعی و جزو توافق مربوطه هستند.

در بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا شده «نحوه بهره‌برداری از منابع و دارایی‌های مالی رفع توقیف شده

● مقامات اسرائیلی می‌گویند توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا برای مبادله گروگان‌ها در ازای آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران بخشی از یک توافق غیررسمی گسترده‌تر است.

● در مورد نحوه دسترسی رژیم ایران به این پول‌ها اظهارات متناقضی مطرح می‌شود و معلوم نیست چه بخش از آن با هدف «خبردرمانی» و جنگ روانی در مقابله با جنبش اعتراضی مردم علیه رژیم تبلیغ می‌شود و چه بخش سخنان واقعی و جزو توافق مربوطه هستند.

● وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرده «تضمین لازم برای پایبندی آمریکا به تعهدات خود برای آزاد کردن پول‌ها بلوکه شده را دریافت کردیم» و «نحوه بهره‌برداری از این پول‌ها با ایران است!»

● باربارا اسلاوین روزنامه‌نگار و عضو اندیشکده «شورای آتلانتیک» توضیح داده «جمهوری اسلامی به هیچ وجه دسترسی مستقیم به منابع مالی نخواهد داشت.»

● تام کاتن سناتور جمهوریخواه در بیانیه‌ای نوشت: «در حالی که ما همیشه از آزادی گروگان‌ها استقبال می‌کنیم، اگر دوتابعیتی‌ها پس از پرداخت ۶ میلیارد دلار باج به جمهوری اسلامی، آزاد شوند، این مماشات باعث می‌شود که آیت‌الله‌ها گروگان‌های بیشتری بگیرند.»

● پس از معامله پنهان اوپاما و رژیم ایران و توافق موسوم به برجام نیز میلیون‌ها دلار پول نقد در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته شد که آنها را هزینه‌ی برنامه‌های موشکی و اتمی و تأمین گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان نیابتی و همچنین تبلیغات مذهبی در داخل و خارج و لابیگران و سرکوب خونین شهروندان معترض در کشور کرد.

● بر اساس همین تجربه، برخی معتقدند احتمالاً دولت بایدن به ویژه در ارتباط با انتخابات آینده ریاست جمهوری این کشور بر آن است که همه گروگان‌های آمریکایی را به هر شکل و قیمتی که شده از اسارت جمهوری اسلامی آزاد کند تا ایالات متحده بتواند با قطعیت و سختگیری لازم سیاست‌های خود را در برابر رژیم ایران از جمله در توافق و همکاری با اسرائیل و عربستان پیش ببرد.

مقامات اسرائیلی می‌گویند توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا برای مبادله گروگان‌ها در ازای آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران بخشی از یک توافق غیررسمی گسترده‌تر است که شامل محدود کردن فعالیت هسته‌ای رژیم ایران و توقف حملات گروه‌های نیابتی به نیروهای آمریکایی می‌شود.

جمهوری اسلامی در یک «معامله پنهان» دیگر با آمریکا پذیرفته در ازای آزاد شدن بخشی از پول‌های بلوکه شده ایران از بانک‌های خارجی، پنج گروگان آمریکایی را فعلاً به خارج از زندان اوین منتقل کند.

سیامک نمازی، عماد شرقی و مراد طاهباز و دو نفر دیگر که نام آنها هنوز مشخص نیست پنجشنبه ۱۹ مرداد از زندان اوین به «حصر خانگی» احتمالاً در یک هتل تحت محافظت منتقل شدند.

خبرگزاری «ایرنا» به نقل از یک مقام آگاه گزارش داد که در مجموع قرار شده مبلغ ۱۰ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه

پایگاه خبری «هیل»: آمریکا باید از اقدام نظامی اسرائیل علیه برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی حمایت کند



بیش از سه هزار تنفنگدار آمریکایی با دو ناو از ششم اوت ۲۰۲۳ وارد خاورمیانه شدند

در برابر تهدیدات مداوم ایران سرعت بخشد.» در صورت اقدام اسرائیل، دولت آمریکا باید در بیانیه‌های عمومی و در سازمان ملل بطور کامل و فوری روشن کند که در کنار اسرائیل می‌ایستد و کاملاً از دفاع خود از این کشور نیز حمایت می‌کند. به ویژه باید به رهبر جمهوری اسلامی و حزب‌الله هشدار داده شود که انتقامجویی از اسرائیل و حملات جدید علیه مواضع ایالات متحده یا متحدان عربی در منطقه، واکنش‌های شدید اسرائیل و یا آمریکا را در پی خواهد داشت که می‌تواند اساس قدرت رژیم را تهدید کند. به محض شروع حمله اسرائیل، ایالات متحده باید فوراً اسرائیل را با رهگیرهای «گنبد آهنین»، مهمات هدایت شونده دقیق، مهمات و قطعات یدکی دوباره تأمین کند و دفاع هوایی «پاتریوت» را در اسرائیل تحت کنترل ایالات متحده مستقر نماید. همچنین در صورت امکان، ایالات متحده باید هواپیماهای جنگی و کشتی‌های موشک هدایت شونده اضافی را راهی منطقه کند تا در برابر محتمل‌ترین و مهیب‌ترین گزینه‌های تشنج‌آفرین جمهوری اسلامی، فضای بازدارندگی ایجاد کرده و با تهدیدات مقابله کند.

ماکوفسکی در پایان این مقاله نوشته ایالات متحده، اسرائیل و سایرین همچنین باید در مورد مسائل بلندمدتی که حمله اسرائیل برای آنها ایجاد می‌کند، هماهنگ عمل کنند، از جمله ارائه چارچوب دیپلماتیک به تهران برای پایان دادن به هر درگیری بعدی، رسیدگی به زرادخانه‌های عظیم حزب‌الله و یافتن راهکار دائمی برای برنامه غیرقانونی تسلیحات اتمی جمهوری اسلامی.

در حالی که حمله احتمالی اسرائیل نشان‌دهنده شکست (و البته نجات) دهه‌ها سیاست نامؤثر ایالات متحده است، و در حالی که واشنگتن ممکن است نسبت به اقدام اسرائیل تردید داشته باشد، اما این مؤثرترین راه برای مقابله با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است که قبلاً توسط جو بایدن بیان شده و توسط سفیر آمریکا در اسرائیل ابلاغ نیز شده است: «اسرائیل می‌تواند و باید هر اقدامی که برای مقابله لازم است انجام دهد و ما از آن حمایت می‌کنیم.»

زیادتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن، به ویژه حزب‌الله، زرادخانه‌هایی را که بیش از ۱۰۰ هزار راکت و موشک در آن انبار شده به سمت اسرائیل نشانه بگیرند. چنین درگیری احتمالی پای ارتش ایالات متحده را نیز به میدان خواهد کشید و می‌تواند در سراسر منطقه گسترش یابد که پیامدهای استراتژیک و اقتصادی قابل توجهی خواهد داشت.

در ادامه این مقاله آمده «یکی از رهبران عرب اخیراً بطور خصوصی به ما گفت که خیانت ایالات متحده به متحد نزدیک خود اسرائیل، در زمانی که خطر بزرگی آن را تهدید می‌کند، یکی از بزرگترین فجایع تاریخ» خواهد بود. از آنجا که اسرائیل بطور گسترده به عنوان متحد نزدیک آمریکا تلقی می‌شود و در شرایطی که اسرائیل در دفاع از موجودیت خود با تهدیدات مختلف از جمله تلفات سنگین روبروست، مواضع و حمایت محکم آمریکا و متحدانش از ورشو تا ابوظبی و تاییه اطمینان‌بخش خواهد بود. تردید آمریکا اعتبار واشنگتن را از بین خواهد برد و دشمنان را از تهران گرفته تا مسکو و پکن گستاخ‌تر خواهد کرد.»

دولت بایدن و کنگره آمریکا باید اکنون برای نشان دادن حمایت ایالات متحده از اسرائیل اقدام کنند. این شامل تقویت مواضع اخیر آنتونی بلینکن وزیر خارجه و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی، مبنی بر حمایت این کشور از «آزادی عمل» اسرائیل است. علاوه بر این، ایالات متحده باید علناً حمایت خود را از اسرائیل در هرگونه درگیری احتمالی بین اسرائیل و ایران، از جمله نیروهای نیابتی مانند حزب‌الله و حماس، مجدداً اعلام کند. در بخش دیگر این مقاله توصیه شده «این اظهارات باید با تحویل سریع هواپیماهای سوخت‌رسان KC-۴۶A، مهمات هدایت شونده دقیق، هواپیماهای F-۱۵ و F-۳۵، و دفاع هوایی و موشکی به اسرائیل تکمیل شود. اسرائیل قبلاً درخواست این تسلیحات را ارائه داده است. این اقدامات به حداکثر رساندن بازدارندگی و اثر بخشی نظامی اسرائیل کمک خواهد کرد. واشنگتن همچنین باید ایجاد سیستم دفاع هوایی، موشکی و دریایی یکپارچه منطقه‌ای را

● مایکل ماکوفسکی رئیس و مدیرعامل «مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا» و از مقامات پیشین پنتاگون ۱۳ اوت (۲۲ مرداد) در مقاله‌ای در پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا می‌نویسد دولت بایدن باید از عدم آمادگی خود در جنگ روسیه و اوکراین درس بگیرد و برای درگیری بزرگ اسرائیل و جمهوری اسلامی آماده شود.

● در گزارش تازه مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا (JINSA) کارشناسان و افسران ارشد سابق نظامی توضیح داده‌اند «هر اختلافی که اکنون آمریکا با اسرائیل بر سر ایران داشته باشد، در صورت حمله احتمالی اسرائیل، منافع دو کشور همسو خواهد شد» و بنابراین ضرورت آمادگی در برابر اقدام تلافی‌جویانه احتمالی جمهوری اسلامی برای منافع آمریکا و اسرائیل حیاتی خواهد بود.

● «یکی از رهبران عرب اخیراً بطور خصوصی به ما گفت که خیانت ایالات متحده به متحد نزدیک خود اسرائیل، در زمانی که خطر بزرگی آن را تهدید می‌کند، یکی از بزرگترین فجایع تاریخ» خواهد بود.»

شماری از تحلیلگران بین‌المللی در واکنش به معامله شش میلیارد دلاری آمریکا با رژیم ایران در ازای آزادی پنج گروگان آمریکایی و ایرانی از دولت بایدن خواسته‌اند دست اسرائیل را برای حمله نظامی علیه تأسیسات اتمی در خاک ایران و گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه باز بگذارد و از یک اقدام نظامی احتمالی حمایت کند.

مایکل ماکوفسکی رئیس و مدیرعامل «مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا» و از مقامات پیشین پنتاگون ۱۳ اوت (۲۲ مرداد) در مقاله‌ای در پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا می‌نویسد دولت بایدن باید از عدم آمادگی خود در جنگ روسیه و اوکراین درس بگیرد و برای درگیری بزرگ اسرائیل و جمهوری اسلامی آماده شود.

نویسنده در مقدمه می‌گوید: «دولت آمریکا باید اختلافات خود را با دولت اسرائیل کنار بگذارد، بر امتناع خود از درگیری با جمهوری اسلامی غلبه کرده و شروع به همکاری نزدیک با اورشلیم کند تا برای آن زمان احتمالی که اسرائیل احساس کند چاره‌ای جز آغاز یک کارزار نظامی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی ندارد آماده باشد.»

در گزارش تازه مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا (JINSA) کارشناسان و افسران ارشد سابق نظامی توضیح داده‌اند «هر اختلافی که اکنون آمریکا با اسرائیل بر سر ایران داشته باشد، در صورت حمله احتمالی اسرائیل، منافع دو کشور همسو خواهد شد» و بنابراین ضرورت آمادگی در برابر اقدام تلافی‌جویانه احتمالی جمهوری اسلامی برای منافع آمریکا و اسرائیل حیاتی خواهد بود.

ماکوفسکی عنوان می‌کند اگر اسرائیل مجبور به اقدام شود، به دلیل شکست در سیاست‌های بازدارندگی ایالات متحده، میزان حمایت واشنگتن از اسرائیل بطور مستقیم بر واکنش رژیم ایران تأثیر خواهد گذاشت. هرچه تهران حمایت قاطع ایالات متحده از اسرائیل را بیشتر درک کند و بفهمد که خطر رویارویی مستقیم با قدرت نظامی بی‌بدیل آمریکا آن را تهدید می‌کند، احتمال اینکه واکنش خود را محدود کند بیشتر خواهد بود. برعکس، هرچه اختلاف بین ایالات متحده و اسرائیل

ادعای روزنامه «تهران تایمز»: افشای «سند راهبردی» وزارت خارجه آمریکا برای شعله‌ور کردن اعتراضات در ایران



تظاهرات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

ایران در زمانی است که خواستار مذاکرات هسته‌ای با تهران بود.

در این گزارش با ادعای اینکه اعتراضات سال ۲۰۲۲ مدت‌ها پیش خاموش شد، آمده «دولت بایدن ظاهراً به تلاش‌های خود برای بی‌ثبات کردن ایران ادامه می‌دهد.»

این روزنامه در پایان می‌نویسد: «برخی رسانه‌های داخلی در ایران گزارش دادند که ایالات متحده اخیراً پیشنهاد کرده است طالبان در ازای دریافت پول‌های بلوکه شده افغانستان در آمریکا، در ایران نامی ایجاد کنند که اگر این گزارش درست باشد، ثابت می‌کند که استراتژی ایالات متحده برای بی‌ثبات کردن ایران هنوز روی میز است.»

مقامات وزارت خارجه آمریکا هنوز به این ادعاها واکنش نشان ندادند هرچند که پس از خیزش ضدحکومتی در ایران دخالت در اعتراضات را رد کردند.

گابریل نورونها از اعضای میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در دوران ترامپ در توییتهی به گزارش «تهران تایمز» واکنش نشان داد و در توییتهی نوشت: «به نظر می‌رسد [رژیم ایران] یا شبکه‌ای ناشناس وزارت خارجه آمریکا را هک کرده است، یا یک نفوذی وجود دارد که به رژیم اطلاعات می‌دهد.»

اشاره نورونها به گزارش‌های پیشین این روزنامه در مورد وضعیت رابرت مالی و افشای یک فایل صوتی در همین ارتباط است.

در ارتباط با گزارش جدید «تهران تایمز» در آستانه‌ی نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و خیزش ملی ایرانیان اما باید گفت کمی دقت در آنچه به عنوان «سند» و «دستورالعمل» مطرح شده، نشان می‌دهد که چیزی جز واقعیات روی داده در جامعه ایران نیستند و آنچه به عنوان «راهبرد» و «دخالت» آمریکا ادعا شده نیز سیاست واکنشی دولت آمریکا در حمایت از جنبش اعتراضی مردم ایران بوده است. کشورهای غربی و دیگر دولت‌ها نیز در شیوه‌ای مشابه به پشتیبانی از جنبش آزادیخواهی ایرانیان پرداختند.

● به ادعای «تهران تایمز» همزمان با اعتراضات ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ «وزارت خارجه آمریکا با مشارکت رابرت مالی، راهبردی برای شعله‌ورتر کردن بیشتر آتش ناآرامی و طولانی‌تر کردن آن طراحی کرد. این سند نشان می‌دهد چگونه دولت بایدن سیاست تهاجمی علیه ایران را تدوین و اجرا کرد.»

● این سند شامل دستورالعمل‌هایی برای دولت بایدن است تا با افشای اطلاعاتی که از طریق آژانس‌های جاسوسی ایالات متحده به دست آمده برای کمک به تشجیع معترضان، از توانایی اطلاعاتی آمریکا استفاده کند.

● ارسال تجهیزات اینترنت ماهواره‌ای استارلینک و همچنین ارائه VPN به مردم در ایران برای دور زدن فیلترینگ و حمایت مالی از افرادی که در ناآرامی‌ها نقش دارند مثل ایجاد صندوق اعتصابات از برنامه‌های آمریکاست که در این سند آمده است.

● گابریل نورونها از اعضای میز ایران در وزارت خارجه آمریکا در دوران ترامپ در توییتهی به گزارش «تهران تایمز» واکنش نشان داد و در توییتهی نوشت: «به نظر می‌رسد [رژیم ایران] یا شبکه‌ای ناشناس وزارت خارجه آمریکا را هک کرده است، یا یک نفوذی وجود دارد که به رژیم اطلاعات می‌دهد.»

روزنامه «تهران تایمز» چاپ تهران وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در گزارشی با عنوان «طرح ابلهانه» ادعا کرده به سندی در وزارت خارجه آمریکا دست یافته است که نشان می‌دهد دولت بایدن محرک ناآرامی‌ها در ایران در سال ۲۰۲۲ بعد از مرگ مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» بوده است.

در این گزارش که ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) منتشر شد تأکید شده این سند با مشارکت رابرت مالی فرستاده پیشین آمریکا در امور ایران تهیه شده است.

طبق این گزارش همزمان با اعتراضات ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ در ایران «وزارت خارجه آمریکا با مشارکت راب مالی، راهبردی برای شعله‌ورتر کردن بیشتر آتش ناآرامی و طولانی‌تر کردن آن طراحی کرد. این سند نشان می‌دهد چگونه دولت بایدن سیاست تهاجمی علیه ایران را تدوین و اجرا کرد. این سند به تاریخ ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲ (اول آذرماه ۱۴۰۱) می‌تواند به عنوان یک استراتژی رسمی تلقی شود که در ماه‌های بعد به عنوان یک اصل راهنما برای ایالات متحده در سیاست خود در قبال ایران در نظر گرفته شده است.»

ادعا شده این سند توسط وزارت خارجه آمریکا تهیه و به آژانس‌های دیگر مانند شورای امنیت ملی ایالات متحده ارسال شده است.

به نوشته «تهران تایمز» این سند چهار بخش گسترده را برای اقدام علیه جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند که هر یک شامل بخش‌های فرعی زیادی است. این سند پیشنهاد می‌کند که شورای امنیت ملی نقش هماهنگ کننده را در زمینه‌ی تشکیل جلسات روزانه کوچک و منظم در سطح معاونان، هدایت اطلاعات مرتبط با ایران، بهبود کار بین‌سازمانی و اطلاع‌رسانی به بایدن در مورد اعتراضات ایران

بر عهده بگیرد.»

بخش عمده‌ای از این سند به این موضوع می‌پردازد که چگونه ایالات متحده باید از «معترضان» در ایران حمایت کند و در عین حال تحریم‌ها علیه ایران را افزایش دهد و جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی منزوی کند.

برخلاف تصور بسیاری، این حمایت فقط در قالب توییت یا بیانیه نیست و بسیار فراتر از روش‌های مرسوم برای ابراز حمایت از معترضان آزادیخواه است. این سند شامل دستورالعمل‌هایی برای دولت بایدن است تا با افشای اطلاعاتی که از طریق آژانس‌های جاسوسی ایالات متحده به دست آمده برای کمک به تشجیع معترضان، از توانایی اطلاعاتی آمریکا استفاده کند. دستورالعمل‌ها تا آنجا پیش می‌رود که ایالات متحده را به هدف قرار دادن سیستم‌های فرماندهی و کنترل ایران برای فلج کردن قابلیت‌های سایبری جمهوری اسلامی سوق می‌دهد.

ارسال تجهیزات اینترنت ماهواره‌ای استارلینک و همچنین ارائه VPN به مردم در ایران برای دور زدن فیلترینگ و حمایت مالی از افرادی که در ناآرامی‌ها نقش دارند مثل ایجاد صندوق اعتصابات از برنامه‌های آمریکاست که در این سند است.

بخش دیگری از این سند بر ضرورت اعمال تحریم‌های بیشتر علیه مقامات ایرانی به دلیل نقض حقوق بشر می‌پردازد. این سند خواستار تحریم‌های حقوق بشری علیه مقامات بلندپایه ایران است.

این سند راهبردی همچنین شامل تلاش‌های چندجانبه برای انزوای جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی در همکاری نزدیک با متحدان اروپایی است. اعلام نارضایتی از عضویت جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد (CSW) بخشی از استراتژی آمریکا بود که در دسامبر ۲۰۲۲ اجرا شد. ایالات متحده تلاش‌ها برای حذف ایران از این را کمیسیون هدایت می‌کرد.

«تهران تایمز» در ادامه می‌نویسد در مجموع، این سند مدرک دیگری از نحوه دخالت ایالات متحده در امور داخلی

توهم «دلارزدایی» و بر باد رفتن یک میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی



شرایط تحریم تصور می‌کردند توان مقابله با ارزش و قدرت «دلار» را در اقتصاد جهانی دارند و به این شکل خواهند توانست با آمریکا مقابله کنند!

تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی از دو سال پیش همراه با تشکیل دولت سیزدهم مدام بر «دلارزدایی» تأکید کرده است. با وجود گزارش‌هایی که از کاهش ارزش پول کشورهای چون روسیه و کره جنوبی به عنوان کشورهای هدف جمهوری اسلامی برای «دلارزدایی» منتشر شده بود اما ابراهیم رئیسی اردیبهشت امسال به بانک مرکزی مأموریت داد با همکاری دستگاه‌های مرتبط، زمینه‌های انجام معاملات تجاری بر اساس واحد پولی ایران و کشورهای هدف را فراهم آورده و برای حذف مبادلات دلاری از چرخه معاملات اقدام کند.

محمد مخبر دزفولی معاون اول ابراهیم رئیسی نیز خردادماه مدعی شد که «کار بزرگی در زمینه حذف دلار در معاملات بین کشورها در حال اتفاق است.»

وی تأکید کرد که تا کنون، دلار مهم‌ترین اهرم ابرقدرتی و توان تحریمی آمریکا بوده که اکنون «زنگ خطر تضعیف این اهرم قدرتمند» به صدا درآمده است!

قابل توجه آنکه میزان کاهش ارزش وون به دلار در دو سال گذشته نزدیک به ۶/۱۲ درصد بوده که در رابطه با طلب ایران از کره جنوبی نشان می‌دهد که در مجموع رقمی حدود ۸۸۲ میلیون دلار از ۷ میلیارد دلار طلب ایران از این کشور به دلیل «دلارزدایی» دود شده است. بازه زمانی دو ساله‌ای که حدود یک هفتم از طلب ایران از کره جنوبی را بر باد داد همزمان با دورانی بوده که تیم اقتصادی ابراهیم رئیسی با سفر به دیگر کشورها و میزبانی مقامات کشورهایی با اقتصاد بحران‌زده و ناتوان، بر شعار «دلارزدایی» تأکید داشتند.

اینهمه در حالیکه بر خلاف ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی از «پیروزی دیپلماسی دولت

توقیف شده تریک می‌گویم. بدون تردید آنچه به دست آمده فراتر از تحلیل‌های موجود است و البته که این فرآیند، ادامه خواهد داشت. لازم به تأکید است که متاسفانه نزدیک به ۷ میلیارد دلار از منابع ارزی کشورمان طی سال‌های پایانی دهه ۹۰ بصورت وون (واحد پول ملی کره جنوبی) به بانک‌های کره جنوبی واریز شده بود و به آن هم، هیچ سودی تعلق نمی‌گرفت. حتی در طی این سال‌ها نیز به دلیل کاهش برابری وون به دلار، نزدیک به یک میلیارد دلار آن با کاهش ارزش برابری مواجه شد، اما با پیگیری‌های فنی و دیپلماسی موفق، تمام منابع ارزی توقیف شده ایران در کره جنوبی آزاد و هزینه‌های تبدیل ارز آن از وون به یورو نیز توسط کشور ثالث پذیرفته شد.»

ارزش «وون»، پول ملی کره جنوبی، طی پنج سال گذشته ۱۴ درصد در برابر دلار کاهش داشته و در نتیجه ارزش دلاری طلب ایران نیز کمتر شده است، یعنی طلب ۷۸۴۰ میلیارد وون ایران از کره جنوبی ثابت مانده، اما نرخ دلاری آن یک میلیارد کمتر شده است!

خرپگزاری «ایرنا» نیز یک سال پیش و در ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ در خبری با تیتراژ «کاهش ارزش «وون» کره جنوبی به پایین‌ترین سطح طی ۱۳ سال گذشته» رسیده، از سقوط ارزش پول کره جنوبی در مقابل دلار گزارش داد. در این خبر تأکید شده بود که از ابتدای سال جاری میلادی [۲۰۲۲] تا کنون، ارزش وون بیش از ۱۱ درصد برابر دلار آمریکا کاهش یافته است.

دود شدن یک میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی یکی دیگر از نشانه‌های روشن ناکارآمدی جمهوری اسلامی در سیاست‌گذاری اقتصادی و درک نادرست از مناسبات مالی و پولی در عرصه بین‌الملل است؛ موضوعی که سال‌هاست با توهم «دلارزدایی» از اقتصاد کشور گره خورده است.

مقامات جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته و در

● رئیس کل بانک مرکزی: از مجموع ۷ میلیارد دلار معادل جمع اولیه منابع مسدود شده ایران در کره جنوبی، به دلیل تورم در آن کشور و افت ارزش وون، تنها ۶ میلیارد دلار هم‌اینک عاید کشورمان خواهد شد.

● دود شدن یک میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی نتیجه ناکارآمدی سیاست‌گذاری اقتصادی و درک نادرست از مناسبات مالی بین‌الملل است؛ موضوعی که سال‌هاست با توهم «دلارزدایی» از اقتصاد کشور گره خورده است.

● نه تنها قرار نیست مبلغی به ایران وارد شود بلکه ممکن است قرار داشتن ایران در فهرست سیاه FATF نیز محدودیت‌هایی برای نتیجه‌بخش بودن چنین توافقاتی ایجاد کند.

در حالی که مقامات جمهوری اسلامی تبلیغات گسترده‌ای را درباره آزاد شدن «همه» پول‌های بلوکه شده ایران در کره جنوبی و در پی توافق با ایالات متحده به راه انداخته‌اند، رئیس کل بانک مرکزی از بر باد رفتن یک میلیارد دلار از این رقم به دلیل کاهش ارزش «وون» کره در مقابل «دلار» خبر داده است.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی با انتشار یک رشته توییت درباره آزاد شدن «همه» منابع ارزی ایران در کره جنوبی تأکید کرد که این منابع به صورت پرداخت بانکی جهت خرید کالاهای غیرتحریمی استفاده می‌شود.

خبر مهم دیگری که رئیس کل بانک مرکزی داده اینست که «از مجموع ۷ میلیارد دلار معادل جمع اولیه منابع مسدود شده ایران در کره جنوبی، به دلیل تورم در آن کشور و افت ارزش وون، تنها ۶ میلیارد دلار هم‌اینک عاید کشورمان خواهد شد.»

محمدرضا فرزین در این رشته توییت نوشت: «به تیم دیپلماسی ارزی به دلیل موفقیت در آزادسازی منابع ارزی

بازنشر

هسته

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۱۹) مرداد ۱۳۸۳



«چند روز پیش گیلان خورده بودیم. پشتش دل درد گرفتیم. رفتیم پیش دکتر. گفت باید تنقیه کنی. تنقیه کردیم. شیکموم عمل کرد. مقداری هسته دفع شد. آخه گیلان خورده بودیم. حالا می‌گردیم دنبال دکتر برادری که متخصص هسته‌س... بناس بدیم هسته‌هارو آزمایش کنه!» کارگر زد زیر خنده و من دم به هم خورده بودم از آن رادیو، از آن برنامه، از آن سیاست، از آن گوینده و حتی از آن کارگر بدبخت که با این گونه خوراک فکری دستپخت حکومت به اصطلاح اسلامی تغذیه می‌شود...

به این خانم عزیز گفتم ای کاش حاکمان کشور امام زمان به اندازه آن گوریل باغ وحش ژاپن شعور داشتند و از همان هسته هم چیزی می‌آموختند.

گفت چگونه بود آن حکایت؟

گفتم چندین سال پیش يك آژانس توریستی جمعی از هموطنان را برای سیر و سیاحت به شرق دور برده بود. در ژاپن به تماشای باغ وحش رفتند. جلو قفس گوریلها، هنگامی که راهنمای باغ وحش مشغول توضیح دادن بود، یکی از توریستها يك حبه خرما به داخل قفس انداخت. گوریل خرما را از زمین برداشت. عوض این که به دهان بگذارد به مقعد خود فرو برد و سپس آن را بیرون آورد و خورد.

توریستها متحیر شدند و توضیح خواستند. راهنما گفت سال گذشته یکی از بازدیدکنندگان يك هلو درشت به این گوریل تعارف کرد. گوریل هلو را گرفت و به دهان گذاشت و بلعید. اما هسته هلو در موقع دفع شدن ماتحتش را زخمی کرد و چند روزی درد می‌کشید. از آن پس محتاط شده است. هر میوه هسته‌داری که به دستش می‌رسد ابتدا آزمایش می‌کند و با کالیبر خودش می‌سنجد تا مطمئن شود دفع کردنش نیز به همان راحتی است که بلعیدنش!

خانمی از طایفه اهل علم که در خارج از ایران تدریس می‌کند و هر سال يك بار با استفاده از تعطیلات دانشگاهی به وطن مألوف سر می‌زند اخیراً از سفری به تهران، بازگشته است. او می‌گوید هرگز جامعه را این گونه دستخوش ابتذال و انحطاط ندیده بودم. در ایران، گویی قباحث یکسره معدوم و وقاحت معمول شده است. ادب و نزاکت را خدا بیامرز. سگ صاحبش را نمی‌شناسد. حکومت که در هر کشوری سرمشق رفتاری جامعه است رسم هتاک، فحاشی، تعدی، تجاوز، دروغ، ریا، بی‌حیائی، بی‌قانونی، دریدگی و حد ناشناسی به مردم می‌آموزد و مردم افسار گسیخته در حالی که به ریش حکومتگران می‌خندند و چغندر بار آنها نمی‌کنند در رابطه با خودشان هم از دست و زبان یکدیگر در امان نیستند. خلاصه این که روز وانفاسست و یوم یفزالمه من آخیه.

خانم، با آنکه در خارج از ایران شغل خوب و درآمد خوب و زندگی آرام و قرین رفاه دارد رابطه عاطفی خود را به قول آقای نوری‌زاده با «خانه پدری» حفظ کرده است همچنانکه با خانه موروثی. در سفر به ایران نظمی هم به باغ و باغچه و طاق و طاغچه این خانه می‌دهد. از خاطرات سفر اخیرش یکی هم این است:

در اتاق مشغول کارهای خانگی بودم که از حیاط منزل صدای ساز و ضرب شنیدم. درست مثل این که يك دسته مطرب دوره‌گرد، در حال نواختن يك آهنگ شهر نویی وارد خانه شده باشند. کنجکاوانه سرک کشیدم و از کارگری که در باغچه کار می‌کرد پرسیدم چه خبر است. قهقهه‌زنان جواب داد: «هیچی، خانوم! رادیوست... برنامه سیاسی پخش می‌کنه... ببین چی می‌گه!»

و رادیو را آورد نزدیک پنجره. دامبال و دیمبل که فرو کشید، گوینده با لهجه پائین‌شهری شروع کرد به نمک ریختن:

رئیس» برای آزادس ساختن منابع بلوکه شده در کره جنوبی در ازای آزاد شدن پنج گروگان ایرانی- آمریکایی، نه تنها قرار نیست مبلغی به ایران وارد شود بلکه قرار داشت ایران در فهرست سیاه FATF نیز محدودیت‌هایی برای نتیجه‌بخش بودن چنین توافقاتی ایجاد می‌کند.

بر اساس برخی نکات منتشرشده از توافق جمهوری اسلامی با دولت جو بایدن، قرار است مبلغ شش میلیارد دلار بلوکه شده ایران در کره جنوبی به حسابی در یک بانکی عربی در قطر واریز شود و همانطور که محمدرضا فرزین هم تأکید کرده این رقم برای خرید کالاهای غیرتحریمی و مورد تأیید ایالات متحده استفاده می‌شود.

در این میان مشخص نیست نقل و انتقالات این مبلغ به بانکی عربی در قطر و همچنین روند خرید کالاهای ضروری غیرتحریمی تا چه اندازه با محدودیت‌هایی که قرار داشت ایران در فهرست سیاه ایجاد کرده روبرو خواهد شد.

هرچند رسانه‌های حکومتی به دنبال ایجاد موج خبری درباره این توافق هستند اما دامنه انتقادات به این توافق گسترده است و حتی برخی «خودی»ها نیز به صف منتقدان پیوسته‌اند. از جمله محمد مهاجری روزنامه‌نگار اصولگرا و عضو پیشین شورای سردبیری روزنامه «کیهان» چاپ تهران، با انتشار یادداشتی با تیتراژ «واقعا تا این حد ضعف و ذلت؟» نوشته از این مبلغ «یک میلیاردش آب رفته» و «این مبلغ به یک بانک قطری پرداخت می‌شود و... مدیریت هزینه آن بطور کامل با ایران نیست و با آن صرفا می‌توان کالاهای غیرتحریمی خرید.»

پدرام سلطانی عضو پیشین اتاق بازرگانی ایران هم در توییتری با انتقاد از آزاد شدن این مبلغ در برابر آزادی ایرانیان دوتابعیتی نوشته که از این توافق چنین تصویری دارد: «پدری تنگدست فرزندانش را محبوس می‌کند، سپس با عموی ناتنی آنها مذاکره می‌کند، برای اینکه پول‌های خودش را از او بگیرد، و در ازای آن فرزندان خودش را آزاد کند.»

بیژن اشتری نویسنده و مترجم نیز در صفحه اینستاگرامش «گروگانگیری» جمهوری اسلامی و آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران را با برنامه «نفت در برابر غذا» در دوران صدام حسین و بعد از حمله نظامی به کویت مقایسه کرده است.

این نویسنده نوشته که «عراق صدام حسین هم پس از حمله به کویت مشمول قطعنامه تحریمی سازمان ملل متحد شد که بر اساس آن فقط می‌توانست سالی هشت میلیارد دلار نفت بفروشد و با آن غذا و دارو بخرد. اما صدام به اندازه کافی دیپلماسی حالیش می‌شد که توانست این مبلغ هشت میلیارد دلار را، بدون گروگانگیری و نفتکش‌ریایی، نهایتاً به هجده میلیارد دلار در سال برساند. صدام این قدر شعور داشت که توانست صد میلیون شهروند غربی را برای مخالفت با همین تحریم‌ها به خیابان‌های لندن و نیویورک و دیگر پایتخت‌های غربی بکشاند.»

بیژن اشتری خطاب به مقامات جمهوری اسلامی نوشته که «حداقل می‌توانید توری مقابله کنید که باعث انزجار جامعه جهانی و موجب خجالت جامعه ایرانی نشود.» وی این شیوه «تجارت» جمهوری اسلامی با گروگانگیری را «مایه آبروریزی» و باعث «حقارت و خجالت» دانسته است.

مریم جمشیدی روزنامه‌نگار و مدیر خبرگزاری «آنا» نیز نوشته «پول‌های بلوکه‌شده‌ای که آقایان گفته بودند هفت میلیارد دلار، آب رفت و شش میلیارد دلار شد! چرا؟ چون طلب ما از کره، به وون بوده و نه دلار و حالا به خاطر کاهش ارزش پول کره جنوبی کم شده. دیپلماسی عزت در دولت فاشل، یعنی تعلل دوساله تا ضرر یک میلیارد دلاری از فقط یک فقره معامله به ملت تحمیل شود.»

شاه به فرماندار نظامی تهران دستور داد:

نمی خواهم خونی ریخته شود

او می گفت نمی خواهد به عنوان کسی که دست به کشتار زد، وارد تاریخ شود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۲۶)

دکتر هوشنگ نهاوندی

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

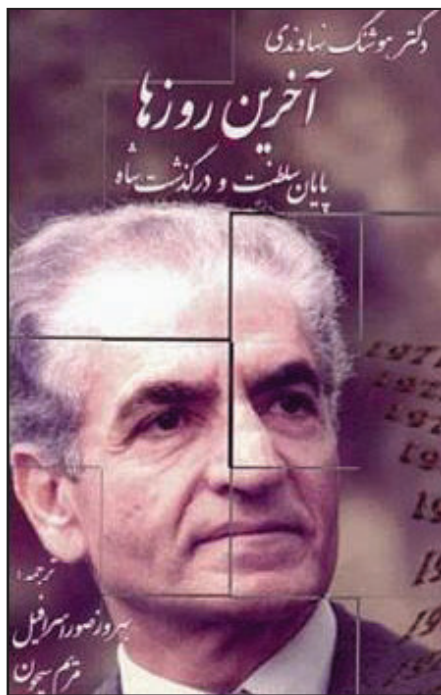
اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاص افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

آنجا می‌برد. در مرکز ضربدر، میز بزرگی بود که با گلهای بسیار زیبایی که باغبانان کاخ هر روز عوضشان می‌کردند، آراسته شده بود.

مجموعه‌ای چشمگیر بود، با کف مرمیرین که فرشهای زیبای ایرانی بر آن انداخته بودند. دیوارها با پارچه‌های خاکستری رنگ پوشیده بود و سلاحهای قدیمی بر آنها آویخته بودند. چندین نقاشی از آثار استادان ایرانی نیز به چشم می‌خورد. این صحنه البته برای من ناآشنا نبود ولی آن شامگاه حس نیرومندی بر جانم چیره شده بود که دارم برای آخرین بار آنجا را می‌بینم. اشیاء پیرامونم در پرتویی غریب جلوه‌گر می‌شد؛ بسان صحنه نمایی که قرار است به‌زودی آن را جمع کنند.

به‌سوی بخش شمالی ضربدر رفتم. شاه پشت میز کار «امپیر» خود نشسته بود. در سمت راستش کره جغرافیایی قرار داشت و دو تلفن که یکی طلایی رنگ بود (نه آن گونه که گفته شده بود، از طلای ناب). هیچ پرونده‌ای روی میز نبود، زیرا شاه شبها آن را می‌خواند. در ضمن چند روزی بود که دیگر چیزی برای مطالعه نداشت؛ چند مداد رنگی، یک خودنویس، یک کاغذبر... بر روی میز کوچکی، یک رادیو بسیار قوی دیده می‌شد که با آن خبرهای داخلی، آمریکا و اروپا را گوش می‌کرد.

شاه به سوی من آمد، دست داد و مثل همیشه در چشمهایم نگریست. نگاهش کردم و از حالت او به‌لرزه افتادم. بسیار تکیده شده بود، گویی در کت و شلوار سرمه‌ای‌اش شناور بود. رنگ‌پریده می‌نمود. چشمانش در چشم‌خانه فرو رفته، و گویی خاموش بود. از من خواست که یک صندلی بردارم و خودش هم، نه پشت میز بلکه نزدیک من نشست. میز کوچکی میان ما قرار داشت و او در برابر من بود. چای خواست که برای ما آوردند ولی با آن که درش قند ریخت، نیشامید. طبیعتاً من نیز... گفت: «بهتر است تلفن دم دستم باشد. خواسته‌ام که مرا ساعت به ساعت و هرچه بیشتر در جریان رویدادها قرار دهند.» سپس سکوت کرد و منتظر شد که من سخن بگویم. این، برخلاف روش همیشگی او و حتی خلاف آداب درباری بود. معمولاً ←



بر نوك پنجه پاهایشان را می‌رفتند و به‌نحو می‌پرسیدند: می‌رود یا نمی‌رود؟ با این حال، همه چیز در فضایی سرشار از احترام و پر سکوت می‌گذشت. چونان بود که گویی در خانه بیماری بودیم که آرمیده بود و باید مراقب باشیم که بیدارش نکنیم. پس از چند لحظه، زنگ ویژه از سوی دفتر شاه به‌صدا درآمد. شرفیایی پایان یافته بود و شاه می‌خواست نفر بعدی را ببیند. دفتر شاه، تالار بزرگی به‌شکل ضربدر بود. بخش شمالی آن، جای کار شاه بود و رو به کوه البرز، و ضلع جنوبی رو به دره شمیران و شهر تهران داشت. در برابر تالار، باغ بزرگی بود که گردشگاه همگانی به‌حساب می‌آمد. این بخش جنوبی مبلهای دوران «امپیر» داشت و شاه معمولاً دیدارکنندگان مهم را که با آنان سخنان خصوصی داشت، به

دیداری دیگر با شاه

روز دوشنبه ۸ ژانویه، همان کسانی که شب پیش نزد شاه رفته بودند، به‌اضافه کاظم ودیعی و دو تن دیگر، گردهمایی درازمدتی در خانه دکتر قاسم معتمدی داشتند و پافشاری کردند که من به دیدار شاه بروم؛ شاید امیدوار بودند شاه چیزهایی را به من بگوید که نخواستند در جمع بگویند. من که به‌اندازه کافی اخلاق شاه را می‌شناختم با آنها هم‌عقیده نبودم، اما نمی‌توانستم پیشنهاد آخرین کوشش در این راه را رد کنم. خیال من هم راحت‌تر شده بود، چون شاپور بختیار رأی اعتماد مجلس را با ۱۴۹ رأی موافق، ۴۳ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع به‌دست آورده، و چیزی نمانده بود که رأی اعتماد «سنا» را هم به‌دست آورد.

شرفیایی من نخست برای ساعت سه و نیم بعد از ظهر روز ۹ ژانویه مقرر، و بعد به پنج و نیم بعد از ظهر موکول شد. شب فرا رسید، شهر برق نداشت و مه سرد و خاکستری همه جا را فرا گرفته بود. از آنجا که اغلب پمپهای بنزین در اعتصاب بودند، خودروهای اندکی در خیابانها حرکت می‌کرد. ولی کاخ صاحبقرانیه که دفتر کار شاه بود، با موتور اختصاصی برقش روشن بود و حالتی غیر واقعی داشت. برخلاف آنچه که مطبوعات خارجی می‌نوشتند، کاخ مطلقاً در محاصره برجهای مراقبت و تانکها، به‌صورت پناهگاه درنیامده بود. فقط از دور به‌نظر می‌رسید که در آنجا شب‌نشینی برپاست. چند دقیقه زودتر رسیدم، اتومبیل را دم در گذاشتم و فوراً پی بردم که چرا شرفیایی را دیرتر مقرر کردند. در برابر پله‌هایی که به سوی دفتر کار شاه می‌رفت، کادریک ضد گلوله سفیر آمریکا با پرچم ایالات متحده به سمت راستش، و «بتلی» سفیر انگلیس را دیدم.

در راهروها، پیشخدمتها، نگهبانان و سرپازان به‌نحو با یکدیگر سخن می‌گفتند. فضای بسیار شگفت‌انگیزی بود. وارد تالار مأموران تشریفات غیر نظامی شدم. آن شب، نوبت کشیک منوچهر صانعی، کارشناس برجسته هنر سه قرن اخیر ایران بود. مردی موقر، مبادی آداب و خوشنام. او را با دو سه کارمند دیگر تشریفات یافتم که آمده بودند خبری بگیرند. همگی چهره‌هایی هماهنگ با موقعیت داشتند.

→ شاه سخن را آغاز می‌کرد، ولی دیگر هنگام رعایت تشریفات نبود. از همان جا گفتگوی غمباری آغاز شد که به گفتگوی دو ناشنوا می‌ماند.

من، باز به موضوعی که او به خوبی می‌شناخت، پرداختم: «اگر اعلیحضرت کشور را ترک کنند، ارتش بی فرمانده می‌ماند و قدرت، به آسانی به دست ماجراجویان و متعصبان که بیشترین شان از سوی بیگانگان تحریک شده‌اند، خواهد افتاد و آنان کشور را به نابودی خواهند کشاند.» و افزودم: «این فاجعه چنان خواهد بود که همه دستاوردهای دهه‌ها سال در مملکت از میان خواهد رفت.»

شاه برخاست، دستی به موهایش کشید که نشانه خشم بسیارش بود و در تالار بزرگ به راه رفتن پرداخت. من نیز طبیعتاً برخاستم. به من اشاره کرد که بنشینم. خود نیز دیگر بار نشست و آرام، با لحنی اندوهگین گفت: «بیشتر کسانی که به دیدن من می‌آیند خلاف چیزی که شما دوستانتان می‌گویید، می‌گویند و حتی عکس چیزی که شما پیش‌بینی می‌کنید، ابراز می‌دارند. از همه‌سو، به من اندرز می‌دهند که بروم؛ و بختیار نخست‌وزیر، نخستین آنهاست. او می‌گوید که رفتن من کارها را آسان می‌کند و موجب برقراری آرامش می‌شود. گویا من به مانعی برای به‌سامان آمدن کارها تبدیل شده‌ام.» می‌دانستم که سرچشمه این اندرزها کجاست. این را نیز می‌دانستم که بیشترین کسانی که آن روزها به دیدار من می‌آمدند، به‌لایه از او می‌خواستند بماند، و این خواست ارتش نیز بود که به او وفادار مانده بود. شاه می‌کوشید مرا قانع کند، ولی نمی‌توانست. این شاید آخر بار بود که بختش را می‌یافتم که آنچه را باید، به او بگویم. بنابراین بار دیگر برشمردم دلایل توصیه خود را از سر گرفتم: «مرا عفو بفرمایید، اعلیحضرت. من هرگز اهل تملق نبوده‌ام. شاید لازم باشد موقتاً از پایتخت دور شوید. ولی سرنوشت این ملت در خطر است، و هنوز این سرنوشت در دست شماست.»

شاه که با دو دستش به پشتی صندلی تکیه داده بود، مرا نگرست. اما در نگاهش هیچ چیز جز تشویش درونی ژرفش ندیدم. به‌گزارشی که چند سال پیش تدوین کرده و در آن بر لزوم انجام اصلاحات تأکید کرده بودم اشاره کرده و گفتم: «اگر به آن توصیه‌ها توجه شده بود، امروز به اینجا نمی‌رسیدیم. اما اینها همه گذشته است. امروز وضعیت روشن است. امروز تنها کاری که باید کرد، پیشگیری از فرو افتادن کشور در بدترین اوضاع قابل تصور، و حفظ اساسی‌ترین چیزهاست.»

با بی‌تابی سر تکان داد:

— شما نیز مانند همه مخالفان سخن می‌گویید: من دست به هیچ اصلاحی نزده‌ام و حاضر نشده‌ام به آنان گوش فرا دهم! — ولی اعلیحضرتا، امروز نمی‌شود گفت این مخالفین، هنگامی که به اعلیحضرت در مورد در پیش گرفتن پاره‌ای سیاستها هشدار می‌دادند و شما قبول نمی‌فرمودید، اشتباه می‌کردند. امیدوارم اطمینان داشته باشید که من در هر موقعیتی، به شما وفادار و با شما یکدل بوده‌ام.

— مطمئنم، وگرنه با شما دیدار نمی‌کردم. ولی خواهش می‌کنم ادامه دهید.

بار دیگر گفتم که شاهنشاه باید تهران را ترک کنند، ولی در ایران بمانند تا تنها نهاد هنوز پابرجا و مستحکم کشور، یعنی نیروهای مسلح را حفظ نمایند. و افزودم: «شاید بتوانید یک شورای نیابت سلطنت را منصوب کنید و هنگامی که آرامش بازگشت، راه حلی ممکن و بر اساس قانون اساسی بیندیشید.» چند روز پیش از آن، دکتر صدیقی نیز همین را از او خواسته بود.

— فرض کنید تهران را ترک کرده، ولی در ایران بمانم. کجا

بروم؟ به کیش؟

— هرگز، اعلیحضرت. کیش تفریحگاه جهانگردی پر زرق و برقی است که با انتقادهای بسیار روبروست. به پایگاه نظامی، به میان سربازان تان برود. در آنجا امنیت خواهید داشت. ایرانیان همواره احترام فراوان برای ارتش قائلند، و شما هم فرمانده کل ارتش هستید. به گمان من، راه حل این است که اعلیحضرت در یک پایگاه نظامی قرار بگیرید.

پیشنهاد من، پایگاه نیروی دریایی بندر عباس بود. شاه در آنجا می‌توانست یا در خانه فرمانده نیروی خلیج فارس و دریای عمان بماند که محل پذیرایی میهمانان ارجمند نیز بود. معمولاً هنگامی که او برای بازدید از نیروی دریایی می‌رفت، در آنجا اقامت می‌کرد. و یا در ویلای خواهرزاده خود ناخدا «شفیق» افسر ارشد نیروی دریایی شاهنشاهی اقامت گزیند. از آنجا اگر رویداد ناگواری پیش آید — و از سر احترام گفتم — و ضرورتی اجاب کند یک هلیکوپتر بسنده است که از تنگه هرمز بگذرد و به عمان، که کشوری دوست و مطیع ایران است، برود.

در من این گمان مبهم به‌وجود آمد که توجه شاه به توضیحاتم جلب شده است. بنابراین، پافشاری کردم و از جزیره خارک، پایگاه نیروی «هوا — دریا» و پایانه نفتی آن که بسیار حفاظت‌شده و امن بود، سخن گفتم.

در این هنگام، شاه چیزی گفت که باورکردنی نبود: «به این ترتیب تهران را ترک می‌کنم اما در خاک ایران می‌مانم. در این صورت مراسم تشریفات نظامی به چه شکلی باید انجام شود؟»

گمان کردم گوشه‌ایم اشتباه شنیده است. باورم نمی‌شد. در چند ثانیه بعدی که به‌نظم پایان‌ناپذیر رسید، نتوانستم

پرچم آمریکا و یک «بنتلی» با پرچم انگلیس.

— او! پس خودشان را به نمایش گذاشته بودند. در آن لحظه پی بردم که شاه تصمیم بازگشت ناپذیرش را به ترک ایران، گرفته است.

به او گفتم: «اعلیحضرت، شاپور بختیار را به نخست‌وزیری برگزیدید. او کمتر از صدیقی تجربه دارد و مردم او را کمتر دوست دارند.»

شاه، حالتی که نشان از گریز داشت، گرفت.

— اینها همه گذشته است. بختیار را برگزیده‌ام. این کار انجام شده و دیگر به آن بر نمی‌گردیم. اکنون اوست که باید اقدام کند.

— اعلیحضرت دست کم به او اطمینان دارند؟

— نه.

— پس چرا او را برگزیدید؟

— زیرا او تنها غیر نظامی‌ای بود که مأموریتی را که می‌توان خودکشی خواند، پذیرفت. او آنقدر جاه‌طلب است که بخواهد به هر بهایی نخست‌وزیر شود. دلم می‌خواهد تصور کنم که موفق خواهد شد. امیدوارم. اما به هرحال اهمیتی ندارد آخرین نخست‌وزیر شاهنشاهی ایران، بختیار باشد یا کسی دیگر، همه چیز تمام شده و دیگر اهمیتی ندارد.

احساس ژرف من که نمی‌توانستم بر زبانش آورم، اندوه و ترحم بود. در این هنگام، یکی از آن دو تلفن زنگ زد. شاه گوشی را برداشت، پاسخ داد، سپس چند دقیقه‌ای گوش کرد. در پایان گفتگو به من گفت: فرماندار نظامی تهران بود که گزارش چند عملیات برای برقرار کردن نظم را می‌داد. به‌هنگام سخن گفتن با مخاطب تلفنی‌اش ادامه داد: «تأکید



سپهبد مهدی رحیمی، آخرین رئیس شهربانی و آخرین فرماندار نظامی تهران

می‌کنم. به هیچ بهایی نمی‌خواهم خونی ریخته شود، به هیچ قیمت. شنیدید؟ به همه اقدامات دست بزنید، اما هر کار می‌توانید بکنید که کسی زخمی یا کشته نشود.»



گوشی تلفن را گذاشت. صورتش رنگ‌پریده بود. زمزمه می‌کرد، به‌گونه‌ای که گویی با خودش سخن می‌گوید: «من به‌عنوان کسی که دست به کشتار ملت زد وارد تاریخ نخواهم شد. قدرت را می‌خواهند بسیار خوب، بگیرند. من به‌بهای کشتن چند صد یا چندین هزار ایرانی همچون خودم، که همان قدر حق زندگی دارند که من، به قدرت نخواهم چسبید.»

با صدایی گرفته از احساسات گفتم: «اعلیحضرت، التماس می‌کنم از تهران دور شوید، ولی مملکت را ترک



پاسخی بدهم. بالاخره گفتم:

— این یکی از جزئیات است که تشریفات، آن‌را حل خواهد کرد. — نه، امکان ندارد. می‌دانید که صدیقی هم همین شرط را گذاشته بود و من رد کردم. نمی‌توانم کار دیگری جز تسلیم در برابر فشارهایی که به من وارد می‌شود، انجام دهم.

شاه، در تبعید به‌تلخی بسیار از تصمیم به ترک ایران اظهار پشیمانی می‌کرد. اما در آن زمان، مردی از پا درآمده بود که در او هیچ اراده‌ای برای تصمیم‌گیری دیده نمی‌شد.

با این حال، من ادامه دادم:

— اعلیحضرت، آیا از آن دو سفیری که شرفیاب شده بودند سخن می‌گویید؟

— شما آنها را دیدید؟

— نه اعلیحضرت. ولی اتموبیل‌هایشان را دیدم. کادیلاک‌ی با

نگاهی به نظام‌های پادشاهی و جمهوری و مسیر دستیابی به دموکراسی و رفاه همگانی در خاورمیانه

قاسم جومارت توقایف داد.

بر پایه قانونی که در سال ۲۰۱۰ میلادی در قزاقستان به تصویب رسید، نخستین رئیس‌جمهور قزاقستان حتی پس از استعفایش از مصونیت کامل قضایی برخوردار است. برپایه این قانون، نخستین رئیس‌جمهور قزاقستان را نمی‌شود بازداشت کرد، محبوس کرد یا برای اعمالی که حین ریاست جمهوری خود یا پس از آن دوره انجام داده پاسخگو دانست. این مصونیت طبق قانون همچنین شامل دارایی‌های رئیس‌جمهور نخستین و خانواده او نیز می‌شود.

جمهوری پارلمانی قرقیزستان

قرقیزستان پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، مستقل شد و عسگر آقایف، رهبر حزب کمونیست قرقیزستان، به ریاست جمهوری این کشور رسید، آقایف از آغاز استقلال این کشور تا سال ۲۰۰۵ میلادی قدرت را به دست داشت و می‌خواست تا پایان عمر در مقام ریاست جمهوری بماند ولی از سال ۲۰۰۵ این کشور دو شورش و انقلاب پر تلفات را پشت سر گذاشته و روسیه پوتین همچنان مانند سابق با ابزار غیرمستعار سیاسی در قرقیزستان نفوذ خود را حفظ کرده است.

جمهوری تاجیکستان

امامعلی رحمان از سال ۱۹۹۲ ریاست جمهوری تاجیکستان را به عهده دارد. در سال ۱۹۹۲ پس از برکناری اجباری رحمان نبی‌اف، نخستین رهبر این کشور پس از استقلال از اتحاد جماهیر شوروی سابق، امام علی رحمان، که پیشتر رئیس یک مجتمع کشاورزی بود، به مقام ریاست شورای عالی تاجیکستان منصوب شد. در سال ۱۹۹۲ رحمان به مقام ریاست جمهوری انتخاب شد. پس از پایان دوره پنجاهساله، او دو بار به مدت هفت سال دیگر به این مقام برگزیده شد.

در سال ۲۰۰۳ در یک همه‌پرسی، ۹۳٪ مردم به اصلاح قانون اساسی (برای ممکن شدن دوباره رحمان) رأی مثبت دادند.

همانطور که مشاهده می‌کنید از جایجایی قدرت در این کشور تازه مستقل شده به هیچ وجه خبری نیست.

جمهوری ریاستی ترکمنستان

ترکمنستان در (اکتبر ۱۹۹۱) با رأی مردم در همه‌پرسی استقلال، موجودیت خود را به عنوان یک کشور مستقل اعلام نمود و رسماً نام «ترکمنستان» را برای کشور خود برگزید. قانون اساسی ترکمنستان نیز در ۱۸ مه ۱۹۹۲ در چهاردهمین نشست مجلس ترکمنستان به تصویب رسید. بر اساس این قانون اساسی، ترکمنستان کشوری دموکراتیک و لائیک و اداره آن به شکل جمهوری ریاستی است. صفرمراد نیازف اولین رئیس‌جمهور کشور بود. رئیس‌جمهور کنونی کشور قربان قلی بردی محمداف است.

حکومت ترکمنستان جمهوری ریاستی و تک‌حزبی است و رئیس‌جمهور اختیارات گسترده‌ای دارد. رئیس‌جمهور ترکمنستان و شخص اول این کشور از هنگام استقلال تا سال ۲۰۰۶ صفرمراد نیازف بود.

بر اساس قانون اساسی ترکمنستان، رئیس‌جمهور

اکثر کشورهای خاورمیانه که سابقه استقلال آنها به پس از جنگ جهانی اول و تقسیم امپراتوری عثمانی برمی‌گردد، عرب‌زبان هستند و از بدو استقلال به صورت سلطنتی اداره شده‌اند ولی در طول زمان تعدادی از آنها با کودتاهای متعدد، تبدیل به جمهوری شده‌اند، ولی باز هم دموکراسی در آنجا برقرار نشده است. در حال حاضر بجز اردن و عربستان سعودی و کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس و دریای عمان بقیه نظام جمهوری دارند.

بهرام فرخی - در این نوشته نگاهی کوتاه به ۱۶ کشور خاورمیانه و کشورهای که با فرهنگ این حوزه جغرافیایی رابطه تنگاتنگ دارند انداخته می‌شود از جمله پاکستان و افغانستان و ۵ کشور آسیای میانه و ۳ کشور قفقاز که تا سه دهه پیش جزئی از اتحاد جماهیر شوروی سابق به شمار می‌آمدند و در اوایل دهه نود قرن بیستم به استقلال رسیدند. ۲۰ کشور این منطقه از اکثریت مسلمان سنی‌مذهب تشکیل شده، دو کشور اکثریت مسلمان شیعه، یک کشور مسیحی ارتدکس، یک کشور مسیحی ارمنی، یک کشور با اکثریت یهودی و یک کشور (لبنان) نیز هیچ مذهبی در آن اکثریت مطلق ندارد.

روش‌های حکومتی در این نقطه جهان بسان اکثریت کشورهای جهان یا جمهوری هستند و یا پادشاهی.

اگر دو کشور مسیحی‌نشین گرجستان و ارمنستان و کشور یهودی‌نشین اسرائیل را که مذهب در این کشورها نوعی همبستگی ملی به وجود آورده و موقعیت خاص در جغرافیای این منطقه دارند چرا که از هر سو توسط کشورهای مسلمان‌نشین احاطه شده‌اند و در عین حال جایجایی قدرت حاکمه در آنها از طریق نهادهای دموکراتیک انجام می‌شود، بقیه کشورها از فقدان دموکراسی رنج می‌برند، خواه سیستم جمهوری داشته باشند و خواه سلطنتی.

اکثر کشورهای خاورمیانه که سابقه استقلال آنها به پس از جنگ جهانی اول و تقسیم امپراتوری عثمانی برمی‌گردد، عرب‌زبان هستند و از بدو استقلال به صورت سلطنتی اداره شده‌اند ولی در طول زمان تعدادی از آنها با کودتاهای متعدد، تبدیل به جمهوری شده‌اند، ولی باز هم دموکراسی در آنجا برقرار نشده است. در حال حاضر بجز اردن و عربستان سعودی و کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس و دریای عمان بقیه نظام جمهوری دارند.

۵ جمهوری آسیای میانه که پس از سقوط شوروی سابق استقلال خود را به دست آورده‌اند در ابتدا توسط رهبران حزب کمونیست سابق محلی اداره شده‌اند و سپس قدرت را به سستی به نهادهای دموکراتیک سپرده‌اند.

جمهوری قزاقستان

بر روی کاغذ حکومت قزاقستان جمهوری ریاستی است. رئیس‌جمهور در رأس کشور و دولت قرار دارد. قدرت اجرایی دست دولت بوده و قدرت قانونی دست پارلمان است.

پس از استقلال، رهبر زمان کمونیسم قزاقستان یعنی نورسلطان نظربایف به ریاست جمهوری قزاقستان رسید و از سال ۱۹۸۹ به مدت ۲۹ سال در این منصب باقی ماند تا اینکه در سال ۲۰۱۹ مجبور به استعفا شد و جایش را به دلفینش

نکنید. ارتش را رها نکنید.» دستی که به سوی من دراز کرده بود، پایین افتاد. یک لحظه آرام، با ناامیدی خصمانه در عمق نگاهش، به من خیره شد. سپس با بهم زدن پاشنه‌های کفشش، که نشانه خشم او بود، دستش را به سرش برد، انگشت اشاره را به سرش فشرد و گفت:

— نمی‌توانید بفهمید که دیگر نمی‌توانم، خسته شده‌ام؟ که نیاز دارم گذشته را مرور کنم، و بی آن که از هر سو زیر همه گونه فشار باشم به آینده بنگرم. باید این کشور را ترک کنم. — اعلیحضرت تصمیم گرفته‌اند به کدام کشور بروند؟ — هنوز تصمیمی نگرفته‌ایم، نه برای جا و نه در مورد تاریخ رفتن.

ولی گمان می‌کنم تصمیم به زودی گرفته شود. — بنابراین این آخرین باری است که دست کم در ایران یکدیگر را می‌بینیم؟ نگاهش به دوردست رفت.

— گمان می‌کنم. بعدها همدیگر را خواهیم دید؟ فقط خدا می‌داند. — خداحافظ شما.

فردای آن روز، این گفتگو را دقیقاً به آگاهی دوستانی که خواسته بودند نزد او بروم، رساندم. البته تمام گفتگو را یادداشت کرده بودم که امروز در این کتاب از آن سود می‌جویم. بر آن شدم که به چند ارتشی قابل اطمینان خبر بدهم که دیگر نمی‌شود روی شاه برای به‌سامان آوردن اوضاع حساب کرد. از جمله آنان دریاسالار اردلان و دریادار دیهیمی بودند که امروز در آمریکا به‌سر می‌برند، سرتیپ جواد معین‌زاده رئیس اطلاعات نیروی زمینی که بسیار برای آن که عملیات پاکسازی انجام گیرد، می‌کوشید و سرلشکر نشاط که به‌تازگی فرمانده گارد شاهنشاهی شده بود.

آماده برای سفر

پادشاه، به دیدارهای خود ادامه می‌داد. البته نه با مقامات رسمی که به دلایلی آشکار از او کناره می‌گرفتند و به او گزارش نمی‌دادند، بلکه با غیر نظامیان. همه آنها به او وفادار و دوستدارش بودند.

به‌گونه‌ای که اصلا افشار نوشته است، شاه تصمیم گرفت پس از توقف کوتاهی در مصر برای دیدار رئیس‌جمهوری، سادات، به آمریکا برود. تمام برنامه‌ریزیها در این زمینه انجام شده بود. قرار بود هواپیمای او در پایگاه نیروی هوایی «آندروز» فرود آید و شاه در خانه یکی از دوستان شخصی‌اش که در آنجا بود و آن را برای مدت اقامتش در اختیار او گذاشته بود، اقامت کند. شاه گمان می‌کرد می‌تواند با دولت‌مردان آمریکایی مذاکره کند، شاید بتواند روش آنان را نسبت به ایران دگرگون سازد. خواب و خیالی که با کنفرانس «گوادلوپ» که ۵ ژانویه آغاز شده بود، پایان یافت. در آن کنفرانس، بزرگترین قدرتهای غربی، بر آن شدند که از انقلاب اسلامی پشتیبانی کنند تا در ایران، دگرگونیهای اساسی صورت گیرد.

در آن روزهای غمبار، شهبانو هم از سوی دیگر دیدارهای بسیاری داشت، ولی در همان حال چمدانهایش را آماده می‌کرد. اما او برخلاف همسرش، اقامت در فرانسه را نیز رد نمی‌کرد. اگر همسرش به آمریکا می‌رفت، او می‌توانست به فرانسه برود.

خالی از لطف نبود که جای خمینی را در فرانسه، ملکه ایران می‌گرفت. او از «ژان میشل پدراواتی» سردبیر پیشین رادیو — تلویزیون R.T.L. (لوکزامبورگ) و مدیر یک گروه بزرگ مطبوعاتی و خبری و دوست خانوادگی‌شان، خواست که فوراً به ایران بیاید و از او خواست که در پنهان بکوشد در مورد این امکان، حقایق را از مقامات رسمی فرانسه به‌دست آورد. پاسخ آنها، البته منفی بود. (ادامه دارد)

→ مقامات قوه مجریه و قضاییه را منصوب می‌کند و نیز نامزدهای انتخابات مجلس را تصویب می‌نماید.
در این کشور تفکیک قوا در حیطه قدرت رئیس جمهوری و کار مجلس تصویب تصمیمات رئیس جمهور است.

جمهوری پارلمانی ازبکستان

این کشور از بدو استقلال در سال ۱۹۹۱ توسط رهبر حزب کمونیست محلی اسلام کریم‌اف که به ریاست جمهوری انتخاب شده بود تا مرگش در سال ۲۰۱۶ اداره می‌شد و هر بار قبل از پایان دوره ریاست جمهوری با تغییرات در قانون اساسی که امکان دوران ریاست جمهوری را برای هر منتخب به دو بار محدود می‌کند، به مدت ۲۵ سال در راس قدرت باقی ماند.

بر اساس توافقی که ماه سپتامبر سال ۲۰۱۶ بعد از درگذشت اسلام کریم‌اف نخستین رئیس جمهوری ازبکستان در عرصه سیاسی تاشکند حاصل شد، قدرت در این کشور، بین سه نفر شامل شوکت میرضیایف نخست‌وزیر که به ریاست جمهوری رسید، رستم عظیم‌اف معاون نخست‌وزیر و ژنرال رستم عنایت‌اف رئیس سازمان امنیت ملی تقسیم شده بود.

پس از یکسری درگیری‌ها با حمایت روسیه پوتین، نخست وزیر از کار برکنار شده و قدرت بین رئیس جمهور و رئیس سازمان امنیت ملی تقسیم شده و پوتین هم قول سرمایه‌گذاری و وام‌های طولانی مدت به این کشور داد.

امارات اسلامی افغانستان

طالبان افغانستان را یک «امارت اسلامی» اعلام کرده و از لحظه به دست گرفتن قدرت هرگونه نهاد آزادی و یا دموکراسی را در این کشور از بین برده و بیش از سی میلیون نفر انسان را در مقابل چشمان جهانیان به اسارت گرفته‌اند. تا امروز هیچ کشوری بطور رسمی این حکومت را در افغانستان به رسمیت نشناخته است.

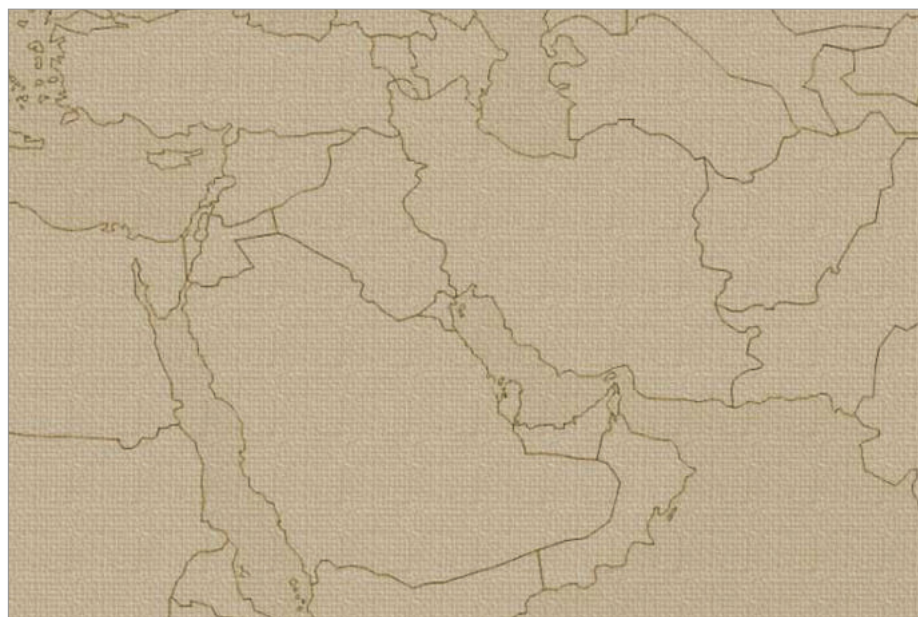
جمهوری فدرال اسلامی پاکستان

پاکستان از بدو استقلال به رهبری محمد جناح دارای تمامی ارکان دموکراسی مثل مجلس سنا و پارلمان و مجالس فدرال و احزاب است و رئیس جمهور توسط این مجالس انتخاب می‌شود و جنبه تشریفاتی دارد و نخست وزیر قدرت اجرایی را در دست دارد ولی وضعیت ژئوپلیتیک این کشور و عدم روابط دوستانه با کشور همزاد هند و رقابت‌های نظامی با این کشور و داشتن قدرت هسته‌ای موجب شده که ارتش و دستگاه امنیتی نظامی این کشور بر تمامی ارکان دموکراسی برتری داشته و در عمل نظامیان بطور ممتد دست به کودتا زده و سیاسیون منتخب را برکنار می‌کنند و در نتیجه موجب شده که این کشور به بی‌ثباتی و عقب‌افتادگی مزمین اقتصادی مبتلا شود و در عمل بزرگترین ایالت آن یعنی بلوچستان از کنترل قدرت مرکزی خارج شده و مرزهای شمالی آن نیز در مجاورت افغانستان تبدیل به مراکز تولید تروریست و افراط‌گرایی گشته است.

مقایسه پاکستان با کشور هند که از نهادهای دموکراسی استفاده بهینه کرده است، بی‌شک هند را در موقعیت برتری قرار می‌دهد.

جمهوری آذربایجان

به دنبال استقلال پس از فروپاشی اتحاد شوروی در اولین



در سال ۲۰۰۸ جنگ اوستیای جنوبی رخ داد. در این جنگ، ارتش گرجستان برای پس گرفتن اوستیای جنوبی به این منطقه یورش برد ولی واکنش شدید روسیه شد که ارتش گرجستان مجبور به عقب‌نشینی شود. اکنون روسیه، استقلال دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی را به رسمیت شناخته و با حضور نیروهای خود در این دو منطقه، عملاً کنترل آنها را در دست دارد ولی جامعه جهانی آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

جمهوری ارمنستان

پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، این کشور نظام جمهوری ریاستی را برگزید و لوون تر پتروسیان به عنوان رئیس جمهور این کشور در سال ۱۹۹۱ انتخاب شد.
در فروردین سال ۲۰۱۵ شرکت‌کنندگان رای به تبدیل حکومت این کشور به نظام پارلمانی دادند. تا امروز سه رئیس جمهور و از سال ۲۰۱۶ با سیستم پارلمانی یک نخست وزیر بطور دموکراتیک انتخاب شده‌اند.

جمهوری ترکیه

جمهوری ترکیه بر خرابه‌های امپراتوری عثمانی بنا شده و کمال آتاترک بنیانگذار یک دولت سکولار بر پایه ملی‌گرایی بوده است. نظام این کشور از بدو تأسیس در ۱۹۲۳ تا اواخر سال ۱۹۴۰ بطور تک‌حزبی اداره می‌شد و سپس سیستم پارلمانی را در پیش گرفت. ولی از کودتای سال ۱۹۶۰ نظامیان و ارتش در این کشور نقش پررنگی در فعل و انفعالات سیاسی داشته است.

پس از روی کار آمدن رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۰۳ این کشور تحولات سیاسی زیادی را از سر گذرانده و اکنون سیستم جمهوری ریاستی بر آن حکمفرماست و رجب طیب اردوغان پس از نخست‌وزیری به ریاست جمهوری رسید و همچنان در قدرت است.

ترکیه پرقدردترین نیروی نظامی ناتو را بعد از ایالات متحده در اختیار دارد و تسلیحات اتمی‌در این کشور مستقر است. ترکیه در گذشته فرم‌هایی در جهت پیوستن به اتحادیه اروپا انجام داد ولی با رسیدن اردوغان به قدرت این فرم‌ها ←

دوره انتخابات ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی بیگ با اندیشه‌های قوم‌گرایانه به این مقام رسید. وی بعد از انتخاب به همراه وزیر کشور خود اسکندر حمیداف در چندین نوبت خواستار تشکیل آذربایجان بزرگ که شامل تمام نواحی شمالی ایران می‌شد شدند. پس از شکست‌های پیاپی در جنگ با ارمنستان، و شکست تقریباً تمامی سیاست‌های داخلی وی، و چندین قیام خونین در چند شهر از جمله گنجه، حیدر علی‌اف رئیس وقت پارلمان و رهبر محلی حزب کمونیست طی یک کودتای بدون خونریزی قدرت را به دست آورد و ایلچی‌بیگ به تبعید فرستاده شد.

در زمان ریاست جمهوری علی‌اف و پسرش که از آن زمان ادامه دارد با برقراری روابط دوستانه با غرب، پیشرفت‌های اقتصادی مهمی نصیب این کشور شده ولی از فضای سیاسی آزاد و دموکراتیک در این کشور کوچک فعلاً خبری نیست و تا حال درگیر دو جنگ با همسایه‌اش ارمنستان به دلیل اقلیت ارمنی ساکن در ناحیه قره باغ شده است.

جمهوری گرجستان

پس از استقلال گرجستان در سال ۱۹۹۱، ادوارد شواردنازه وزیر خارجه پیشین اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان نخستین رئیس جمهور گرجستان، قدرت را در دست گرفت. بلافاصله پس از استقلال گرجستان، بر سر حاکمیت بر جمهوری‌های خودمختار اوستیای جنوبی و آبخازیا بین روسیه و گرجستان اختلاف در گرفت. روسیه اجازه نداد که گرجستان، حاکمیت خود را بر این دو سرزمین اعمال کند. ضعف گرجستان و نیز نزدیکی دولت وقت- به ویژه شخص شواردنازه- به روسیه، سبب شد که حکومت گرجستان تن به مصالحه با حکومت روسیه بدهد. گرجستان همچنین پذیرفت با حضور نیروهای روسی در این دو منطقه مخالفت نکند.

پس از انقلاب مخملی در سال ۲۰۰۳ که منجر به روی کار آمدن دولت غریگرای میخائیل ساکاشویلی شد، اوضاع سیاسی گرجستان دگرگون گشت. دولت جدید گرجستان، سیاست دوری از روسیه و نزدیکی به غرب را برگزید و خواهان عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو شد.

متوقف شده و تا حدی راه پیوستن به اروپا دچار وقفه گردیده است.

جمهوری مصر

استقلال این کشور از سال ۱۹۳۶ از بریتانیا و سپس کودتای ۱۹۵۲ ژنرال محمد نجیب علیه ملک فاروق و برکناری این دودمان آلبانی‌تبار از قدرت و اعلام جمهوری و سپس کودتای جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۴ و انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور تا تاریخ مرگش در سال ۱۹۷۰ قسمتی از تاریخ معاصر مصر به عنوان پرقدرت‌ترین کشور عربی است. نهضت پان‌عربیسم ناصر که توسط او پایه‌گذاری شد، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ طرفداران زیادی داشت و هنوز هم بعد از سال‌ها پس از مرگ او بین عرب‌ها طرفدار دارد.

از رویدادهای مهم سیاسی دوران او می‌توان به جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و توافقنامه کانال سوئز نام برد.

محمد انورسادات سیاستمدار و نظامی مصری و برنده جایزه صلح نوبل، سومین رئیس جمهوری این کشور بوده است. وی سمت ریاست جمهوری مصر را از ۱۹۷۰ تا روز به قتل رسیدنش به دست خالد اسلامی اسلامیست در ۱۹۸۱ به عهده داشت.

سپس محمد حسنی مبارک که او نیز نظامی بود بر مسند چهارمین رئیس جمهوری مصر تا رویدادهای موسوم به «بهار عربی» تکیه زد. پس از پیروزی مردم در بهار عربی محمد مُرسی رهبر «اخوان المسلمین» به قدرت رسید و پس از یکسال حکومت با تظاهرات مردم که از طرف ارتش حمایت می‌شد از کار برکنار شد. ارتش مصر عدلی منصور رئیس دادگاه قانون اساسی مصر را به عنوان سرپرست ریاست جمهوری برای دوره انتقالی معرفی کرد. در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ عبدالفتاح السیسی که نقشی کلیدی در کودتای ۲۰۱۳ مصر داشت، در رقابت با حمدین صباحی پیروز و رئیس‌جمهور مصر شد که ریاست وی تا امروز ادامه دارد.

پادشاهی عربستان سعودی

دودمان آل سعود که قدرت را از سال ۱۹۳۲ میلادی در عربستان در دست دارد، نام قبیله خود را بر این کشور افزوده است.

در عربستان شاهان بر پایه قانون اساسی حاکم مطلق هستند و همه امور کشوری و لشکری زیر نظر مستقیم آنان قرار دارد. خانواده سلطنتی و شاهزادگان در دستگاه حکومت از جایگاه رفیعی برخوردارند.

این کشور ثروتمند نفتخیز روابط نزدیکی با غرب دارد و بر پایه احکام اسلام اداره می‌شود. در سال‌های اخیر با روی کار آمدن شاهزاده بن سلمان رفقم‌هایی در جهت مدرنیزه کرده قوانین کشور و عدم وابستگی مطلق به درآمدهای نفتی در جریان است. مردم عربستان از رفاه اقتصادی بالایی برخوردار هستند.

بحرین

بحرین یک حکومت پادشاهی مشروطه است. پادشاه بطور موروثی از خاندان آل خلیفه انتخاب می‌شود که از سال ۱۸۲۰ میلادی، قدرت را در این جزیره در دست دارند. این کشور در سال ۱۹۷۱ میلادی، استقلال خود را به دست آورد و قانون اساسی فعلی این کشور در سال ۲۰۰۲ تصویب شده است. نظام حقوقی این کشور ترکیبی از فقه اسلامی و حقوق عرفی (شامل رویه و سابقه قضایی) (کامن لا) انگلیس است.

پادشاه یا امیر کنونی کشور حمد بن عیسی آل خلیفه است که از سال ۱۹۹۹ میلادی قدرت را در دست دارد. قوه مقننه دو مجلسی این کشور، یکی از طرف پادشاه و دیگری از طرف

مردم انتخاب می‌شوند.

در بحرین احزاب مذهبی، لیبرال، چپ و بعثی وجود دارد. پس از «بهار عربی» این کشور نیز دچار تلاطم‌های سیاسی شد.

پادشاهی اردن

این کشور میانه‌رو عربی که از بدو استقلال توسط خانواده‌های حاشمی اداره می‌شود و جمعیت قابل توجهی از آوارگان فلسطین را در خود جای داده با نزدیکی به غرب توانسته ثبات سیاسی خود را حفظ کرده و در همسایگی اسرائیل به یک همکار و طرف مشاوره مهم برای کشورهای منطقه تبدیل شود. حکومت اردن تا حدی قابل قبول توانسته رفاه مردم را در این کشور نه چندان ثروتمند فراهم کند.

امارات متحده عربی

سابقه استقلال امارات متحده عربی که یک پادشاهی انتخابی از همبستگی هفت امارت است به سال ۱۹۷۱ بر می‌گردد که شامل ابوظبی (پایتخت)، عجمان، دبئی، فجیره، رأس‌الخیمه، شارجه و ام‌القویین می‌شود. هر امارت توسط یک امیر اداره می‌شود که این امیران مجلس عالی متحده را تشکیل می‌دهند؛ امیر ابوظبی همیشه رئیس امارات متحده عربی است، در حالی که امیر دبئی همواره مقام نخست‌وزیری این کشور را بر عهده دارد.

محمد بن زاید النهیان که در حال حاضر پادشاه یا امیر امارات است در راه پدرش گام بر می‌دارد که در سال‌های امارت‌اش موجب ترقی و پیشرفت این کشور گردید. در حال حاضر امارات متحده عربی یک کشور توسعه‌یافته به شمار می‌رود و قوانین آن بجز قوانین خانواده که از شرع اسلام گرفته می‌شود بسیار لیبرال‌تر از بقیه کشورهای مسلمان‌نشین است. در حالی که فقط در ابوظبی قوانین شرع کاربرد بیشتری دارند اما در مورد آزادی‌های مدنی این کشور هنوز راه بسیار طولانی در پیش دارد تا به استانداردهای کشورهای غربی برسد.

عراق

در سال ۱۹۲۱ پادشاهی عراق تشکیل شد و در سال ۱۹۳۲ این حکومت از بریتانیا استقلال یافت. در ۱۹۵۸ این پادشاهی در اثر کودتای نظامیان از میان رفت و جمهوری عراق تأسیس گشت. عراق از سال ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۳ به دست حزب سوسیالیست بعث عراق بطور تک‌حزبی و با دیکتاتوری حسن البکر و صدام حسین اداره می‌شد. پس از حمله ایالات متحده و هم‌پیمانانش به عراق در مارس ۲۰۰۳، حکومت حزب بعث صدام حسین برچیده شد و نظام چندحزبی پارلمانی در این کشور برقرار شد. آمریکایی‌ها در سال ۲۰۱۱ عراق را ترک کردند.

دولت فدرال عراق تحت قانون اساسی فعلی به شکل یک جمهوری فدرال دموکراتیک پارلمانی اسلامی تعریف می‌شود که تقسیم قدرت در آن به صورت فرقه‌ای انجام می‌گیرد یعنی بر اساس مذهب و قوم! بطوری که رئیس جمهور از گُردها، رئیس مجلس از میان سنی‌ها و نخست‌وزیر نیز شیعه مذهب است! شیوه‌ای که در سال‌های گذشته تظاهرات اعتراضی نسل‌های جوان را موجب شده که با حکومت و تقسیم قدرت فرقه‌ای مخالف هستند و می‌خواهند کشورشان بطور یکپارچه و بر اساس منافع «ملت عراق» از هر دین و مذهب و قوم ... اداره شود.

در عراق دولت فدرال مشتمل بر قوای مجریه، مقننه و قضاییه و کمیسیون‌های مستقل متعدد دیگر است. با تمام نهادهای دموکراتیک موجود اما عدم قدرت دولت مرکزی

در مواجهه با دخالت‌های خارجی از جمله از سوی جمهوری اسلامی ایران موجب شده کشور از لحاظ سیاسی فلج شده و جزو بی‌ثبات‌ترین کشورهای جهان به شمار رود. عراق پس از سرنگونی صدام و مدیریت توسط ساختاری فرقه‌ای، بجز در صنعت استخراج نفت هیچ‌گونه پیشرفت محسوسی در دیگر حوزه‌ها به دست نیاورده است.

یمن

از سال ۱۹۶۷ ابتدا به عنوان یک کشور مستقل و سپس جنوب آن کشور به یک کشوری با رژیم مارکسیستی تبدیل شد. نهایتاً اما دو کشور یمن متحد شدند و در سال ۱۹۹۰ جمهوری جدید یمن را تشکیل دادند. علی‌الله صالح اولین رئیس جمهوری یمن تا زمان استعفا در دوران «بهار عربی» در قدرت بود.

از سال ۲۰۱۱ یمن درگیر اعتراضات خیابانی علیه فقر، بیکاری، فساد و برنامه‌های رئیس‌جمهور صالح برای اصلاح قانون اساسی و از بین بردن محدودیت دوره ریاست جمهوری در این کشور شد که یمن را در معرض یک بحران سیاسی قرار داد. صالح استعفا داد و اختیارات ریاست جمهوری به عبدربه منصورهادی رسید. از آن زمان، این کشور درگیر جنگ داخلی است که منجر به بروز قحطی برای ۱۷ میلیون یمنی شده است. در سال ۲۰۱۹ سازمان ملل متحد گزارش داد که حدود ۲۴ میلیون نفر، معادل ۸۵٪ از جمعیت یمن، بیشترین نیازمندی به کمک‌های بشردوستانه را دارد. رتبه دوم گرسنگی جهانی و کمترین شاخص توسعه انسانی از بین کشورهای غیرآفریقایی به یمن اختصاص دارد.

سوریه

کشور سوریه دارای بافتی از اقلیت‌های علوی و مسیحی و اکثریت سنی‌مذهب است. در تاریخ سوریه کشمکش و کشتارهای فرقه‌ای دیرینه وجود داشته است. از بدو استقلال، این کشور با کودتاهای متعدد روبرو شده و در نهایت حزب بعث عربی قدرت را در دست گرفته و خاندان اسد که از اقلیت علوی هستند دهه‌هاست بر این کشور حکومت می‌کنند. علوی‌ها بالاترین سمت‌ها را در دولت و سرویس‌های امنیتی و نظامی سوریه در اختیار دارند. با «بهار عربی»، در این کشور جنگ داخلی شروع شد که در نهایت با دخالت روسیه، رژیم اسلامی در ایران و حزب‌الله لبنان نیروهای آزادخواه سرکوب و رژیم بشار اسد در مقام خود تا به امروز مانده در حالی که نیمی از جمعیت کشور کشته و یا آواره شده‌اند.

قطر

تمیم بن حمد آل ثانی (امیر قطر) پیرو سیاست درهای باز بوده که باعث قدرت و نفوذ این کشور کوچک شده است. این سیاست با بهره‌برداری از فروش گاز و داشتن رسانه پرنفوذی در دنیای عرب (الجزیره) به این کشور امکان می‌دهد که گروه‌ها و کشورها با منافع متضاد را در یکجا گرد آورد و از عوامل و پدیده‌هایی که به ظاهر در تعارض قرار دارند برای تولید و گسترش نفوذش در جامعه بین‌الملل بهره‌برداری کند.

قطر از یکسو میزبان دفتر نمایندگی طالبان است و همزمان بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را در خاک خود دارد. در حین حمایت از گروه‌های اسلامگرای مخالف بشار اسد، روابط نسبتاً نزدیکی با رژیم ایران و حزب‌الله لبنان دارد و در همین حال روابط گسترده با عربستان و مصر را حفظ کرده و در آن واحد به مخالفان سیاسی این حکومت‌ها پناه می‌دهد. از حماس هم حمایت می‌کند و همزمان با اسرائیل روابط سیاسی-امنیتی پنهان دارد.



دولت فلسطین برای اولین بار توسط سازمان آزادیبخش فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ در الجزایر تشکیل شد و رسمیت یافت. کشورهای عضو سازمان ملل متحد در زمان حکمرانی محمود عباس به درخواست فلسطینی‌ها رای موافق دادند و از نهاد ناظر (سازمان آزادیبخش فلسطین) به کشور ناظر غیرعضو ارتقاء پیدا کرد.

کشور فلسطین در سال ۲۰۱۴ درخواست عضویت به ده نهاد بین‌المللی را ارائه داد و در ماه آوریل به عضویت کنوانسیون ژنو درآمد. فلسطین در حال حاضر با دو قطعه جدا شده از هم ادامه حیات می‌دهد، محمود عباس در اراضی شرقی اسرائیل حکومت می‌کند و باریکه غزه تحت نظر گروه افراطی و اسلامی حماس اداره می‌شود.

عمان

از سده ۱۷ میلادی عمان دارای پادشاهی خودکفا بوده است. در سده ۱۹ میلادی این کشور در اوج قدرت خود بوده است. عمان قدیمی‌ترین دولت مستقل در میان کشورهای عربی است و پیوند گسترده نظامی و سیاسی با ایالات متحده آمریکا و پادشاهی بریتانیا کبیر دارد.

پادشاه نقش برجسته‌ای در عمان دارد که یک کشور پارلمانی نیز هست و بطور مشورتی مورد مراجعه قرار می‌گیرد. مانند سایر کشورهای عربی خلیج فارس منبع اصلی درآمد این کشور نفت است. هرچند نسبت به همسایگان، عمان یک تولیدکننده متوسط به شمار می‌رود. کشاورزی و ماهیگیری نیز دو منبع مهم درآمد در عمان هستند. منبع دیگر درآمد این کشور گردشگری است.

عمان پس از سرکوب شورشیان ظفار در سال‌های هفتاد میلادی نسبت به دیگر کشورهای عربی از ثبات سیاسی بالاتری برخوردار است و از لحاظ رفاه نیز در مرتبه بالایی قرار دارد.

جمهوری پارلمانی لبنان

لبنان کشوری در حال توسعه است و در فهرست کشورها بر اساس شاخص توسعه انسانی در رتبه بالایی قرار داشت و یکی از بهترین کشورهای جهان عرب خارج از کشورهای ثروتمند و نفتخیز شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود. همچنین در فهرست کشورها بر پایه سرانه درآمد ناخالص ملی لبنان جزو کشورهای متوسط رو به بالا محسوب می‌شد.

پس از خارج شدن از قیمومیت فرانسه در سال ۱۹۴۳ و اعلام استقلال، لبنان هم‌اکنون دارای یک نظام تقسیم قدرت خاص بر اساس جوامع دینی یا همان حکومت فرقه‌ای است. بحران نقدینگی در لبنان و دیگر مشکلات مانند فقر، بیکاری، بی‌ثباتی سیاسی (در اثر تغییر جمعیت شیعیان و نفوذ رژیم اسلامی ایران و وجود حزب‌الله تا دندان مسلح)، بی‌ثباتی قیمت ارز در این کشور را گسترش داده است. فرهنگ لبنانی، با وجود مساحت نسبتاً کوچک این کشور، در خاورمیانه و سراسر جهان شناخته شده است. بیروت پایتخت این کشور زمانی «عروس شهرهای جهان» و «پاریس خاورمیانه» نامیده می‌شد. لبنان از اعضای بنیانگذار سازمان ملل متحد و همچنین عضو اتحادیه کشورهای عرب، جنبش عدم تعهد، سازمان همکاری اسلامی و سازمان بین‌المللی فرانکفونی است.

سیستم سیاسی در لبنان پارلمانی است. نظام پارلمانی در لبنان متأثر از وضعیت فرقه‌ای، اجتماعی و مذهبی خاص این کشور است: مسیحیان و مسلمان سنی و مسلمان شیعه. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده که تمامی اقوام و مذاهب در آن سهمی از قدرت سیاسی داشته باشند. طبق این توافق، رئیس‌جمهور از میان مسیحیان مارونی، نخست‌وزیر از میان

مسلمانان سنی مذهب، رئیس پارلمان از بین شیعیان و معاون نخست‌وزیر از بین مسیحیان ارتدکس انتخاب می‌شود. پارلمان لبنان دارای ۱۲۸ کرسی است که بطور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم شده است. این توافق حاصل توافق طائف است که به جنگ‌های داخلی ۱۵ ساله در لبنان پایان داد. تا قبل از این توافق، سهم مسیحیان در قدرت سیاسی بیشتر از مسلمانان بود و تقسیم‌بندی به صورت ۵ - ۳ - ۲ به ترتیب مسیحی - سنی - شیعه انجام می‌گرفت. نسل‌های جوان لبنان نیز در سال‌های گذشته تظاهرات اعتراضی متعددی علیه حزب‌الله و همچنین حکومت فرقه‌ای این کشور داشتند. آنها نیز مانند عراقی‌ها خواهان حکومتی مدرن و امروزی هستند که ساختار سیاسی آن بر اساس منافع ملی تنظیم شده باشد و نه سهمیه‌های قومی و مذهبی!

انتخابات پارلمانی هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود و فرد معرفی شده از جانب حزب یا ائتلاف پیروز با احتساب شرط تسنن نخست‌وزیر خواهد شد. رئیس‌جمهور لبنان نیز فرد مسیحی برای یک دوره ۶ ساله توسط پارلمان برگزیده می‌شود. رئیس‌جمهور فرمانده نیروهای مسلح نظامی و امنیتی است. تقسیم قضایی لبنان تابع قوانین ناپلئونی (نظام قضایی فرانسه) است اما هر کدام از مذاهب مختلف دادگاه‌های خاص خود را در مورد قوانین مربوط به ازدواج، طلاق و امور شخصیه و مدنی دارند.

امارت کویت

از سال ۱۹۶۱ که اولین انتخابات در کویت منجر به تشکیل مجلس مؤسسان شد و شیخ صباح سالم الصباح به نخست‌وزیری کویت منصوب گردید تا امروز حکومت طبق قانون اساسی در خاندان آل صباح موروثی است و حکومت کویت مرکب از قوای سه‌گانه مقننه، قضاییه و مجریه است که از یکدیگر تفکیک شده و یک شورای مشورتی امیر کویت را در امور مملکت یاری می‌کند. فعالیت‌های حکومت نیز طبق قانون اساسی توسط «مجلس امت کویت» کنترل می‌شود.

می‌توان گفت که ساختار سیاسی کویت از بین کشورهای منطقه در یک چارچوب عربی و خلیجی به الگوی سیاسی دموکراسی غربی نزدیکتر است. در میان کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مردم کویت از آگاهی و رشد سیاسی و سطح علمی خوبی نسبت به سایر کشورها برخوردارند. در این کشور احزاب سیاسی رسمی یا غیررسمی وجود ندارد. کویت به لحاظ موقعیت جغرافیایی خاص و داشتن منابع سرشار نفت، برقراری روابط با تمام کشورها را در حفظ ثبات خلیج فارس مثبت می‌داند. قانون اساسی کویت پایه روابط خارجی را با تأکید بر احترام متقابل و عدم مداخله در امور دیگران ذکر نموده است.

اسرائیل

اسرائیل تنها کشور با شهروندان عمدتاً یهودی در جهان است. بر پایه برآورد سال ۲۰۱۳ سازمان مرکزی آمار اسرائیل، این کشور در حدود هشت میلیون جمعیت داشته که بیش از یک میلیون و نیم از آنها را اعراب اسرائیلی تشکیل می‌دهند. بیشتر اعراب اسرائیلی مسلمان و گروهی نیز مسیحی و دروزی هستند. مارونی‌ها، سامری‌ها، ارمنی‌ها، چرکسی‌ها و کردها از دیگر اقلیت‌های قومی ساکن اسرائیل هستند.

اسرائیلی مدرن، در ۱۹۴۷ میلادی با تصویب قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل- تقسیم فلسطین بریتانیا به دو کشور اسرائیل و فلسطین و اداره شهر اورشلیم به صورت بین‌المللی- شکل گرفته است. این طرح موافقت سران اسرائیلی را در پی داشت اما فلسطینیان و دولت‌های عرب منطقه، بی‌درنگ آن را رد کردند. در نتیجه از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۴۷ تا ۱۴ مه ۱۹۴۸ میان شبه‌نظامیان فلسطینی و یهودی، نبردهای خونینی

درگرفت. نهایتاً در ۱۴ مه ۱۹۴۸ همزمان با پایان قیمومیت بریتانیا بر فلسطین، «دولت اسرائیل» با صدور منشور استقلال، اعلام موجودیت کرد. یک روز پس از اعلام استقلال، تمامی همسایگان عرب بطور هم‌زمان به اسرائیل حمله کردند که متحمل شکست شدند. از آن پس، مجموعه‌ای از درگیری‌های نظامی بین نیروهای اسرائیلی و کشورهای عرب رخ داده که جنگ ۱۹۴۸، جنگ ۱۹۵۶، جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ و جنگ یوم کپور ۱۹۷۳ مهم‌ترین آنها بوده‌اند.

اسرائیل عضو رسمی سازمان ملل متحد است و در حال حاضر با بیش از صد و پنجاه و هفت کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد. از سوی دیگر، تعدادی حکومت‌های عمدتاً مسلمان، از جمله جمهوری اسلامی در ایران، این دولت را به رسمیت نمی‌شناسند. اسرائیل همچنین میزبان بناهایی مقدس از ادیان مختلف از جمله یهودیت، مسیحیت، اسلام و بهائیت است.

اسرائیل کشوری توسعه‌یافته و نوع حکومت آن، جمهوری پارلمانی است. این کشور دارای نظام پارلمانی و حق رای عمومی است. در این کشور، رئیس‌جمهور مقامی تشریفاتی است و نخست‌وزیر به عنوان رئیس دولت و کیست (پارلمان اسرائیل) به عنوان شاخه قانونگذار عمل می‌کند. در سال ۲۰۰۸ میلادی، اسرائیل بر پایه تولید ناخالص داخلی در رتبه چهل و یکمین اقتصاد بزرگ جهان قرار داشت. کشور اسرائیل از لحاظ رتبه‌بندی دانشگاهی، بهترین وضعیت علمی را در منطقه خاورمیانه دارد. از لحاظ شاخص توسعه انسانی، در سال ۲۰۰۸ میلادی، در رتبه بیست و سوم جهان قرار داشت. این کشور از لحاظ این شاخص در بالاترین رتبه در منطقه خاورمیانه قرار دارد. مردم این کشور از لحاظ امید به زندگی، دارای یکی از بالاترین شاخص‌ها در میان کشورهای جهان هستند. بنا بر گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، مطبوعات و رسانه‌های اسرائیلی، بالاترین میزان آزادی را در میان کشورهای منطقه خاورمیانه دارند.

پس از مروری بر وضعیت سیاسی کشورهای خاورمیانه بزرگ در می‌یابیم که وجود ارکان دموکراسی و رشد آن فقط در سه کشور غیرمسلمان این منطقه امکانپذیر بوده و رژیم‌های جمهوری به نوعی تبدیل به سلطنت‌های موروثی بدون مشروطه شده‌اند که رئیس‌جمهورهای آنها یا با کودتا و یا با مرگ برکنار شده‌اند و تازه در بیشتر آنها پسران بجای پدران تکیه زده‌اند. در نهایت اگر اساساً بتوان مقایسه کرد، هرچند حکومت‌های پادشاهی به رعایت تمامی قوانین دموکراسی در این نقطه جغرافیایی دنیا پایبند نبوده‌اند اما کشورهایشان از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار بوده و رفاه شهروندان آنها در حوزه اقتصادی برآورده شده است.

کشورهای نفتخیز در بحران‌های سیاسی جهان نمی‌توانند بی‌طرف باقی بمانند، چون حربه‌ای دارند که یا خودشان و یا نیروهای درگیر در بحران از آن می‌توانند برای برتری‌جویی استفاده کنند.

بنابراین یک سیستم سیاسی با ثبات با توجه به اقلیت‌های قومی و مذهبی موجود و توشه دموکراسی ناچیز در این منطقه نمی‌تواند از دید هر کارشناس بی‌طرفی نوعی پادشاهی مشروطه باشد که عرق ملی‌گرایی و همبستگی ملی را در میان شهروندان نشان تقویت کرده و شخص پادشاه به عنوان پدر معنوی تمامی ملت این وظیفه را به عهده بگیرد.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل
از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

◆ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تربیین آزاد»، به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

افزایش فشار بر فعالان مشروطه خواه در آستانه سالگرد اعتراضات ملی؛ گسترش فعالیت‌های میدانی مشروطه خواهان در کشور



از راست به چپ: علی اصغر حسنی‌راد، کاظم علینژاد، وحید سرخ گل، وحید قدیرزاده، آرشم رضایی و میثم غلامی

حق درمان و رسیدگی پزشکی محروم کرده‌اند. یک منبع آگاه درباره وضعیت این دو زن زندانی به کیهان لندن می‌گوید که «سمانه با وجود ابتلا به بیماری لوپوس و دیابت و توصیه‌ی پزشکان برای عمل جراحی فوری تخمدان و رحم، مقامات امنیتی و قضایی از اعزام او به بیمارستان خودداری می‌کنند.»

این منبع آگاه گفته که سمانه نوروز مرادی «با وجود تأیید پزشک قانونی برای عدم تحمل حبس» همچنان در زندان اوین محبوس است و با درد زیادی روبروست. او گفته که «شرایط دردناک شکم و تخمدان و رحم این کنشگر سیاسی نیاز به توجه، درمان و مراقبت‌هایی دارد که در زندان قابل انجام نیست.»

سمانه نوروز مرادی همچنین به سرطان پستان مبتلاست و هنوز دوره درمان او به پایان نرسیده بود که بیش از دو ماه پیش بازداشت شد. با توجه به اینکه در صورت عقب افتادن روند شیمی‌درمانی احتمال متاستاز و گسترش سرطان به دیگر ارگان‌های بدن وجود دارد اکنون اطرافیان سمانه نوروز مرادی نگران متاستاز بیماری به رحم و تخمدان این فعال سیاسی هستند؛ موضوعی که بیش از پیش جان او را به خطر انداخته است.

زهره سرو دیگر فعال مشروطه‌خواه محبوس در زندان اوین است که با وجود دو تومور در پستان، مقامات امنیتی و قضایی از صدور مجوز انتقال او به بیمارستان خودداری می‌کنند.

منبع آگاه درباره وضعیت این زندانی مشروطه‌خواه به کیهان لندن می‌گوید که «به تأیید پزشکان اوین و پزشکان معتمد قوه قضاییه زهره دو توده‌ی بزرگ در سینه دارد و نیازمند اقدام‌های جدی و فوری برای درمان و پیشگیری از رشد غده‌ها است.»

این منبع آگاه افزوده که «متأسفانه مسئولان پرونده خانم سرو بی‌توجه به شرایط جسمی او همچنان هیچ اقدامی آزادی مشروط یا آزادی با پابند یا مرخصی برای درمان وی نمی‌کنند.»

با وجود وضعیت اورژانسی این زندانی به دلیل وجود دو توده در پستان راست، او روز چهارشنبه چهارم مردادماه از زندان اوین به بیمارستان «طالقانی» تهران اعزام شد اما بدون رسیدگی پزشکی کافی برای تشخیص وضعیت بیماری به زندان بازگردانده شد.

به گفته این منبع آگاه زهره سرو همچنین دچار

توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در استان‌های تهران، مازندران و کرمانشاه بازداشت شده‌اند و او نیز از ۱۵ مرداد با هدف بازداشت نشدن از خانه مادرش خارج شده است. اصغر حسنی‌راد، وحید سرخ گل، وحید قدیرزاده و میثم غلامی از جمله افرادی هستند که طی روزهای گذشته بازداشت شدند.

آرشم رضایی همچنین نوشته که از نیمه مرداد «خانواده‌ام را ندیده‌ام و امیدوارم سازمان اطلاعات سپاه برای بازداشتم به منزل مادرم یورش نبرند و بیش از این موجب آزار خانواده‌ام نباشند چرا که مادرم از ناراحتی قلبی رنج می‌برد و در صورت بروز هر اتفاق ناخوشایندی برای مادرم، مسبب اصلی شخص خامنه‌ای و سازمان اطلاعات سپاه می‌باشد.»

از سوی دیگر به گفته منابع مطلع، روز گذشته علی اصغر حسنی راد پس از انتقال به قرنطینه زندان اوین، به دستور مقامات قضایی و امنیتی به بیمارستان اعصاب و روان «امین آباد» منتقل شد.

محمد سلطانی دیگر فعال مشروطه‌خواه و از امضاکندگان بیانیه‌ی «بازگشت به مشروطه» که روز ۱۴ مرداد در اراک بازداشت شده بود در تماس تلفنی با خانواده اعلام کرده که هنوز تفهیم اتهام نشده و از دسترسی به داروهای دیابت‌اش محروم است و همچنین در ناحیه چپ بدن و قلب احساس درد و بی‌حسی دارد.

همچنین پیشتر محبوبه رضایی، رضا محمدحسینی، رضا نوروزی، احسان شاددل و حمیده زارعی از دیگر فعالان مشروطه‌خواه بازداشت شده بودند.

فشار بر فعالان زندانی نیز با نزدیک شدن به نخستین سالگرد اعتراضات ملی افزایش یافته است.

شکیلا منفرد زندانی سیاسی مشروطه‌خواه محبوس در زندان اوین، که پس از مدت‌ها محرومیت از درمان، در تاریخ ۱ مردادماه ۱۴۰۲ جهت جراحی کیسه صفرها به مرخصی درمانی اعزام شده بود، در پی عدم تمدید مرخصی به زندان برگردانده شد.

شکیلا منفرد بنا به تجویز پزشکی قانونی و پزشک متخصص، نیاز به دو ماه رسیدگی درمانی داشته و حضور در زندان می‌تواند روند درمان او را با اختلال مواجه کند.

«کیهان لندن» در دوازدهم مرداد در گزارشی اعلام کرد سمانه نوروز مرادی و زهره سرو دو فعال سیاسی مشروطه‌خواه محبوس در زندان اوین با وضعیت حاد جسمی روبرو هستند اما مقامات امنیتی و قضایی آنها را از

برای چند تن از فعالان مشروطه‌خواه که به تازگی از زندان آزاد شده بودند پرونده‌سازی شده و تعدادی دیگر که بیشتر بازداشت شده‌اند نیز زیر فشارهای سنگین قرار دارند.

فعالان مشروطه‌خواه فعالیت میدانی در ایران را گسترش داده و با پخش فراخوان و شب‌نامه و دیوارنویسی مردم را به حضور در خیابان در سالگرد اعتراضات ملی در ۲۵ شهریورماه دعوت می‌کنند.

برافراشتن پرچم شیروخورشید در خیابان‌ها و اتوبان‌ها، و بر فراز قلعه‌های ایران، گذاشتن پرچم شیروخورشید بر مزار جانباختگان و دیوارنویسی در آستانه سالگرد اعتراضات از اقدامات فعالان مشروطه‌خواه است.

در سرمقاله اخیر «کیهان لندن» به قلم الاهی بقراط آمده است: خیزش ملی کنونی نیز عین انقلاب مشروطه برای پیوستن به جهان به‌روز و آینده است. پهلوی بخش ناگسستگی از این پیوستن، چه آن زمان و چه این زمان، است.

در آستانه سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ موج تازه‌ای از فشار بر فعالان و زندانیان مشروطه‌خواه در ایران آغاز شده است. پیشتر نیز گزارش‌هایی از تشدید فشار بر مشروطه‌خواهان زندانی منتشر شده بود.

در روزهای گذشته برای چند تن از فعالان مشروطه‌خواه که به تازگی از زندان آزاد شده بودند پرونده‌سازی شده و تعدادی دیگر که پیشتر بازداشت شده‌اند نیز زیر فشارهای سنگین از جمله محرومیت از حق درمان و انتقال به بیمارستان روانی قرار دارند.

از جمله اقدامات علیه مشروطه‌خواهان پرونده‌سازی دوباره برای شش نفر از این فعالان است که به تازگی از زندان آزاد شده بودند.

آرشم رضایی فعال مشروطه‌خواه در اینبار با انتشار توییتی نوشته که «۱۵ مرداد ابلاغیه‌ای برای وحید سرخ گل ارسال شد که طبق این ابلاغیه برای اینجانب و ۵ زندانی سیاسی سابق، به نام‌های علی اصغر حسنی‌راد، کاظم علینژاد، وحید سرخ گل، وحید قدیرزاده، میثم غلامی، توسط سازمان اطلاعات سپاه (ثارالله) پرونده‌ای با اتهامات واهی و بی‌پایه و اساس نظیر اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی، و تبلیغ علیه نظام گشوده شده است.»

آرشم رضایی افزوده که ۴ نفر از این فعالان مشروطه‌خواه

ورزشکارانی که برای آزادی و کرامت انسانی به خیابان آمدند و برخی دستگیر، شکنجه و یا اعدام شدند



کاراته. او یکی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات ضد حکومتی بود که به ادعای دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به همراه ۱۵ نفر دیگر در مرگ یک بسیجی شرکت داشته است. کرمی در یک روند قضایی شتابزده و بدون داشتن وکیل به اعدام محکوم و در هفتم ژانویه ۲۰۲۳ در زندان به دار آویخته شد. بی‌تفاوتی فدراسیون جهانی کاراته و تعدادی از داوران بین‌المللی کاراته ایران که تابعیت کشورهای آمریکایی و اروپایی داشتند نسبت به خطر اعدام محمد مهدی کرمی‌موجی از انزجار در بین مربیان و ورزشکاران را برانگیخت. او قبل از اجرای حکم اعدامش در دیداری که با پدر داشت به دستان پینه بسته پدر قسم خورد که کسی

● دستگیری، شکنجه و قتل ورزشکاران معترض از نخستین روزهای روی کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشت. بسیاری از دختران و پسران ورزشکار ایران فقط به جرم اینکه نخواستند همسو با رژیم بیان‌دهند، در دهه شصت به جوخه‌های مرگ سپرده شدند. نام آنها با هر گرایش و اندیشه‌ای که بودند در فهرست بلند آزادخواهان ایران جای دارد. این فهرست در جنبش ملی اخیر نیز که نشانه‌های آن از دی‌ماه ۹۶ روشن‌تر از همیشه پدیدار شد با نام‌های تازه ادامه یافت.

«انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران» در گزارشی به یادآوری شماری از ورزشکارانی پرداخته که در جنبش ملی ایران شرکت داشته و توسط حکومت آسیب دیده و یا در خیابان کشته شده و یا به زندان افتاده و حتا اعدام شده‌اند. در مقدمه این گزارش آمده است گرچه هنوز حقوق ورزشکاران همچون حقوق زنان از جمله علیه حجاب اجباری و یا حقوق زیست محیطی و معیشتی به یک جنبش صنفی فراگیر تبدیل نشده اما هستند ورزشکارانی که همگام با جنبش ملی در دفاع از حقوق انسانی مردم فریاد زدند و تا پای جان نیز ایستادند.

دستگیری، شکنجه و قتل ورزشکاران معترض از نخستین روزهای روی کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشت. بسیاری از دختران و پسران ورزشکار ایران فقط به جرم اینکه نخواستند همسو با رژیم بیان‌دهند، در دهه شصت به جوخه‌های مرگ سپرده شدند. نام آنها با هر گرایش و اندیشه‌ای که بودند در فهرست بلند آزادخواهان ایران جای دارد. این فهرست در جنبش ملی اخیر نیز که نشانه‌های آن از دی‌ماه ۹۶ روشن‌تر از همیشه پدیدار شد با نام‌های تازه ادامه یافت.

محمد مهدی کرمی، جوان ۲۱ ساله و مدالیست ورزش



محمد حسینی

محمد مهدی کرمی

را نکشته است.

سیدمحمد حسینی که نام کیان را برای خود برگزیده بود از دیگر آزادخواهان و مخالف رژیم جمهوری اسلامی به شمار می‌آید که به ادعای قوه قضاییه ایران در پرونده قتل یک بسیجی شرکت داشته که بعد از محمد مهدی کرمی متهم ردیف دوم شناخته شده و همراه وی در هفتم ژانویه ۲۰۲۳ به دار آویخته شد. کیان مربی کونگ فو بود و در

دیگر بیماری‌ها از جمله زانودرد است که به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در دوران زندان، دردهایش تشدید شده است.

این منبع آگاه افزوده که «زهره سرو پیش از این به مدت ۱۸ روز در انفرادی‌های سالن ۹ زندان قرچک که سوئیت‌های قبل از اعدام هستند نگهداری شده بود. اعتصاب غذای خشک او و شرایط هولناک سوئیت‌های سالن ۹ زندان قرچک آسیب جدی به سلامت او زده است.»

اینهمه در حالیست که فعالان مشروطه‌خواه فعالیت میدانی در ایران را گسترش داده و با پخش فراخوان و شب‌نامه و دیوانویسی مردم را به حضور در خیابان در سالگرد اعتراضات ملی در ۲۵ شهریورماه دعوت می‌کنند. برافراشتن پرچم شیروخورشید در خیابان‌ها و اتوبان‌ها، و بر فراز قلعه‌های ایران از جمله دیگر فعالیت‌های میدانی مشروطه‌خواهان در هفته‌های گذشته بوده است.

همچنین گذاشتن پرچم شیروخورشید بر مزار جانبختگان و دیوانویسی در آستانه سالگرد اعتراضات از اقدامات دیگر این فعالان است.

جمهوری اسلامی نیز تبلیغات علیه خاندان پهلوی را افزایش داده و به هر شکلی با پرچم شیروخورشید و نمادهای ملی که مورد استفاده از سوی مشروطه‌خواهان است مبارزه می‌کند و با پخش پوسترها و بنهایی علیه پهلوی در سطح شهرها همچنان در حال مبارزه با حکومتی است که مدعیست در بهمن ۵۷ برای همیشه ساقط شده است!

«کیهان لندن» در سرمقاله اخیر خود با عنوان «جمهوری اسلامی خطر را درست تشخیص داده، شما چطور؟!» به قلم الهه بقراط سردبیر این رسانه نوشته است: «مشکل اصلی جمهوری اسلامی در پیشبرد این پروژه آنجاست که چون مشروطه و ملی‌گرایی با دوران پهلوی‌ها گره خورده، پس می‌بایست آن را هرطور شده از پهلوی تپی کرد! یکی از دلایل افزایش اظهارات مقامات رژیم و انتشار مطالب بی‌پایه علیه دستاوردهای زیربنایی آن دوران از جمله در زمینه صنایع و اقتصاد و رفاه و حتا ارتش از یکسو برای توجیه ناکارآمدی مزمین نظام انجام می‌شود و از سوی دیگر در خدمت همین نمایش ملی‌گرایی قرار دارد. غافل از اینکه مردم همه رشته‌های تبلیغاتی رژیم را پنبه می‌کنند. همان مردمی که در زمان ده سال رهبری خمینی بر جمهوری اسلامی نیز در صف کالاهای کوپنی زیر لب می‌گفتند «نور به قبرت بباره!» و اکنون نسل‌های تازه شعارهای صریح و روشن خود را علیه کل نظام جمهوری اسلامی در خیابان‌ها فریاد می‌زنند.»

در ادامه سرمقاله «کیهان لندن» آمده که «خیزش ملی کنونی نیز عین انقلاب مشروطه برای پیوستن به جهان به‌روز و آینده است. پهلوی بخش ناگسستنی از این پیوستن، چه آن زمان و چه این زمان، است.»

این مطلب افزوده بود که «مشروطه و ملی‌گرایی در ایران، بدون پهلوی دستور کاریست که از درون دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی و در مقابله با اعتراضات و تهاجمات و اراده‌ی مردم صادر شده و در خارج با عوامل پیدا و پنهان‌اش و در داخل با فشار و تطمیع بین «چهره‌ها» پیش برده می‌شود. اما غیرعقلانیست اگر گمان شود که آنچه پیش از چهار دهه نتیجه‌ی عکس داده، اکنون به نتیجه‌ی دیگری به سود جمهوری اسلامی می‌انجامد!»

تشدید تبلیغات علیه مشروطه‌خواهان و پهلوی و همچنین افزایش دستگیری و فشار بر فعالان این جریان ملی‌گرا و میهن‌دوست در آستانه‌ی سالگرد خیزش ملی بر همین اساس صورت می‌گیرد.

از زندان آزاد و در بیمارستان بستری شد.
برهان الیاسی ورزشکار بوکس چینی در اعتراض به سیاست‌های رژیم ایران در سرکوب معترضین، در جوانرود واقع در استان کرمانشاه به خیابان آمد و با شلیک تیر مستقیم نیروهای سرکوبگر کشته شد. او فقط ۲۲ سال سن داشت.

محمد قائمی فر دروازه‌بان معترض تیم «امین» جندی‌شاپور در ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ در یکی از کوچه‌های بن‌بست دزفول، هدف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت.



کوثر خشنودی کیا

ماموران از پشت به جمجمه او شلیک کردند؛ بیش از ۴۰ گلوله ساچمه‌ای وارد جمجمه و گردنش شد و به زمین افتاد. او پانزده روز بعد، در بیمارستان جان باخت. وی فقط ۱۸ سال داشت.

وریا غفوری کاپیتان سابق تیم فوتبال «استقلال» (تاج) همراه با حسن ماهینی، علی دایی، پرویز برومند، کریم باقری، سروش رفیعی، عارف غلامی و یحیی گل‌محمدی از چهره‌های محبوب و مردمی ورزش ایران به شمار می‌آیند که در جریان خیزش انقلابی ملی ایران که همزمان با قتل حکومتی مهسا امینی شکل گرفت، بازداشت و بعد از مدتی با قرار وثیقه یا تعهد آزاد شدند. واکنش وریا غفوری در قبال راه ندادن زنان به استادیوم‌های ورزشی و خودسوزی سحر خدایاری معروف به «دختر آبی» تحسین افکار عمومی را برانگیخت. او همچنین سرنگون شدن هوایمی اوکراینی با موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محکوم کرده و با تسلیت به بازماندگان این جنایت فجیع، صداوسیما جمهوری اسلامی را به «دروغ‌پراکنی» متهم کرد و خواهان برخورد قضایی با مسببان این رویداد شد.



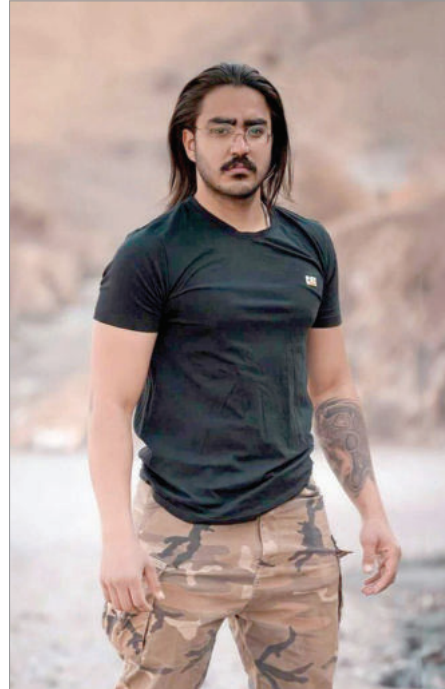
برهان الیاسی

نگاه او به وضعیت سیاسی اجتماعی ایران موجب شد که از تیم ملی و همچنین تیم‌های «استقلال» (تاج) و «فولاد» کنار گذاشته شود.

الناز رکابی سنگ‌نورد نیز در همدلی با زنان معترض حاضر نشد با پوشش اسلامی در مسابقات آسیایی

وابسته به سپاه پاسداران بینایی چشم‌چپ‌اش را از دست داد. او در پست اینستاگرامش گفته است «از اینکه برای تحقق آرمانش به خیابان آمده پشیمان نیست».

اشراق نجف‌آبادی عضو سابق تیم ملی دوچرخه‌سواری ایران است. او در جریان خیزش انقلابی مردم ایران همراه با خشایار نیکبخت، مریم صدقیانی، حسام موسوی و امیرارسلان مهدوی که همگی از ورزشکاران ایران هستند بازداشت شد. ویدئویی از اعترافات اجباری او و چهار نفر از دوستانش توسط رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی



مجید رضا رهنورد

پخش شد که آنها را متهم به تلاش برای مبد‌گذاری در شیراز کرده بودند.

خالد پیرزاده قهرمان پرورش اندام ایران در تاریخ ۲۶ مه ۲۰۱۹ توسط ماموران سپاه بازداشت و پس از مدتی در دادگاه انقلاب تهران به ریاست «قاضی مقیسه» به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» و «توهین به رهبری» در مجموع به ۷ سال زندان محکوم و



خالد پیرزاده قبل و بعد از زندان!

این حکم در دادگاه تجدید نظر عینا تایید شد. او در دسامبر ۲۰۲۲ در یک فایل صوتی از زندان خطاب به جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران شرح داد که در اثر شکنجه ویلچرنشین شده و کنترل ادرار خود را از دست داده است. خالد پیرزاده بر اساس شدت جراحت

→ هنگام اعدام فقط چهل سال سن داشت.
مجید رضا رهنورد کشتی‌گیر به ایدئولوژی رژیم جمهوری اسلامی اعتراض داشت. او نیز به جرم درگیر شدن با دو بسیجی که به ادعای قوه قضاییه جمهوری اسلامی موجب مرگ آن دو شد به اعدام محکوم گشت. مجیدرضا نیز از حق داشتن وکیل محروم ماند و در یک روند شتابزده قضایی اعدام شد. او فقط بیست و سه سال سن داشت و نشان پرچم شیروخورشید را بر بازوی چپ خود خالکوبی کرده بود. او در آخرین سخنانش در برابر دوربین مأموران امنیتی



صالح میرهاشمی

خواستگاره بود که بر مزارش عزاداری نکنند و قرآن خوانده نشود. زادروز مجید رضا رهنورد در تقویم ایران‌دوستان، روز پرچم شیروخورشید نامگذاری شده است.

صالح میرهاشمی مربی کاراته در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۲ در اعتراضات خیابانی اصفهان دستگیر و در روز نهم ژانویه ۲۰۲۳ در حکمی توسط دادگاه انقلاب اصفهان به اتهام محاربه به اعدام محکوم شد. او در دادگاه با رد اتهام شلیک به ماموران گفته بود که در روز حادثه به هیچ ماموری شلیک نکرده و اسلحه‌ای در اختیار نداشته است. در فیلم‌هایی نیز که در دو ماه گذشته از روز حادثه منتشر شده، هیچ نشانی از تیراندازی و یا حمل سلاح دیده نمی‌شود. پس از بازداشت صالح میرهاشمی، نیروهای امنیتی بارها برای پیدا کردن مدرک جرم، به خانه او مراجعه کرده‌اند. در فایل صوتی که قبل از اعدام وی منتشر شد، او در تماسی از زندان به مادرش می‌گوید که نقشی در این ماجرا نداشته و حتی یک ترفه هم پرتاب نکرده است. او می‌گوید سایر متهمانی که در دادگاه علیه‌اش شهادت داده بودند، بعداً به او گفته‌اند که تهدید شده بودند تا علیه او اعتراف کنند. صالح را در ۱۹ مه ۲۰۲۳



اشراق نجف‌آبادی

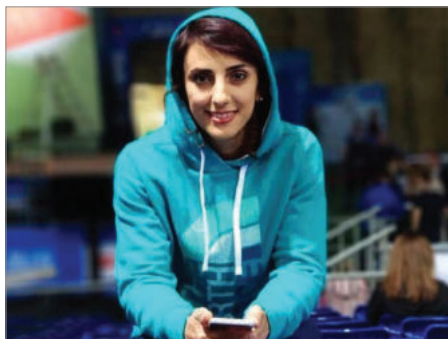
با حکم قاضی مرتضی براتی اعدام کردند.
کوثر خشنودی کیا از جمله ورزشکاران معترض در ایران است. او ۲۷ سال سن دارد نایب قهرمان تیراندازی با کمان زنان آسیاست. در نهم دسامبر ۲۰۲۲ در اعتراضات مدنی مردم کرمانشاه به خیابان آمد و در با شلیک نیروهای بسیج

و مستندات موثق اعلام کرده است که امیر نصر آزادانی در پرونده قتل سرهنگ نیروی انتظامی و دو بسیجی نقش داشته است، او همچنین متهم است که با عضویت در یک شبکه مسلحانه به قصد برهم زدن امنیت کشور فعالیت می‌کرده است. امیر نصر آزادانی پس از محکوم شدن به ۲۶ سال حبس، در زندان طی پیام صوتی که از طریق سی.ان.ان آمریکا رسانه‌ای شد گفت: «صدای مرا برای رفیقانم، دوستان فوتبالیستم برسانید که بدانند من در چه شرایطی هستم تا بتوانیم یک روزی دوباره در کنار هم باشیم. امیدم اول به

در مسابقات جام بین قاره‌ای در امارات متحده عربی همراه با سعید پیرامون و مصطفی کیانی با نمایش نمادین بریدن گیسو از خیزش انقلابی مردم ایران حمایت کرد از تیم ملی کنار گذاشته شد. او در بخشی از پست‌های اینستاگرامش در اینباره نوشته است: «...البته خوشحالم که بهترین انتخابم را کردم و کنار مردمم ایستادم».

مهسا موگویی ۱۸ ساله، قهرمان تکواندو اهل فولاد شهر اصفهان از دیگر ورزشکارانی است که نهم سپتامبر ۲۰۲۲ در اعتراضات خیابانی به قتل رسید. پدر مهسا به قتل رسیدن

حاضر شود. در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۲ پس از آنکه او بدون حجاب در مسابقات آسیایی کره جنوبی شرکت کرد ماموران حراست تیم ملی سنگ‌نوردی او را تحت مراقبت‌های ویژه به سفارت جمهوری اسلامی در سئول منتقل کردند تا روز بعد با اولین پرواز به تهران بازگردانده شود. گفته شد او امکان دسترسی به پاسپورت و موبایل خود را نداشت. همزمان برادرش در بازداشت نیروهای امنیتی قرار گرفت بود تا الناز مجبور شود به ایران برگردد. هنگامی که او در حال انتقال به ایران بود در اینستاگرامش یک «استوری»



الناز رکابی

دخاست و بعد به شما که بیرون هستید.»



وریا غفوری

دخترش را به تیرباران تشبیه کرد در ویدیویی گفت: «گناه دخترم چه بود که با دست خالی اعتراض کرد و بدنش را



محمد قاسمی فرد

منتشر شد که در آن بازگشت این ورزشکار به ایران را تأیید می‌کرد و در آن آمده بود که پوشش حجاب او «سهوا دچار



کامران بذرکار

نوید افکاری کشتی‌گیر شیرازی که در اعتراضات خیابانی علیه رژیم شرکت داشت در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ اعدام شد و جامعه جهانی ورزش از جمله فدراسیون جهانی کشتی



مهسا موگویی

تیرباران کردید؟ آیا حق دختر قهرمان من این بود که با بیش از ۱۰۰ مدال ورزشی بفرستیدش زیر خاک؟»
کامران بذرکار، وزنه بردار معترض یاسوجی به دست



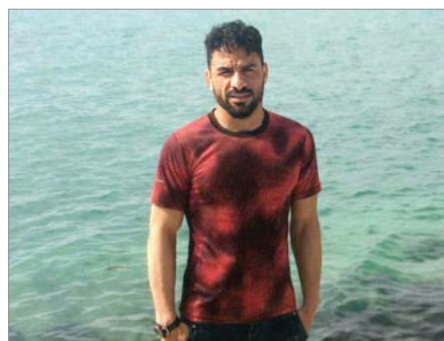
محمد احمدزاده

مشکل شده است». گرچه توماس باخ رییس کمیته بین‌المللی المپیک با الناز ارتباط تصویری برقرار کرد تا از سلامت وی پس از انتقالش به ایران اطمینان حاصل کند اما همزمان



امین بذرکار

بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. همزمان با شکنجه و اعدام نوید افکاری، امین بذرکار هم باشگاهی و دوست نوید نیز بازداشت شد. ده ماه بعد بقایای پیکر وی در کوهستان‌های استان فارس کشف و شناسایی شد.



نوید افکاری

ماموران سرکوبگر در نهم ژانویه ۲۰۲۳ به قتل رسید. او فقط ۲۵ سال داشت.
امیر نصر آزادانی فوتبال سابق تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز است. او در تظاهرات ضد حکومتی در شهر اصفهان دستگیر شد. قوه قضاییه جمهوری اسلامی بدون ارائه ادله



امیر نصر آزادانی

خانواده الناز تحت فشارهای امنیتی قرار گرفتند و فدراسیون ورزش‌های سعودی ایران نیز با چک ده میلیارد ریالی که برای ضمانت از الناز در اختیار داشت از تهدیدات دیگر علیه وی و خانواده‌اش به شمار می‌آمد.
محمد احمدزاده کاپیتان تیم ملی فوتبال ساحلی ایران که

احتمال افزایش قیمت بنزین؛ «مردم موش آزمایشگاهی شده‌اند؛ می‌خواهند جامعه آماده‌شود!»



مقامات دولتی کمبود بنزین در جایگاه‌های سوخت را تکذیب می‌کنند

یک حمله مسلحانه دیگر در شاهچراغ شیراز؛ احتمال سناریوسازی جمهوری اسلامی در آستانه سالگرد اعتراضات

● برخی منابع رسمی در ساعات نخست این حمله اعلام کردند تعداد مهاجمان دو نفر بودند و برخی منابع دیگر عامل حمله را یک نفر اعلام کردند. رئیس دادگستری استان فارس گفته چهار مظنون در رابطه با این حمله بازداشت شدند.

● گزارش‌های متناقضی درباره تعداد کشته‌شده‌ها و زخمی‌های این حمله منتشر شده است.

● با توجه به ویدئوها و گزارش‌های منتشر شده از این حمله، ابهامات بسیاری درباره آن مطرح شده به ویژه آنکه این دومین حمله به شاهچراغ شیراز در کمتر از یک سال است! چهارم آبان ۱۴۰۱ نیز در اوج اعتراضات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، این محل مورد حمله قرار گرفت که چندین کشته و زخمی برجای گذاشت و علیه افرادی که به عنوان متهمان آن حادثه دستگیر شدند، حکم اعدام و زندان صادر شد.

● آنچه در رسانه‌های اجتماعی در ارتباط با افکار عمومی ایرانیان بازتاب می‌یابد، بیانگر این است که دست خود حکومت در کار است تا در آستانه‌ی نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و شکل گرفتن جنبش ملی در ایران، حلقه‌ی سرکوب و خشونت خود را بیش از پیش به دور جامعه تنگ کند.

در پی حمله مسلحانه به شاهچراغ شیراز، مقامات حکومتی گروه تروریستی داعش را مسئول اعلام کردند. درباره تعداد تروریست‌ها، ویدئوهای منتشر شده و شمار زخمی‌ها و کشته‌شدگان ابهامات زیادی وجود دارد.

صحن شاهچراغ شیراز عصر روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۲ برای دومین بار طی کمتر از یک سال مورد حمله تروریستی قرار گرفت. به گفته کاظم موسوی رئیس کل دادگستری استان فارس «تا کنون و با تحقیقات صورت گرفته ۴ نفر مظنون مرتبط با این حادثه دستگیر شده‌اند.»

برخی منابع رسمی در ساعات نخست این حمله اعلام کردند مهاجمان دو نفر بودند و برخی منابع دیگر عامل حمله را یک نفر اعلام کردند. صداوسیما جمهوری اسلامی نیز ویدئویی از بازداشت یک فرد منتشر کرده است.

خرپرگزار «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گزارش داده در جریان این حادثه «یک تروریست که اسلحه به همراه داشته دستگیر شده و تروریست دیگر» فرار کرده و نیروهای امنیتی و پلیس در تعقیب او ←

سیاست‌های خود را اعمال کنند؛ بنابراین تصور من این است که احتمال افزایش قیمت بنزین وجود دارد.» وی با انتقاد از وضعیت بد مردم گفته «هر روز آزمون و خطا می‌کنیم و مردم گویی موش آزمایشگاهی شده‌اند؛ یک روز در بحث خودرو و روز دیگر در بحث سوخت و کالاهای اساسی تصمیمات متفاوتی را شاهد هستیم. انتقاد هم که می‌کنیم، می‌گویند شما ضدانقلاب شده‌اید.»

برخی منابع غیررسمی گزارش داده‌اند چند جایگاه سوخت در تهران تعطیل شدند و صف‌های طولانی برای جایگاه‌هایی که بنزین دارند ایجاد شده است. بنزین دریافتی دارندگان کارت سوخت به ماهیانه ۳۰ تا ۴۰ لیتر کاهش پیدا کرده است. برخی منابع گفته‌اند با افزایش مصرف بنزین، دولت طرح سقف سوختگیری را به اجرا گذاشته است.

خرپرگزارهای حکومتی برای نشان دادن اینکه وضعیت عادی است برای تصویربرداری از پمپ‌های بنزین فعال شده و فیلمبرداری و عکاس به جایگاه‌های سوخت اعزام کرده‌اند! جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی می‌گوید: «طی روزهای اخیر در سقف تولید بنزین و نفت هستیم و خوراک تمامی پالایشگاه‌ها تامین شده است. به شایعات افزایش قیمت بنزین توجه نکنید، هیچگونه افزایش قیمتی در سال جاری در دستورکار دولت و مجلس نیست. تنها محدودیتی روی برخی از کارت‌های سوخت گذاشتیم و این محدودیت تکلیف قانونی وزارت نفت است.»

تحلیلگران و کارشناسان اقتصادی اما می‌گویند دولت برای جبران کمبود بودجه مجبور است قیمت بنزین و گازوئیل را افزایش دهد. زمامداران نظام که نگران شعله‌ور شدن مجدد اعتراضات اجتماعی هستند مرتب به «خرپرمانی» مشغولند و تلاش می‌کنند افزایش قیمت ناگزیر بنزین را به گونه‌ای با چراغ خاموش پیش ببرند که «ناگهانی» نباشد تا بهانه به دست جامعه داده شود آنهم در نخستین سالگرد خیزش اعتراضی که به یک جنبش ملی علیه رژیم فراروید.

● مسئولان شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ادعا کرده‌اند «تعطیلی برخی از جایگاه‌ها به خاطر تعویض شیفت یا به‌روزرسانی جایگاه است که تعطیلی در حد چند دقیقه است و به سرعت برطرف می‌شود.»

● مصطفی رضاحسینی قطب آبادی عضو کمیسیون صنایع و معادن گفته «تصور من این است که بنزین را گران می‌کنند و آزمون و خطاها برای این بوده که جامعه را آماده کنند تا قیمت سوخت را افزایش دهند چون همانطور که در گذشته شاهد بودیم، در این شرایط، ارزیابی در جامعه انجام می‌دهند تا بتوانند سیاست‌های خود را اعمال کنند.» ● سقف کارت سوخت به هر نوبت ۳۰ تا ۴۰ لیتر بنزین کاهش پیدا کرد.

در واکنش به انتشار چند ویدئو از ایران در ارتباط با تعطیلی پمپ‌های بنزین به علت کمبود سوخت و احتمال افزایش قیمت بنزین، مدیرعامل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی روز یکشنبه ۲۲ مرداد مدعی شد «دولت هیچ برنامه‌ای در ارتباط با افزایش قیمت سوخت در جایگاه‌های عرضه سوخت ندارد.»

مسئولان شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ادعا کرده‌اند «تعطیلی برخی از جایگاه‌ها به خاطر تعویض شیفت یا به‌روزرسانی جایگاه است که تعطیلی در حد چند دقیقه است و به سرعت برطرف می‌شود.»

اما با وجود تکذیب مقامات دولت در مورد افزایش قیمت بنزین، مصطفی رضاحسینی قطب آبادی عضو کمیسیون صنایع و معادن در مصاحبه با وبسایت «شفقتنا» که عموماً اخبار مذهبی را پوشش می‌دهد گفته «تصور من این است که این کار را انجام می‌دهند و آزمون و خطاها برای این بوده که جامعه را آماده کنند تا قیمت سوخت را افزایش دهند چون همانطور که در گذشته شاهد بودیم، در این شرایط، ارزیابی در جامعه انجام می‌دهند تا بتوانند



قوه قضائیه جمهوری اسلامی یک ماه پیش در تیرماه اعلام کرد که دو عامل حمله ۴ آبان به شاهچراغ در ۱۷ تیر ۱۴۰۲ اعدام شدند. آن حمله نیز از ابتدا با ابهامات زیادی روبرو بود و حاشیه‌ها درباره آن تا مدت‌ها ادامه داشت.

افکار عمومی از نخستین لحظاتی که حمله ۴ آبان رخ داد، جمهوری اسلامی را عامل و مجری آن معرفی کردند که با انگیزه «تروریستی» جلوه دادن اعتراضات شهروندان و پایان دادن به خیزش مردمی چنین جنایتی را مرتکب شده است. سازمان حقوق بشر ایران روز پنجشنبه ۱۵ تیرماه و در واکنش به اظهارات رئیس کل دادگستری استان فارس که خبر از اجرای «قریب الوقوع» حکم اعدام محمد رامز رشیدی و نعیم هاشم قتالی داده بود اعلام کرد که «احکام صادر شده برای این دو متهم وجاهت قانونی ندارد» و مبنای آن «اعترافات اجباری» است.

محمود امیری مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران گفته بود که «این دو تبعه افغانستانی پس از یک محاکمه به شدت ناعادلانه بدون مدارکی که دال بر مجرمیت آنها باشد، به اعدام محکوم شده‌اند.»

مدیر سازمان حقوق بشر ایران تأکید کرده بود که این دو تبعه افغانستان «قربانیان کم‌هزینه ماشین اعدام جمهوری اسلامی هستند که حکومت با اعدام‌شان سعی می‌کند بر مسئولیت خود در فاجعه تروریستی شاهچراغ سرپوش بگذارد و از سوی دیگر، هراس‌افکنی کند.»

در بیانیه صادر شده از سوی سازمان حقوق بشر ایران آمده که «صداوسیماي جمهوری اسلامی روز هجدهم آذر ۱۴۰۱ گزارشی با عنوان «برای داعش» پخش کرد که در آن «اعترافات اجباری محمد رامز رشیدی همراه با سه شهروند تاجیک، یک ازبک و یک شهروند جمهوری آذربایجان» پخش شد اما «گزارش‌های محاکمه روز ۲۶ بهمن» متهمان این پرونده «نشان می‌دهند که محمد رامز رشیدی تنها متهم از آن مستند پخش شده بود و بقیه پنج متهم همگی تبدیل به شهروندان افغانستان» شده‌اند.

اکنون نیز در آستانه‌ی نخستین سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و از سر گرفته شدن اعتراضات سراسری و شکل گرفتن یک جنبش ملی و فراگیر که چشم جهان را به خود خیره ساخت، آنچه در رسانه‌های اجتماعی در ارتباط با افکار عمومی ایرانیان بازتاب می‌یابد، بیانگر این است که باز هم دست خود حکومت در کار است تا حلقه‌ی سرکوب و خشونت خود را بیش از پیش به دور جامعه تنگ کند.

سطح جامعه ایجاد کرده و هراس‌افکنی کند. به ویژه آنکه طرفداران حکومت و حزب‌اللهی‌ها تبلیغات خود را علیه خیزش ملی ایرانیان و همچنین خانواده مهسا امینی که به زودی در ۲۵ شهریور نخستین سالگرد قتل حکومتی وی فرا می‌رسد، تشدید کرده‌اند.

در پی این حمله تروریستی، سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور بامداد امروز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ به شیراز سفر کرد. او در این شهر گفته که «سال گذشته نیز شاهد همین اتفاق در حرم مطهر بودیم که گروهی از عزیزان شهید شدند و تمام مجامع بین‌المللی و کشورهای مدعی حقوق بشر سکوت کردند و همین سکوت و حمایت‌های آنها مروج اینگونه اعمال تروریستی است.»

ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم نیز در تماس با مسئولان محلی بر «به‌کارگیری همه امکانات درمانی برای مداوای مجروحان و همچنین شناسایی و تعقیب همه عوامل» تأکید کرده و به وزیر کشور مأموریت داده «ابعاد امنیتی» آن را بررسی و گزارش کند. کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی هم قرار است در اینباره تشکیل جلسه بدهد.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی امروز دوشنبه ۲۳ مرداد در جلسه علنی بدون ذکر نام گروه یا کشور خاصی درباره تیراندازی در شاهچراغ مدعی شد: «ناامن‌سازی کشور و برهم زدن آرامش مردم و مختل کردن زندگی روزمره مردم پروژه همیشگی دشمنان ملت ایران بوده که در هفته‌های اخیر شدت یافته اما با هوشیاری نیروهای امنیتی خنثی شده است.»

این دومین حمله مسلحانه به حرم شاهچراغ شیراز در ده ماه گذشته است. چهارم آبان ۱۴۰۱ نیز در یک حمله مسلحانه به این مکان ۱۳ نفر کشته و ۲۰ نفر مجروح شدند.

پرونده‌ی این حمله تروریستی با پنج متهم بسته شد که محمد رامز رشیدی و سید نعیم هاشمی قتالی به عنوان متهمان ردیف اول به اعدام و سه متهم دیگر به زندان محکوم شدند. به گفته رئیس کل دادگستری استان فارس محمد رحمانی به ۲۵ سال حبس، مصطفی جان‌امانی به ۱۵ سال و یک روز و حمیدالله کابلی به پنج سال حبس محکوم شدند. همچنین بر اساس ادعاهای جمهوری اسلامی، عامل اصلی این حمله در روز چهارم آبان در شاهچراغ مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در بیمارستان درگذشت.

این در حالیست که رئیس کل دادگستری استان فارس گفته است: «تا کنون حضور و نقش فرد دوم در این حادثه تروریستی ثابت نشده است و در حال بررسی ابعاد موضوع هستیم ضمن آنکه بازجویی از تروریست دستگیرشده در حال جریان است.»

خبرگزاری «تسنیم» نیز صبح روز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ در خبری اعلام کرده که تا کنون ۱۰ مظنون در این ارتباط از سوی نیروهای امنیتی استان فارس دستگیر شده‌اند و عملیات برای شناسایی سایر عوامل دخیل در این حادثه ادامه دارد.

این خبرگزاری در خبری دیگر مدعی شده که «شنیده‌های خبرگزاری تسنیم از منابع خود حاکی است که تروریست دستگیرشده‌ی روز گذشته، فردی به نام س. اسلم‌پار، تاجیک‌تبار و اهل ولایت بدخشان است.»

یدالله بوعلی فرمانده سپاه «فجر» استان فارس نیز به خبرگزاری دولتی ایرنا گفته است که فرد دستگیر شده «یک اسلحه و هشت خشاب همراه داشته است.»

وی همچنین گفته که که مهاجم از سمت بازار و از «درب باب‌المهدی وارد حرم می‌شود» و «بلافاصله اقدام به شلیک با اسلحه جنگی می‌کند.»

همچنین گزارش‌های متناقضی درباره تعداد کشته‌شده‌ها و زخمی‌های این حمله منتشر شده است. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که روز گذشته نخستین بار خبر این حمله را منتشر کرد از کشته شدن دو نفر از «خادمان حرم» خبر داده بود. خبرگزاری «ایرنا» ساعتی بعد تعداد کشته‌شدگان را چهار تن عنوان کرد اما در نهایت استاندار فارس از کشته شدن یک نفر خبر داد.

محمدهادی ایمانی استاندار فارس شامگاه گذشته به صداوسیماي جمهوری اسلامی گفت که «تا کنون یک نفر به شهادت رسیده و هفت نفر هم مجروح شدند.»

اسماعیل قزل سفلی معاون استاندار فارس اما ساعتی بعد اسامی «هشت» مجروح این حادثه را اعلام کرد و گفت: «در این حادثه تروریستی غلامعباس عباسی ۶۹ ساله از ناحیه قفسه سینه مجروح و به شهادت رسید. همچنین علی کاظمی کرمانی ۶۲ ساله مجروح [شد] و زهرا جاوید ۲۳ ساله بیهوش [شد] و سکنه کرد که به بیمارستان مسلمین شیراز منتقل شدند.»

معاون استاندار فارس افزوده بود که «محمدحسین مقدس ۲۵ ساله نیز بر اثر آسیب به کمر و قفسه سینه مصدوم، عیسی قدرتی ۴۱ ساله بر اثر اصابت تیر به پای چپ مجروح، محمد جهانگیری ۲۹ ساله بر اثر اصابت تیر به قفسه سینه مجروح، امین زارع ۲۳ ساله بر اثر اصابت تیر به صورت مجروح و مریم دادی ۵۹ ساله بر اثر اصابت تیر به قفسه سینه مجروح و به بیمارستان نمازی شیراز منتقل شدند. اسماعیل مقدس ۳۹ ساله نیز در این حادثه از ناحیه کتف راست مجروح و به بیمارستان شهید رجایی شیراز منتقل شده است.»

با توجه به ویدئوها و گزارش‌های منتشر شده از این حمله، ابهاماتی درباره‌ی این حادثه مطرح شده است. شیوه ورود فرد مهاجم به صحن شاهچراغ، عدم مهارت او در استفاده از اسلحه، گیر کردن اسلحه هنگامی که مهاجم قصد تیراندازی دارد، خبرهای ضد و نقیض درباره عوامل حمله، کشته‌شدگان و مجروحان از جمله ابهامات مطرح شده است. برخی معتقدند این حمله ممکن است سناریوی دیگری از سوی جمهوری اسلامی در آستانه سالگرد اعتراضات باشد تا بتواند با موج‌سازی، فضای امنیتی در

۲۶۹ شهر ایران در تنش آبی تهدید زندگی و سلامت ۱۵ میلیون نفر با مرگ دریاچه ارومیه



مرگ تدریجی دریاچه ارومیه

ندارند. در وضعیت اسفناکی هستیم از لحاظ آب، اصلاً قابل تعریف نیست. هیچ توجیهی هم ندارند. مابه شرمساری مطلق است که آب مردم را نتوانستیم تامین کنیم. به من گفتند سیاه‌نمایی نکن؛ گفتم این سیاه‌نمایی نیست، سیاه‌روغمایی است؛ از یک سیاهی موجود روغمایی می‌کنم. مسئله آب را رها نخواهیم کرد.»

مدیر عامل منطقه آزاد قشم افزوده که «۴۲ روستای جزیره در وضعیت فوق تنش آبی قرار دارند. آبفا می‌گوید بودجه محدودی دارم و در استان هرمزگان مسئله تنها قشم نیست. از آبفا درخواست کردیم مسئله آب جزیره را به منطقه آزاد قشم بسپارد؛ پیشنهاد ما این است؛ آبفا با بودجه اندک مسئله سایر نقاط استان را حل کند و کل مسئله آب قشم را با سرانه اعتباراتی که دولت برای قشم می‌دهد به منطقه آزاد بدهد. ما مشکل آب را حل می‌کنیم. اکنون آبفا باید تعیین تکلیف کند؛ اگر اینکار را نکند به معاونت حقوقی ریاست جمهوری مراجعه می‌کنم. این موضوع را با صراحت اعلام می‌کنم.»

وبسایت «تجارت فردا» هم در گزارشی با عنوان «زوال درخت مقدس» به خشکی درختان بلوط جنگل‌های زاگرس پرداخته و نوشته که «جنگل زاگرس، منطقه‌ای نیمه‌خشک در غرب ایران، بزرگ‌ترین جنگل بلوط جهان با مساحتی بیش از پنج میلیون هکتار است که بلوط ایرانی در آن غالب است. در این جنگل، بلوط به ذخیره و تنظیم منابع آب، حفظ خاک، کاهش تغییرات اقلیمی و بهبود شرایط اجتماعی- اقتصادی جوامع انسانی کمک می‌کند.»

در ادامه آمده که «این جنگل از نظر تنوع زیستی غنی است و زیستگاه گونه‌های متعددی از موجودات را فراهم می‌کند. از سال ۱۳۷۹ خشکسالی‌های مکرر در ایران به ویژه جنگل زاگرس رخ داده که به مرگ نگران‌کننده درختان عمدتاً بلوط ایرانی منجر شده است.»

این گزارش افزوده که «خشکسالی به عنوان مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در نظر گرفته می‌شود و به دنبال آن

به آنها هدایت می‌شود و امسال به حالت نیمه‌خشک درآمدند.

هرچند هاشم امینی مدعی شده که «مورد حادی برای تامین آب نداریم» اما بحران خشکسالی و کمبود آب در ایران جدی است.

محمد زمانیان رئیس موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر نیز امروز اعلام کرده که بر اساس گزارش مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی، ۹۷ درصد مساحت کشور با بحران خشکسالی دست به گریبان بوده و این وضعیت در حال تشدید است.

محمد زمانیان ادامه داده در حالی که «توسعه پایدار کشاورزی و ایجاد امنیت غذایی در گرو حفظ و بهره‌برداری بهینه از منابع سه‌گانه کشاورزی یعنی آب، خاک و منابع ژنتیکی است.»

به گفته رئیس موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر، «افزایش مصرف آب به دلیل توسعه صنایع، گسترش سطح زیرکشت محصولات آبی و تابستانه، افزایش مصارف شهری و صنعتی همراه با جمعیت رو به رشد، تغییر اقلیم و خشکسالی‌های پی در پی، دسترسی به آب باکیفیت در ایران را به شکل فزاینده‌ای کاهش داده و توانایی بخش کشاورزی کشور را در دستیابی به امنیت غذایی تحت‌تاثیر قرار داده است.»

عادل پیغامی مدیرعامل منطقه آزاد قشم نیز دوشنبه ۲۳ مرداد با «اسفناک» خواندن وضعیت آب جزیره قشم گفت مردم واقعا در عذاب هستند.

عادل پیغامی گفته «منزلی که من در یکی از روستاهای قشم ساکن هستم ۶۰ روز یکبار آب لوله‌کشی‌اش وصل می‌شود. در وضعیت فوق‌تنشی هستیم. خیلی بدتر از سیستان که سر و صدا کردند و خیلی بدتر از خوزستان که احشام‌شان آب نداشتند.»

او همچنین گفته مقامات از او خواسته‌اند درباره وضعیت آب جزیره قشم «سیاه‌نمایی» نکنند؛ «اینجا انسان‌ها آب

● سخنگوی صنعت آب ایران اعلام کرده که در حال حاضر ۲۶۹ شهر کشور دچار تنش آبی هستند.

● مدیرعامل منطقه آزاد قشم با «اسفناک» خواندن وضعیت آب این جزیره گفته ۴۲ روستای جزیره در وضعیت فوق‌تنش آبی قرار دارند و مردم واقعا در عذاب هستند.

● خشکی دریاچه ارومیه زندگی و سلامت ۶ تا ۱۵ میلیون نفر را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و موجی از بیماری‌های تنفسی، بحران‌های مهاجرتی و محیط زیستی ایجاد می‌کند.

سخنگوی صنعت آب ایران می‌گوید ۲۶۹ شهر کشور دچار تنش آبی است. خشکسالی به تهدیدی علیه جنگل‌های زاگرس تبدیل شده و اکنون کمترین تراز دریاچه ارومیه از سال ۱۳۴۳ ثبت شده است.

هاشم امینی سخنگوی صنعت آب ایران گفته که «۲۶۹ شهر دارای تنش آبی» در سطح کشور شناسایی و با اجرای پروژه‌های اولویت‌دار و اضطراری در این شهرها از اخلال در ارائه خدمات آبرسانی پیشگیری شد.

هاشم امینی همچنین نسبت به اینکه تابستان امسال در بسیاری از شهرهای کشور مشکل قطع آب وجود نداشته ابراز خوشحالی کرده است.

این در حالیست که بسیاری از شهرهای کشور از اواخر خردادماه با قطع آب چندین روزه روبرو شدند و بسیاری از روستاها نیز با تانکر آبرسانی می‌شوند.

هاشم امینی همچنین در گفتگو با خبرنگار «ایرنا» گفته که سد «دوستی» در مشهد در شرایط بحرانی است و سد «نهند» تبریز نیز از دست رفته و کاملاً خشک شده است. او افزوده که آب‌های زیرزمینی زنجان و طبس و «چاه‌نیمه‌ها» در سیستان و بلوچستان نیز در خطر نابودی قرار گرفته‌اند. «چاه‌نیمه» چهار چاله طبیعی بزرگ در استان سیستان و بلوچستان هستند که آب مازاد رود هیرمند توسط کانالی

انتقاد نماینده پارلمان آلمان از جوزپ بورل

رژیم ایران به روسیه پهیپاد می‌دهد و مردم را سرکوب می‌کند شما با آنها مذاکره می‌کنید!



دیدار جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و معاونش انریکه مورا با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در تهران / ۲۰۲۲

همان دولت‌هایی که پس از سرکوب خونین اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ وعده حمایت از مردم و جنبش آزادیخواهانه در ایران را داده بودند. در همین ارتباط نوربرت روتگن عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان آلمان در واکنش به گفتگوی تلفنی بورل و امیرعبداللهیان نوشته است «در حالی که آخوندها به روسیه اسلحه می‌فروشند و به ارباب مردم خود مشغولند، آلمان، بریتانیا و فرانسه و اتحادیه اروپا به نوبت با نمایندگان رژیم دربارہ برجام صحبت می‌کنند. پیامی که به رژیم می‌رسد اینست: فرقی ندارد چه می‌کنید، در هر حال ما با شماها گفتگو می‌کنیم. این پیام مرگبار است!»

با اینهمه اما امیرعبداللهیان از ادامه تحریم‌های اروپا علیه جمهوری اسلامی به شدت انتقاد کرده است. وی به بورل گفته «ادامه این وضع به نفع اروپا نیست.»

اسرائیل به عنوان اصلی‌ترین شریک اروپا در خاورمیانه به صورت مستقیم با تهدیدات جمهوری اسلامی روبروست. مقامات جمهوری اسلامی نفوذ اسرائیل روی رهبران غرب را عامل اصلی شکست مذاکرات اتمی برای «احیای برجام» می‌دانند. روزنامه «کیهان» چاپ تهران در گزارشی به «آب رفتن یک میلیارد دلار» از پول‌های بلوکه شده ایران در بانک کره جنوبی اشاره کرده و در انتقاد از اروپایی‌ها و دولت حسن روحانی می‌نویسد: «بعد از خروج آمریکا از برجام، دولت وقت ایران گمان می‌کرد اروپا به وعده‌هایی که داد، می‌تواند عمل کند و قرار نیست منابع نفتی ایران بلوکه شود، لذا همچنان می‌عانت به کره فروختیم و پولی دریافت نکردیم.»

سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا گزارش داده‌اند روسیه اکنون از پهیپادهای تهاجمی ساخت داخل در جنگ علیه اوکراین استفاده می‌کند. وزارت دفاع انگلیس اعلام کرد که این پهیپادها بر اساس پهیپادهای انتحاری «شاهد» ساخته شده است. در لندن می‌گویند که هدف مسکو احتمالاً خودکفایی در ماه‌های آینده است. با این حال، روسیه در حال حاضر همچنان به قطعات و تسلیحات کامل از ایران وابسته است که عمدتاً از طریق دریای خزر ارسال می‌شود.

● جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در توییتی نوشت درباره مسائل مختلف از جمله آزادی «زندانیان اروپایی» و «کاهش تنش» در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و ابتکارات مشترک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی صحبت کرده است.

● برخی منابع گزارش دادند که صربستان قصد خرید ۲۰ هزار فروند پهیپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» از ایران دارد.

● نوربرت روتگن عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان آلمان در واکنش به گفتگوی تلفنی بورل و امیرعبداللهیان نوشته است «در حالی که آخوندها به روسیه اسلحه می‌فروشند و به ارباب مردم خود مشغولند، آلمان، بریتانیا و فرانسه و اتحادیه اروپا به نوبت با نمایندگان رژیم دربارہ برجام صحبت می‌کنند. پیامی که به رژیم می‌رسد اینست: فرقی ندارد چه می‌کنید، در هر حال ما با شماها گفتگو می‌کنیم. این پیام مرگبار است!»

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه ۲۴ مرداد با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفتگوی تلفنی داشت.

بورل در توییتی نوشت درباره مسائل مختلف از جمله آزادی «زندانیان اروپایی» و «کاهش تنش» در ارتباط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و ابتکارات مشترک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با امیرعبداللهیان صحبت کرده است. به گزارش خبرگزاری فارس، امیرعبداللهیان آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران را مثبت ارزیابی کرده و گفته «در صورت اراده جدی طرف‌های مقابل، بازگشت همه طرف‌ها به توافق و تعهداتشان دور از دسترس نیست.»

هرچند بورل از مقامات جمهوری اسلامی خواسته ارسال پهیپاد به روسیه را متوقف کنند اما به نظر می‌رسد دو کشور اروپایی صربستان و بلاروس مشتری‌های جدید جمهوری اسلامی برای واردات تسلیحات و همکاری‌های نظامی هستند.

برخی منابع گزارش داده‌اند که صربستان قصد خرید ۲۰ هزار فروند پهیپاد انتحاری «شاهد ۱۳۶» از ایران دارد. صربستان پیش از این خریدار پهیپادهای «بیرقدار» ساخت ترکیه بود اما به علت اینکه همزمان کوزو این پهیپادها را خریداری می‌کرد واردات آن را متوقف ساخت و سراغ پهیپادهای ساخت جمهوری اسلامی رفت. هر دو طرف به دنبال تعمیق روابط اقتصادی خود هستند. اگرچه بلگراد اقتصاد قدرتمندی ندارد اما دست‌کم بخشی از پازل جنگ ترکیبی جمهوری اسلامی و روسیه علیه اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

سرازیر کردن «سیل پناهجویان» به سوی اتحادیه اروپا تاکتیکی است که رژیم ایران و روسیه با همکاری شرکای اروپایی خود از جمله بلاروس و صربستان به عنوان ابزاری برای فشار به دولت‌های اروپایی به کار می‌گیرند. همچنین «مؤسسه مطالعات جنگ» گزارش داد بلاروس به دنبال توافق با ایران برای تولید پهیپاد شاهد در کارخانه‌های در منطقه گومل در جنوب شرقی این کشور و در نزدیکی مرز اوکراین است.

با وجود ادامه همکاری‌های نظامی جمهوری اسلامی با دولت‌های نامطلوب اروپایی اما دولت‌های غربی همچنان پیدا و پنهان سیاست مماشات با رژیم ایران را ادامه می‌دهند.

کاهش سرعت فتوستنز، کاهش افزایش رشد سالانه، ضعیف شدن درختان و هجوم قارچ‌ها و سوسک‌های چوبی قرار دارد. در دهه‌های اخیر، جنگل‌های بلوط ایران علائم زوال بلوط را نشان داده‌اند که ناشی از تنش خشکی است.» روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی در رابطه با وضعیت دریاچه ارومیه نوشته در حالی که در خردادماه امسال، کمترین تراز دریاچه ارومیه از سال ۱۳۴۳ ثبت شده است، در روزهای پایانی مردادماه تراز آبی دریاچه به ۱۲۷۰ متر رسیده است؛ عددی که قبلاً با ۱۲۷۲ متر به عنوان وضعیت بحرانی گزارش شده است.

در این گزارش تأکید شده خشکی دریاچه ارومیه زندگی و سلامت ۶ تا ۱۵ میلیون نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجی از بیماری‌های تنفسی، بحران‌های مهاجرتی و محیط زیستی ایجاد می‌کند.

در ادامه این گزارش با اشاره به برگزاری نشست تخصصی «بررسی و آسیب‌شناسی آخرین وضعیت دریاچه ارومیه» به نقل از مهدی فصیحی هرندی پژوهشگر حکمرانی، دیپلماسی و سیاست‌گذاری آب آمده است «آنطور که عددها نشان می‌دهد، دریاچه ارومیه تنها ۵ درصد آب دارد؛ یعنی نزدیک به صفر. ما به زودی بستری کریستالی شده خواهیم داشت که دیگر عملاً قابلیت تبدیل شدن به دریاچه آب شور را ندارد.»

مهدی فصیحی هرندی با بیان اینکه «صحبت کردن درباره بحران دریاچه ارومیه دیگر بی‌معنی است» افزوده است: «خشک شدن دریاچه ارومیه تنها، بی‌آبی و خشکسالی نیست، آنچه خیلی دیر متوجه‌اش شدیم بی‌توجهی به جامعه پیرامونی آن منطقه است. باید این موضوع را به جامعه محلی اعلام کرد که برداشت بیش از اندازه آب منجر به چه مشکلاتی می‌شود. عمده دلیل خشک شدن دریاچه ارومیه، برداشت از آب‌های زیرزمینی است، اما تا زمانی که این مشکل حل نشود، نمی‌توان به راهکاری رسید.»

محسن موسوی خوانساری عضو هیئت‌مدیره انجمن آب و خاک پایدار ایران هم درباره وضعیت این دریاچه گفته که «ستاد احیای دریاچه ارومیه دستور توقف ساخت برخی از سد‌ها را گرفته بود. اما در دولت فعلی فعالیت ساخت چند سد را از سر گرفته‌اند که اقدام اشتباهی است. با وضعیت بیمارگونه‌ای که سد‌های آبی دارند، نباید این اتفاق می‌افتاد.»

بر اساس این گزارش، احسان هوشمند پژوهشگر مسائل اقوام نیز در این نشست گفته در چند دهه گذشته کشور با بحرانی مواجه بود که همواره در تصمیم‌گیری‌ها مسئله‌ساز بوده؛ آنچه فقدان نگاه ملی در سیاست‌گذاری‌ها است.

به عقیده احسان هوشمند، «تعارض منافع» و «بخشی‌نگری» از سوی مقامات حکومت از دیگر مشکلات حکمرانی است که یکی از نتایج آن وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه است. او گفته «ساختاری که درگیر فساد و تعارض منافع است، نمی‌تواند به چابکی مسائل خود را بشناسد؛ بخشی از این فساد به نظارت‌ها برمی‌گردد و مسئله هم تنها مربوط به نهادهای بومی و قضایی نمی‌شود. حدود ۲۵ سال است که مسئله ارومیه در اذهان عمومی ایجاد شده اما در این ۲۵ سال چه کارهایی انجام شده است؟ این پیچیدگی ساختاری به گونه‌ای نیست که بتوان برای آن افق مثلا ۵۰ ساله‌ای تعریف کرد و منابع کشور را در اختیار آن افق قرار داد. بردن و آوردن آب، گره‌گشایی نمی‌کند. اینها خطای کارشناسی در کشور است. شما این توهم را ایجاد می‌کنید که آب وجود دارد، بنابراین این روند موجود هم ادامه پیدا می‌کند. اما بعداً تنش ایجاد می‌شود، آنهم در منطقه‌ای که با هزاران بحران مواجه است.»

برگشت قانونی گشت ارشاد؛ تلاش برای محدودیت بیشتر جامعه پیش از سالگرد اعتراضات



گشت ارشاد اسلامی / عکس آرشیوی

هوشمند انجام می‌شود و تشکیل پرونده و احضار اتفاق می‌افتد. دو جا ضابط و پلیس درجا می‌توانند بازداشت کنند کسی که نیمه برهنه و برهنه بیرون آمده و کسی که متعرض بانوی محجبه شده باشد و درجا آن فرد دستگیر می‌شود.»

امیرحسین بانکی‌پور همچنین ۱۷ امرداد در اظهار نظر دیگری گفته بود که «ما با پدیده جدیدی در این یک سال اخیر روبرو شدیم و این لایحه قصد دارد جلوی ماندگار شدن این پدیده را بگیرد و این فلسفه لایحه بود. در یک سال اخیر و حوادث پیش آمده، در مجامع و مناظر عمومی ما شاهد سه پدیده کشف حجاب، بدپوششی و برهنگی بودیم. نقطه هدف این لایحه برخورد با عادی‌سازی این سه ناهنجاری است. منظور از بدپوششی، آن پوشش‌هایی است که در عرف ما مناسب نیست. بدپوششی از کشف حجاب هم بدتر است.»

نظرات این نماینده مجلس، نظر بسیاری از نمایندگان و مقامات جمهوری اسلامی برای برخورد با زنان و دخترانی است که حجاب تحمیلی و اجباری جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند.

ابراهیم رئیسی هم ۱۸ امرداد در همایش «بزرگداشت شهدای مدافع حرم» ادعا کرد که «خانواده شهدا» در راه آمدن به این همایش به او گفته‌اند که از وضعیت حجاب در جامعه نگران هستند. رئیسی زنانی را که به حجاب اجباری تن نمی‌دهند، «افراد غافل» خواند و افزود که «هیچ نگران نباشید» و «بداندین حتماً این بساط جمع خواهد شد.»

لایحه حجاب عفاف مورد بررسی در مجلس شورای اسلامی اواخر سال گذشته از سوی قوه قضاییه تدوین و به دولت ارائه شد. این لایحه به سرعت در هیئت دولت سیزدهم تأیید و برای قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی راه یافت.

نیروهای «انقلابی» حاضر در مجلس یازدهم ←

در یک جمله یعنی روز از نو، روزی از نو!»
در بخشی از این مطلب آمده که «لایحه عفاف و حجاب، لایحه‌ای مملو از شبهه و ایراد، هم از منظر اهل فن حقوق و هم اجتماع، راهی خانه ملت شد تا نمایندگان مردم با شور و نظر نسبت به آینده آن تصمیم‌گیری کنند. لایحه‌ای که خود به تنهایی تمام شاخصه‌های بی‌میلی و توجهی جامعه نسبت به خودش را داشت، از جرائم سنگین و عجیب تا نامشخص بودن پشتوانه علمی و پژوهشی که مبنای نگارش هر طرح و لایحه‌ای است.»

در بخش دیگری از این مطلب آمده که «ماجرای لایحه عفاف و حجاب اینطور شده که اینهمه تحلیل و بررسی و کشف ایراد و انتقاد و ارائه پیشنهاد، سرآخر بجای اینکه آن قبلی را سر و سامانی بدهند، یک چیزی هم رویش گذاشتند و بد را بدتر کردند.»

ابوالقاسم رحمانی نوشته که «آنقدر آش مواجهه قانونی با بی‌عفتی در جامعه را شور کردند که یکی از نویسندگان و چهره‌های اصلی لایحه نخست هم آن را گردن نمی‌گیرد و به دستکاری‌های مجلس هم منتقد است چرا که چنین لوایح و طرح‌هایی با این محتوای عجیب هیچ توجهی به جامعه نمی‌کند و بجای ترمیم شکاف‌های ایجاد شده، تیشه را به ریشه جامعه بیشتر فرو می‌برد.»

امیرحسین بانکی‌پور نماینده‌ای که بر اساس ادعای «فرهیختگان» بازگشت گشت ارشاد به خیابان‌ها و برخورد مأموران آن با زنان را در لایحه جدید حجاب و عفاف گنجانده بیشتر و در ۱۴ امرداد گفته بود که مجازات‌ها را در لایحه حجاب چنان «سخت» تعیین شده که بعد از ابلاغ و اجرای آن به ندرت زنان بدون حجاب در خیابان‌ها حضور یابند «مگر کسانی که اصرار به عناد دارند و باید با آنها برخورد محکمی انجام شود.»

او همچنین گفته بود که «همه جرمه‌ها به صورت

● نمایندگان حاضر در کمیسیون بررسی لایحه حجاب و عفاف بازگشت گشت ارشاد به خیابان‌ها و اختیار ویژه مأموران انتظامی با زنانی را که پوشش اختیاری دارند در این لایحه گنجانده‌اند.

● همچنین عده‌ای از حکومتی‌ها معتقدند نیروهای لباس شخصی یا افرادی تحت عنوان «آمر به معروف» و «حجاب‌بان» بدون دخالت نظامی نیروی انتظامی و گشت ارشاد نتیجه‌بخش نخواهد بود!

● نمایندگان تندرو برنامه قانونی کردن هرچه سریع‌تر این لایحه را پیش می‌برند تا پیش از آغاز سالگرد اعتراضات سال گذشته، با توسل به مواد و تبصره‌های این لایحه فضای اجتماعی بیش از پیش محدود شود.

کمیسیون حقوق و قضایی مجلس شورای اسلامی بازگشت اتومبیل‌ها و نیروهای رسمی گشت ارشاد و اعطای اختیار برای «برخورد خیابانی» با زنانی را که پوشش اجباری و تحمیلی جمهوری اسلامی را رعایت نمی‌کنند، در لایحه جدید «حجاب و عفاف» گنجانده است.

«روزنامه فرهیختگان» وابسته به دانشگاه آزاد و نزدیک به اصولگرایان با اشاره به آخرین تغییرات در لایحه حجاب، خبر داد که کمیسیون حقوق و قضایی مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی این لایحه «گشت ارشاد را برگردانده» و به نیروهای انتظامی اختیار «برخورد خیابانی با زنان» را داده است.

در این مطلب که به قلم ابوالقاسم رحمانی دبیر گروه «جامعه» فرهیختگان نوشته شده آمده که «خبری از مجلس رسیده مبنی بر اینکه امیرحسین بانکی‌پور، رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس با ایجاد تغییراتی در لایحه عفاف و حجاب علی‌رغم کاهش میزان جرائم، دوباره پای پلیس را به مسئله باز کرده و این

«تسنیم» به نقل از «منابع امنیتی»: اعضای سازمان مجاهدین از آلبانی به کانادا منتقل می‌شوند



اعضای سازمان مجاهدین در «اشرف ۳» کمپ تیرانا

کانادا نوشته «دولت کانادا که سیاست دشمنی با ایران را در سال‌های اخیر دنبال کرده است، به محلی برای پناه دادن به اختلاسگران بزرگی نظیر محمود خاوری و جریان‌های دشمن ایران تبدیل شده بود که حالا به نظر می‌رسد قرار است به پناهگاه جدید شناخته‌شده‌ترین گروهک تروریستی علیه ایران نیز تبدیل شود.» این سخنان در حالیست که خانواده‌های مقامات جمهوری اسلامی سال‌هاست کانادا به مقصد کار و زندگی و تجاری خودشان و فرزندان‌شان تبدیل شده است.

مأموران پلیس آلبانی ۲۰ ژوئیه (۳۰ خرداد) با حکم قضایی برای بازرسی به کمپ «اشرف ۳» واقع در منطقه مانزا در دوس رفتند که منجر به درگیری مجاهدین با آنها شد.

منابع خبری گزارش دادند پلیس آلبانی سروهایی را در این اردوگاه یافته که از آنها برای حملات سایبری به مؤسسات کشورهای خارجی استفاده می‌شده و هدف دستگاه قضایی آلبانی از بازرسی نیز درواقع کشف «مرکز هک در کمپ» و توقیف سروهایی آن بوده است.

وزارت کشور آلبانی گفته بود سازمان مجاهدین خلق برای سکونت اعضایش در این کشور تعهداتی را متقبل شده بود که به آنها پایبند نبوده است. همزمان با آن بازرسی ویدئوهایی منتشر شد که نشان می‌داد اعضای این سازمان مشغول آتش زدن اسناد و مدارک هستند.

همچنین دولت آلبانی یک هفته پیش از این اعلام کرده بود ورود مریم رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق به این کشور تا اطلاع ثانوی ممنوع است.

دلیل این تصمیم بطور رسمی اعلام نشد ولی گمان می‌رود که حضور مریم رجوی در خاک آلبانی به عنوان خطری علیه امنیت ملی این کشور ارزیابی شده است.

● خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از «یک منبع امنیتی» گزارش داد سران مجاهدین خلق در حال تدارک مقدمات کار برای انتقال اعضای این گروه از آلبانی به کانادا هستند.

● گفته می‌شود این تصمیم پس از فشارهای شدید دولت آلبانی بر این سازمان و مذاکرات ناکام مجاهدین با فرانسه برای انتقال به آنجا گرفته شده است.

● در گزارش «تسنیم» آمده سازمان مجاهدین طبق هماهنگی شکل‌گرفته در مرحله اول افراد دارای اقامت یا پاسپورت موقت کانادایی از آلبانی به این کشور منتقل می‌شوند.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب ۲۱ مرداد به نقل از «یک منبع امنیتی» گزارش داد سران مجاهدین خلق در حال تدارک مقدمات کار برای انتقال اعضای این گروه از آلبانی به کانادا هستند.

● گفته می‌شود این تصمیم پس از فشارهای شدید دولت آلبانی بر مجاهدین و مذاکرات ناکام این سازمان با فرانسه برای انتقال به آنجا گرفته شده است.

همان منبع امنیتی توضیح داد «این تصمیم در پی عزم جدی دولت و دادگاه ویژه ضدتروریسم آلبانی بر محدود کردن این گروهک به دلیل مستندات کشف‌شده در مقر اشرف ۳، گرفته شده است و سران آن در حال فراهم کردن مقدمات خروج تدریجی اعضای خود هستند.»

در گزارش «تسنیم» آمده سازمان مجاهدین طبق هماهنگی شکل‌گرفته در مرحله اول افراد دارای اقامت یا پاسپورت موقت کانادایی از آلبانی به این کشور منتقل می‌شوند. «تسنیم» با اشاره به انتقال احتمالی اعضای مجاهدین به

شماری از اعضای فراکسیون انقلاب اسلامی روز یکشنبه ۱۵ مرداد موفق شدند در جلسه غیرعلنی موافقت اکثر نمایندگان را برای بررسی این لایحه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جلب کنند.

بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود.

روزنامه «شرق» در اینباره گزارش داده بود که در جلسه‌ای توجیهی و غیرعلنی که ساعت ۶:۳۰ صبح روز یکشنبه برگزار شد، فراکسیون اکثریت یا همان فراکسیون انقلاب اسلامی موفق شدند همراهی اعضا را برای اصل ۸۵ شدن لایحه جلب کنند. به عبارتی در رأی استمراری در جلسه غیرعلنی فراکسیون انقلاب، آن را به صحن علنی بکشاند و نظر موافق ۷۳ درصد حاضران را با خود همراه کند.

روزنامه «شرق» در ادامه نوشته با این اقدام تصویب لایحه حجاب و عفاف را به «کمیسیونی متشکل از کمیسیون فرهنگی و قضایی می‌سپارند تا همان افرادی که لایحه حجاب دولت را از ۱۵ ماده به ۷۰ ماده رساندند و طبق پیشنهادات مطرح‌شده بیم آن می‌رود ۱۰ تا ۱۵ درصد بیشتر بر شدت مجازات‌های تعیین‌شده بیفزایند، این قانون را تصویب و بعد برای اجرا ابلاغ کنند.»

لایحه حجاب و عفاف هنوز تصویب و به قانون تبدیل نشده اما سازمان‌ها و نهادهای مختلف جمهوری اسلامی در حال پیشبرد اهداف آن هستند. از جمله استخدام ۴۰۰ تن با عنوان عجیب «حجاب‌بان» و با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان و مزایای «سختی کار» برای فعالیت در متروها توسط شهرداری تهران.

اینهمه در حالیست که همچنان عده‌ای از حکومتی‌ها معتقدند نیروهای لباس شخصی یا افرادی تحت عنوان «امر به معروف» و «حجاب‌بان» بدون دخالت نظامی نیروی انتظامی و گشت ارشاد نتیجه‌بخش نخواهد نبود!

در همین رابطه مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران ۱۷ مرداد چند روز پس انتشار خبر تصمیم شهرداری تهران برای استخدام «حجاب‌بان»‌ها گفت: «تا نیروی انتظامی نباشد، گذاشتن این افراد در مترو به نتیجه نمی‌رسد، مگر اینکه نیروی انتظامی هم باشد.»

از سوی دیگر به نظر می‌رسد با وجود مخالفت‌هایی که چند نماینده مجلس به شیوه بررسی لایحه حجاب و عفاف دارند، نمایندگان تندرو برنامه قانونی کردن هرچه سریع‌تر این لایحه را پیش می‌برند تا پیش از آغاز سالگرد اعتراضات سال گذشته، با توسل به مواد و تبصره‌های این لایحه فضای اجتماعی بیش از پیش محدود شود.

در همین رابطه موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی روز گذشته، جمعه ۲۰ مرداد، گفته است «کسانی هستند که نمی‌خواهند لایحه حجاب به سرانجام برسد.»

رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «وضعیت فعلی یعنی ولنگاری‌ها و دخترانی که از روی غفلت و بی‌توجهی مرتکب این کارها می‌شوند ادامه یابد» افزوده که «عده‌ای القاء می‌کنند قانون حجاب در شرع و قانون نبوده؛ در حالی که وجود دارد و تمام اینها جو رسانه‌ای است.»

موسی غضنفرآبادی مدعی شده که «ما هم دلمان می‌سوزد و شرع را بلد هستیم، در حوزه، دانشگاه و قانونگذار بودیم و اگر در برابر این جو سازی‌هایی که دیگران ایجاد می‌کنند کمی دقت کنند حتما این اوضاع جمع می‌شود.»

ملی پوش تیم دوچرخه سواری هتل محل اقامت تیم ملی در اسکاتلند را ترک کرد؛ پناهندگی یک ورزشکار دیگر؟



منتشر کرده بود. در این گزارش با اشاره به شمار «چشمگیر و تأثیرانگیز» تعداد ورزشکاران پناهنده شده آمده بود که «آیا وزارت ورزش و دولت ایران برنامه‌ای برای رفع مشکلات ورزشکاران نخبه کشور و جلوگیری از مهاجرت و پناهندگی آنها دارد؟»

رشته‌های تکواندو و شطرنج، هر کدام با ۹ ورزشکار، در صدر لیست مهاجرت ورزشکاران قرار دارند و کشتی و جودو و دیگر ورزش‌ها به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. همچنین کشور آلمان با ۱۵ مورد پذیرش پناهندگی ورزشی، مهم‌ترین مقصد مهاجرت ورزشکاران بوده و کشورهای آمریکا، فرانسه و جمهوری آذربایجان نیز مقصدهای دیگری هستند که تعداد قابل توجهی از ورزشکاران حرفه‌ای ایران به آنها مهاجرت کرده‌اند.

در یکی از آخرین نمونه‌های پناهندگی ملی‌پوشان، بهمن‌ماه گذشته عاطفه احمدی ۲۱ ساله پرچمدار کاروان ایران به المپیک زمستانی پکن اردوی تیم ملی را ترک کرد و به آلمان پناهنده شد.

خبرگزاری «مهر» پس از اعلام پناهندگی عاطفه احمدی در گزارشی نوشت که ورزشکاران پناهنده شده سه دلیل اصلی برای مهاجرت خود اعلام کرده‌اند که به ترتیب آمار «نارضایتی از فدراسیون، اختلافات و توسعه ورزش حرفه‌ای» در رتبه اول، «موضوعات عقیدتی از جمله مسئله حجاب و عدم رویارویی با حریف اهل رژیم اشغالگر» در رتبه دوم و «مسائل شخصی و خانوادگی» در رتبه سوم قرار می‌گیرد. در این میان تنها یک ورزشکار با اظهار دلیل «تغییر دین» به کشوری دیگر پناهنده شده است.

لباس جدید نگرفتیم و بنابراین من به اجبار با لباس پارسال مسابقه دادم.»

او افزوده بود که «لباس جدید هم وجود داشت اما کیفیت‌اش صفر بود و حتی بخش‌هایی از آن بدن را زخم می‌کرد و اندازه نیست. به همین دلیل ترجیح دادم لباس سال قبل را بپوشم.»

گنج خانلو همچنین برای شرکت در مسابقات کلاه قرض کرده بود: «حتی من کلاه دوچرخه‌سواری را از دوستانم قرض گرفتم. ما بجز دوچرخه و تجهیزات حتی کلاه و لباس استاندارد هم نداریم.»

در سال‌های گذشته موج پناهندگی ورزشکاران و ملی‌پوشان رشته‌های مختلف ورزشی در دیگر کشورها با افزایش روبرو بوده است. محدودیت‌های ایدئولوژیک برای ورزشکاران زن و مرد از جمله فشار به زنان برای رعایت پوشش اسلامی و اجبار ورزشکاران به باخت عمدی برای عدم رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی از دلایل سرخوردگی و اعلام پناهندگی این ورزشکاران بوده است.

عدم امکانات لازم برای تمرین و آماده‌سازی، و فساد مالی و ساختاری در فدراسیون‌ها نیز از جمله دیگر انگیزه‌های ورزشکاران و ملی‌پوشان برای پناهندگی به دیگر کشورها و مهاجرت به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش‌های مستند شده طی یک دهه گذشته ۷۸ ورزشکار ملی‌پوش زن و مرد به دیگر کشورها پناهنده شده‌اند.

روزنامه ورزشی «گل» در بهمن‌ماه گذشته در گزارشی اسامی ورزشکاران و چهره‌های ورزشی پناهنده ایرانی را

● رئیس فدراسیون دوچرخه‌سواری: محمد بدون اطلاع شب گذشته از هتل خارج شده و نگران او هستیم... به اتاق محمد وارد شدیم و متوجه شدیم او کلیه وسایل‌اش را برده است.

● محمد گنج خانلو بهمن گذشته درباره امکانات تیم ملی در مسابقات آسیایی از لباسی گفته بود که کیفیت‌اش صفر بود و بدن را زخم می‌کرد. او همچنین برای شرکت در مسابقات آسیایی کلاه قرض کرده بود!

● بر اساس گزارش‌های مستند شده طی یک دهه گذشته ۷۸ ورزشکار ملی‌پوش زن و مرد به دیگر کشورها پناهنده شده‌اند.

محمد گنج خانلو ملی‌پوش تیم دوچرخه‌سواری ایران شامگاه شنبه ۲۱ مرداد هتل محل اقامت تیم ملی در اسکاتلند را ترک کرده است. هنوز خبر رسمی از اعلام پناهندگی این ورزشکار منتشر نشده اما فدراسیون دوچرخه‌سواری تأیید کرده که او همه وسایل‌اش را با خود برده است.

فدراسیون دوچرخه سواری ایران روز گذشته اعلام کرد که محمد گنج خانلو که برای شرکت در مسابقات قهرمانی دوچرخه‌سواری جهان به اسکاتلند رفته بود «بدون اطلاع» هتل محل اقامت تیم ملی کشورش را ترک کرده و از او خبری نیست.

رسول اسدی رئیس فدراسیون دوچرخه‌سواری در اینبار گفته است: «محمد بدون اطلاع شب گذشته از هتل خارج شده و نگران او هستیم. بلافاصله از طریق نماینده اتحادیه جهانی و پلیس اسکاتلند به محل اتاق محمد وارد شدیم و متوجه شدیم او کلیه وسایل‌اش را برده است.»

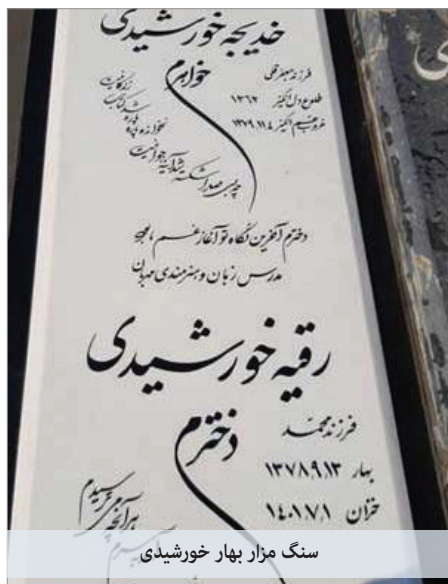
او همچنین گفته: «گذرنامه گنج خانلو در اختیار ما قرار دارد و امیدواریم برای او اتفاق خاصی نیفتاده باشد. البته موضوع از طریق وزارت ورزش و وزارت امور خارجه به کاردار کشورمان اطلاع داده شده است و با توجه به مهلت زمان ویزایش امیدواریم محمد گنج خانلو به کشورمان بازگردد.»

مسابقات دوچرخه‌سواری قهرمانی جهان باز ۱۲ مردادماه در گلاسکو پایتخت اسکاتلند آغاز شد و تیم ملی ایران با دو ورزشکار زن و مرد در این مسابقات شرکت کرد. محمد گنج خانلو در بخش استقامت جاده در ماده «تایم تریل» در رده شصت و ششم جهانی قرار گرفت.

این ورزشکار دو ماه پیش در جریان دوچرخه‌سواری قهرمانی آسیا در حالی که مدال طلا دریافت کرده بود، از امکانات و تجهیزات آماده‌سازی و حضور در مسابقه شکایت کرده و در گفتگو با خبرنگاران گفته بود که «فاصله تجهیزاتی ما با آسیایی‌ها خیلی زیاد است و هیچ جوهر نزدیک آنها نیستیم. حتی این فاصله شامل لباس هم می‌شود و داستان جریمه ۲۵۰ فرانکی لباس هم از این قضیه آب می‌خورد و نبود لباس هماهنگ. من لباس پارسال را در مسابقه پوشیدم.»

او که بهترین رکاب‌زن مرد تیم ملی ایران شناخته می‌شود گفته بود که «لباس جدید داده‌اند اما برای مسابقه استقامت و حالت شکاف باد یا آیروپینامیکی را ندارد و جیب و زیپ دارد اما لباس پیست کاملاً تخصصی است. امسال

بازنشر یک گزارش برای یادآوری به خانواده‌ها: سکوت نکنید! بهار خورشیدی دختری که پس از حمله مأموران به خانه‌شان به پایین پرت شد و جان باخت!



● کیهان لندن در دی ماه ۱۴۰۱ که نخستین گزارش را درباره قتل این دختر جوان منتشر کرد، تلاش نمود تا با خانواده او تماس بگیرد اما هیچکدام حاضر به گفتگو نشدند!

● «یک فرد نزدیک به خانواده بهار خورشیدی در ارتباط با قتل این دختر جوان به کیهان لندن می‌گوید: «در اوایل مهرماه بود که متوجه شدیم یک نفر در محله ما از ساختمان خانه‌شان به پایین پرت شده است. همه می‌گفتند به یک خانه حمله کرده‌اند و یک دختر را به پایین پرت کرده‌اند.»

● «برادر کوچک بهار شاهد همه چیز بوده و گفته که مأموران امنیتی به خانه آنها حمله کردند. بهار برای فرار از دست آنها به سمت پنجره رفت و آنها او را به پایین پرت کردند. از آنجا که پایین پنجره تعدادی درخت بود بهار ابتدا روی یکی از درختان افتاد و بعد روی زمین پرت شد. وقتی بهار را به بیمارستان منتقل کردند چند ساعت بعد بر اثر خونریزی داخلی از دنیا رفت.»

● «خانواده بهار را آنقدر تحت فشار قرار دادند که آنها رباط کریم را ترک کرده و به شهری در استان مازندران نقل مکان کردند.»

نخستین گزارش درباره کشته شدن بهار خورشیدی در رباط کریم در دی ماه ۱۴۰۱ در کیهان لندن منتشر شد. آن زمان یکی از نزدیکان این دختر جوان و هنرمند اطلاعاتی را درباره وی و جان باختن‌اش پس از یورش مأموران امنیتی به خانه‌شان در اختیار کیهان لندن قرار داد. اما خانواده‌اش آن زمان حاضر نشدند درباره جنایتی که بر دخترشان رفته است با رسانه ما سخن بگویند. به تازگی پس از شش ماه بعد از آن گزارش و ۱۱ ماه پس از مرگ فجیع وی گویا یکی از رسانه‌های خارج کشور با «نزدیکان» و «شاهدان عینی» درباره «بهار» گفتگو کرده است. در این میان، تنها توصیه‌ای که به خانواده‌های زندانیان سیاسی و معترضان اسیر و جانب‌اختگان و گمشدگان اعتراضات می‌توان کرد این است که: درباره عزیزان خود سکوت نکنید! هیچ عدالتی با سکوت به دست نمی‌آید! هدف فشارهای امنیتی جز سکوت خانواده‌ها و پنهان ماندن جنایات رژیم نیست. گزارش دی‌ماه کیهان لندن را در ادامه می‌خوانید.

بهار (رقیه) خورشیدی فرزند ارشد محمد خورشیدی متولد ۱۳ آذر ۱۳۷۸ در تهران، فارغ التحصیل رشته ترجمه زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد «اسلامشهر» (شادشهر)، دانشجوی کارشناسی ارشد، مترجم، معلم زبان و نقاش ساکن رباط کریم بود که در ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۱ پس از یورش مأموران امنیتی به محل زندگی خانواده‌اش، از پنجره طبقه چهارم آپارتمان در شهرستان رباط کریم به پایین پرت شد و پس از انتقال به بیمارستان به دلیل خونریزی داخلی جان سپرد.

کیهان لندن برای پیگیری قتل این دختر جوان تلاش کرد با خانواده او تماس بگیرد اما هیچکدام حاضر به گفتگو نشدند.

یک فرد نزدیک به خانواده بهار خورشیدی در ارتباط با قتل این دختر جوان به کیهان لندن می‌گوید: «در اوایل مهرماه بود که متوجه شدیم یک نفر در محله ما از ساختمان خانه‌شان به پایین پرت شده است. همه می‌گفتند به یک خانه حمله کرده‌اند و یک دختر را به پایین پرت کرده‌اند. ما ابتدا نمی‌دانستیم که آن دختر بهار بوده، تا در نهایت چند نفر از همسایه‌ها و دوستان به ما اطلاع دادند که آن دختر بهار بوده و کشته شده. ما پیگیری کردیم ولی هیچ خبری نبود چون همگی اعضای خانواده‌اش را تهدید کرده بودند و آنها هم از رباط

تعریف کرد. پدر بهار هم به سرعت برای پیگیری موضوع بازداشت همسر و دخترش از خانه خارج شد و بهار را با برادر کوچکترش در خانه تنها گذاشت تا به سراغ همسر و دخترش برود. غافل از اینکه مأموران امنیتی پس از رفتن پدر به سرعت خود را به آپارتمان آنها رساندند و داخل شدند.»

او در ادامه با بغض می‌گوید: «برادر کوچک بهار شاهد همه چیز بوده و گفته که مأموران امنیتی به خانه آنها حمله کردند. بهار برای فرار از دست آنها به سمت پنجره رفت و آنها او را به پایین پرت کردند. از آنجا که پایین پنجره تعدادی درخت بود بهار ابتدا روی یکی از درختان افتاد و بعد روی زمین پرت شد. وقتی بهار را به بیمارستان منتقل کردند چند ساعت بعد بر اثر خونریزی داخلی از دنیا رفت. مأموران امنیتی در طول این مدت به خانه آنها و مادر بزرگ او رفتند و خواهر و مادر بهار را بازداشت کردند و آنها را تهدید به سکوت کردند و بعد از چند ساعت آنها را آزاد کردند.»

این فرد آشنا با خانواده بهار خورشیدی اضافه می‌کند: «البته چند نفر از همسایه‌ها هم شاهد این اتفاق بوده‌اند، چون در چندین محله این خبر به سرعت پخش شد که بهار را کشته‌اند و حتی یک اسلحه در کشوی میز آینه اتاق بهار جاسازی کردند تا پرونده خانواده را سنگین‌تر کنند. خانواده بهار هم به خاطر همین تهدیدهای مأموران امنیتی و از ترس هیچ حرفی نزدند و در نهایت مجبور به نقل مکان به یک شهر دور در شمال ایران شدند.»

بهار خورشیدی که نقاشی‌های خود را در صفحه اینستاگرام‌اش به اشتراک می‌گذاشت در معرفی خود به انگلیسی نوشته است: «من نقاشی میکنم. شما به افرادی مثل من نیاز دارید تا بتوانید انگشتان لعنتی خود را به سوی او بگیرید و بگویید: این آدم بد است!»

مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در موارد متعددی که شهروندان جوان و معترضان را کشته‌اند، ادعا کرده‌اند که یا آنها خودشان به پایین پرت شده‌اند و یا به قصد خودکشی خود را به پایین پرتاب کرده‌اند.

*این گزارش نخستین بار ۲۰ دی ۱۴۰۱ در کیهان لندن منتشر شد.

کریم به شمال رفته بودند. حتی چند نفر از پسرهای همسایه را فرستادیم که با همسایه‌های آنها در آن ساختمان صحبت کنند؛ ابتدا موافقت کردند ولی بعداً هیچ حرفی نزدند که فهمیدیم آنها هم تهدید شده‌اند. مادرش بعد از چند هفته، چند وقت پیش جواب ما را داد ولی اصلاً هیچ حرفی در مورد کشته شدن بهار نزد. وقتی از او در مورد بهار پرسیدیم فقط می‌گفت «بهار مُرد!» او می‌گفت خواهر بهار ریحانه کلاً لال شده و هیچ حرفی نمی‌زند. البته دلیل‌اش را به ما نگفت ولی مسلماً به خاطر شوک ناشی از کشته شدن خواهرش قادر به صحبت کردن نیست.»

این فرد آشنا به خانواده بهار خورشیدی ادامه می‌دهد: «ما در تلاش بودیم موضوع کشته شدن بهار را رسانه‌ای کنیم ولی هیچ مدرکی برای اثبات ادعای خود نداشتیم، حتی نمی‌دانستیم در کدام قبرستان بهار را دفن کرده‌اند، چون حتی در منطقه خودمان هم او را دفن نکردند. مراسم تشییع پیکر او روز دوم مهرماه در صالحیه امامزاده باقر، روستایی از توابع بخش گلستان شهرستان بهارستان انجام شد.

در روز مراسم خاکسپاری هم تعداد زیادی لباس شخصی و مأمور امنیتی در محل خاکسپاری بهار حضور داشتند و به خانواده هشدار می‌دادند که «زیاد بزرگش نکنید!» بعد از مراسم هم از آگاهی و نیروهای امنیتی اعضای خانواده را برای پرونده بهار احضار می‌کردند. این فشارها آنقدر به آنها زیاد شد که در نهایت از رباط کریم به یکی از شهرهای استان مازندران نقل مکان کردند.»

به گفته وی، «در نهایت به واسطه یکی از نزدیکان خانواده متوجه شدیم ماجرا از این قرار بوده که بهار و خواهرش در یکی از روزهای پایانی شهریورماه وقتی داشتند برای شعارنویسی و چسباندن اعلامیه بر دیوارها به خیابان می‌رفتند نمی‌دانستند که در بیرون خانه تحت نظر مأموران امنیتی بوده‌اند تا اینکه یکی از همان روزها بهار و ریحانه وقتی همراه با مادرشان در بیرون خانه بودند با حمله مأموران امنیتی مواجه می‌شوند. ریحانه به محض اینکه متوجه حضور مأموران شد به سرعت بهار را فراری داد و بهار به سمت خانه فرار کرد. بهار موضوع حمله مأموران امنیتی را برای پدرش

صحن علنی دور زده شد؛ لایحه حجاب و عفاف از کمیسیون مستقیم به شورای نگهبان می‌رود



شورای نگهبان حتی نظر و رأی همکاران نماینده خود را هم حذف کرده‌اند اما اکنون لاف دعوت از نخبگان و صاحب نظران را می‌زنند!

موافقان هشتادوپنجمی شدن لایحه حجاب معتقدند ثبت بیش از ۱۶۰۰ اصلاحیه توسط ۵۹ نماینده منتقد به این لایحه به معنای «عدم تصویب» لایحه در صورت آورده شدن به صحن علنی است و تصویب لایحه در کمیسیون را راه حل مناسبی برای تصویب فوری و پشت پرده آن ارزیابی می‌کنند.

غلامرضا نوری قزلقچه از جمله نمایندگانی که از روز نخست مخالفت شدیدی با «هشتادوپنجمی» شدن این لایحه داشت در نشست علنی امروز مجلس گفته «سوال جامعه این است که چرا عده ای اصرار دارند که لایحه مهم حجاب و عفاف در پستوی بررسی شود؟ حداقل این لایحه در صحن مورد رسیدگی قرار گیرد تا مردم در جریان قرار گیرند.»

او همچنین افزوده که «در این لایحه حتی به حوزه دانش‌آموزی نیز ورود شده است؛ وقتی یک دانش‌آموز ۱۰ ساله‌ای در مدرسه‌ای خلاف این قانون عمل کند باید والدین که صبح دانش‌آموز خود را به مدرسه فرستاده‌اند، شب او را از کلانتری تحویل گیرند و این می‌تواند جامعه را بهم ریزد.» این اظهارات، واکنش محمد باقر قالیباف را در پی داشت. رئیس مجلس خطاب به این نماینده گفت که «اطلاعات شما کاملا غلط و اشتباه است؛ در هیچ جای گزارش کمیسیون نیامده که فرد و خانم زیر ۱۸ سالی احضار شده و به کلانتری برده می‌شود. اینکه شما می‌گویید باید آنها را از کلانتری جمع کنید، کاملا دروغ محض است.»

جلال محمودزاده نماینده مهیاباد هم که از دیگر مخالفان این تقاضاست، با بیان اینکه بررسی با عجله لایحه عفاف و حجاب به مصلحت کشور نیست، گفت: «این لایحه تمام آحاد جامعه و کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد و



اساسی هفته گذشته از سوی اکثریت اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تصویب و امروز با موافقت اکثر نمایندگان این تصمیم گرفته شد. بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند که در اینصورت بررسی و تصویب قانون به دور از چشم افکار عمومی انجام می‌شود.

این تصمیم اما مخالفانی جدی در میان نمایندگان مجلس داشت که در جلسه امروز نیز برخی از آنان نظرات خود را مطرح کردند. با اینهمه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و شماری از نمایندگان توانستند صحن علنی را دور بزنند و مسیر تصویب فوری این لایحه با نظر و سلیقه بخشی از نمایندگان «انقلابی» را فراهم کنند.

در نشست امروز مجلس شورای اسلامی موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی گفت «دشمن به دنبال این است که لایحه حجاب و عفاف به نتیجه نرسد تا بتواند بر مرکب جهالت خود بتازاند. در چند دوره نمایندگی این حجم از هجوم علیه یک طرح یا لایحه را ندیده‌ام. عده‌ای نگران هستند که در لایحه حجاب و عفاف اقتدار و اختیارات پلیس گرفته شده است؛ نه اقتدار پلیس سر جای خودش است، اما شیوه برخورد یک شیوه نرم و ملایم است.»

جواد نیک‌بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که گفته می‌شود پیشنهاد «هشتادوپنجمی» شدن این لایحه نخستین بار از سوی وی مطرح شده امروز در صحن علنی گفته که «می‌توانیم از نخبگان و صاحب نظران مختلف کشور دعوت کنیم تا به کمیسیون بیایند و آنجا اظهار نظر کنند» آنهم در حالی که این افراد در جریان رسیدگی به این لایحه اجازه حضور در صحن را ندارند. در عین حال موافقان ارجاع مستقیم لایحه حجاب و عفاف به

● بررسی لایحه عفاف و حجاب به صورت اصل ۸۵ قانون اساسی با ۱۷۵ رأی موافق، ۴۹ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۸ نماینده حاضر در صحن تصویب شد. ● لایحه حجاب و عفاف دیگر برای تصویب و نظر دادن همه نمایندگان به صحن علنی نمی‌رود و پس از بررسی در کمیسیون مربوطه مستقیم به شورای نگهبان ارجاع می‌شود تا به قانون تبدیل شود.

● موافقان «هشتادوپنجمی» شدن لایحه حجاب و عفاف حتی نظر و رأی همکاران نماینده خود را هم حذف کرده‌اند اما اکنون لاف دعوت از نخبگان و صاحب نظران را می‌زنند!

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز با بررسی لایحه حجاب و عفاف بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی موافقت کردند. بر این اساس لایحه حجاب و عفاف فقط در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی بررسی و بدون اینکه دیگر نمایندگان در صحن علنی نظر داده یا لایحه به رأی گذاشته شود، مستقیم به شورای نگهبان می‌رود.

نمایندگان در جلسه علنی امروز یکشنبه مجلس شورای اسلامی پس از شنیدن نظرات موافقان و مخالفان، با تقاضای تعدادی از نمایندگان مبنی بر بررسی گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی در مورد لایحه یک فوریتی حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب، به صورت اصل ۸۵ قانون اساسی با ۱۷۵ رأی موافق، ۴۹ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۸ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند.

بر این اساس، لایحه حجاب و عفاف دیگر برای تصویب و نظر دادن همه نمایندگان به صحن علنی نمی‌رود و پس از بررسی در کمیسیون مربوطه مستقیم به شورای نگهبان ارجاع می‌شود تا به قانون تبدیل شود. پیشنهاد رفتن لایحه حجاب و عفاف زیر اصل ۸۵ قانون

→ نباید با عجله تصویب شود.»

موسی غضنفر آبادی رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی اما همچنان در نشست امروز مجلس تأکید کرد که «لایحه حمایت از فرهنگ حجاب و عفاف، اعتبار، حیثیت و آبرویی برای این مجلس است و هرچه زودتر مجلس این لایحه را به تصویب برساند بر حیثیت خود افزوده است.»

امیرحسین بانکی پور عضو کمیسیون فرهنگی مجلس و از موافقان سرسخت محدودسازی زنان و دختران به بهانه حجاب نیز در جلسه امروز گفته که «این لایحه بیشتر با سرحلقه‌ها، جریان‌ها سازمان یافته، مدیران و تولیدکنندگان، افراد در ارتباط با خارجی‌ها و سلبیتی‌ها کار دارد» و افزوده که «یکی از نقاط مثبت این لایحه این است که اگر در خانواده مدیران تخلفی کرد، هیچ کدام از معافیت‌های این قانون برای مدیران در نظر گرفته نشود.»

لایحه حجاب عفاف مورد بررسی در مجلس شورای اسلامی اواخر سال گذشته از سوی قوه قضاییه تدوین و به دولت ارائه شد. این لایحه به سرعت در هیئت دولت سیزدهم تأیید و برای قانونی شدن به مجلس شورای اسلامی راه یافت. اکنون با کشانده شدن این لایحه زیر اصل ۸۵ قانون اساسی، به نظر می‌رسد این لایحه با مجموعه شدیدی از محدودیت‌ها و مجازات‌ها علیه زنان به زودی به شورای نگهبان ارسال تا به قانون تبدیل شود.

«روزنامه فرهیختگان» وابسته به دانشگاه آزاد و نزدیک به اصولگرایان روز گذشته با اشاره به آخرین تغییرات در لایحه حجاب، خبر داد که کمیسیون حقوق و قضایی مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی این لایحه «گشت ارشاد را برگردانده» و به نیروهای انتظامی اختیار «برخورد خیابانی با زنان» را داده است.

در این مطلب که به قلم ابوالقاسم رحمانی دبیر گروه «جامعه» فرهیختگان نوشته شده آمده که «خبری از مجلس رسیده مبنی بر اینکه امیرحسین بانکی‌پور، رئیس کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس با ایجاد تغییراتی در لایحه عفاف و حجاب علی‌رغم کاهش میزان جرائم، دوباره پای پلیس را به مسئله باز کرده و این در یک جمله یعنی روز از نو، روزی از نو!»

در بخشی از این مطلب آمده که «لایحه عفاف و حجاب، لایحه‌ای مملو از شبهه و ایراد، هم از منظر اهل فن حقوق و هم اجتماع، راهی خانه ملت شد تا نمایندگان مردم با شور و نظر نسبت به آینده آن تصمیم‌گیری کنند. لایحه‌ای که خود به تنهایی تمام شاخصه‌های بی‌میلی و توجهی جامعه نسبت به خودش را داشت، از جرائم سنگین و عجیب تا نامشخص بودن پشتوانه علمی و پژوهشی که مبنای نگارش هر طرح و لایحه‌ای است.»

هر چند هنوز لایحه حجاب و عفاف از مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان ارسال نشده تا با تبدیل شدن به قانون اجرایی شود اما محدودیت‌های مورد نظر طراحان آن در قوه قضاییه و نمایندگان تندرو مجلس شورای اسلامی در حال اعمال است.

از جمله می‌توان به استخدام ۴۰۰ تن با عنوان عجیب «حجاب‌بان» و با حقوق ماهانه ۱۲ میلیون تومان و مزایای «سختی کار» برای فعالیت در متروها توسط شهرداری تهران اشاره کرد.

مشخص است جریانی در درون حکومت، از قوه قضاییه تا مجلس شورای اسلامی، تلاش دارند لایحه حجاب و عفاف به سرعت تأیید شورای نگهبان را گرفته و قانونی شود تا پیش از آغاز سالگرد اعتراضات سال گذشته، با توسل به مواد و تبصره‌های این لایحه فضای اجتماعی بیش از پیش محدود شود.

کارزار «نوفدی» در اعتراض به مامشات دولت بایدن با رژیم ایران: «باچ دادن به ملاها و سپاه انگیزه گروگانگیری را بیشتر می‌کند»



چند نفر از ایرانیانی که به کارزار حمایتی جو بایدن از مایک لوین نماینده کالیفرنیا رفته بودند

نوفدی در بیانیه خود تأکید کرده است که «سیاست بایدن- مالی قربانیانی مانند جمشید شامهد داشته و ما و خانواده‌هایمان را در معرض خطر قرار می‌دهد.»

در ادامه‌ی این بیانیه آمده است: «رئیس جمهور محترم بایدن، ما به عنوان یک سازمان آمریکایی از آزادی هموطنان ایرانی- آمریکایی خود خوشحالیم با این حال، معامله دولت شما با رژیم علی‌خامنه‌ای و آزاد شدن شش میلیارد دلار برای وی، معامله‌ای نیست که به گروگانگیری ۴۴ ساله رژیم پایان دهد. این معامله‌ای است که انگیزه گروگانگیری را بیشتر می‌کند و خانواده و عزیزان ما را در معرض خطر قرار می‌دهد.»

نوفدی تأکید کرده است که این بسته‌ی شش میلیارد دلاری دو کار انجام خواهد داد: اولاً به جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد تا برای سرکوب مردم آزادیخواه ایران و تهدید آمریکا و متحدان ما، سلاح بیشتری خریداری کند. دوم، جمهوری اسلامی را تشویق می‌کند تا افراد بیشتری را گروگان بگیرد و بداند که به ازای هر گروگان یک میلیارد دلار باچ می‌گیرند.

این معامله با الهام از ایدئولوژی مامشات آقای راب مالی، تهدیدی برای جامعه ما است. ما به عنوان ایرانی- آمریکایی قویاً در مقابل آن ایستاده‌ایم و از دولت شما می‌خواهیم که مسیر خود را تغییر دهد و این رژیم را مامشات نکند، بلکه از مردم ایران برای دستیابی به خواسته‌های دموکراتیک خود و تامین امنیت ملی آمریکا حمایت کند.»

برای امضا و مشارکت در این کارزار لطفاً به این لینک مراجعه کنید.

<https://secure.anedot.com/nufdiran/hostage-appeasement>

● **نوفدی:** «این بسته‌ی شش میلیارد دلاری دو کار را انجام خواهد داد: اولاً به جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد تا برای سرکوب مردم آزادیخواه ایران و تهدید آمریکا و متحدان ما، سلاح بیشتری خریداری کند. دوم، جمهوری اسلامی را تشویق می‌کند تا افراد بیشتری را گروگان بگیرد و بداند که به ازای هر گروگان یک میلیارد دلار باچ می‌گیرند.»

«اتحاد ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واکنش به معامله شش میلیارد دلاری آمریکا با رژیم ایران در ازای آزاد شدن پنج گروگان دوتابعیتی آمریکایی- ایرانی از زندان و فعلاً انتقال آنها به «حصر خانگی»، یک کارزار اعتراضی به راه انداخته است.

نوفدی در بیانیه‌ای اعلام کرده این معامله نه تنها هرگز به اخذی و سیاست گروگانگیری رژیم ایران پایان نمی‌بخشد بلکه انگیزه‌ی حکومت را برای گروگانگیری بیشتر می‌کند. نوفدی اعلام کرده هدف از راه انداختن این کارزار مخالفت با سیاست مامشات ایالات متحده آمریکا با رژیم ملاحاست. در متن این کارزار آمده: به بایدن بگویید: از مامشات با گروگانگیران دست بردارید!

نوفدی با اشاره به اینکه «پرزیدنت بایدن و دولت‌اش که هنوز بر اساس ایدئولوژی مامشات رابرت مالی هدایت می‌شود، قرار است شش میلیارد دلار به جمهوری اسلامی بدهد» افزوده است: «در حالی که ما خوشحالیم که برخی از آمریکایی‌ها به خانه برمی‌گردند، اما این معامله بار دیگر به خامنه‌ای و اوباش سپاه پاسداران چراغ سبز نشان می‌دهد تا تعداد بیشتری از ایرانیان آمریکایی و دیگر افراد دوتابعیتی را به گروگان بگیرند.»

وزارت بهداشت بجای استخدام، کمبود پرستار را با اضافه کاری اجباری جبران می کند



● تعداد پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی در ایران ۸/۰ است در حالی که استاندارد در دنیا، بطور میانگین ۴ پرستار به ازای هر تخت است.

● کمبود پرستار به حد بحرانی رسیده و در بیمارستان های دولتی پرستاران باید به اضافه کاری اجباری تن بدهند و رقمی ناچیز بابت آن دریافت کنند.

● پرستاران از جمله بزرگترین صنف متقاضی مهاجرت کاری به دیگر کشورها، حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس، هستند.

برخلاف وعده های وزیر بهداشت طی دو سال گذشته این وزارتخانه نیروی جدید استخدام نکرده و حالا کمبود نیروی پرستار به حدی رسیده که پرستاران ناچار به اضافه کاری اجباری هستند.

کمبود پرستار سالهاست از سوی فعالان صنفی و کارشناسان حوزه سلامت هشدار داده می شود و وزیر بهداشت نیز وعده استخدام نیروی پرستار داده بود. با خلف وعده وزیر بهداشت اکنون کمبود پرستار به حد بحرانی رسیده و در بیمارستان های دولتی پرستاران باید به اضافه کاری اجباری تن بدهند و رقمی ناچیز بابت آن دریافت کنند.

یوسف رحیمی عضو شورای عالی نظام پرستاری کشور فروردین ماه امسال گفته بود که تعداد پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی در ایران ۸/۰ است در حالی که استاندارد در دنیا، بطور میانگین ۴ پرستار به ازای هر تخت است. محمد میرزاییگی رئیس سازمان نظام پرستاری نیز اول اردیبهشت هشدار داده بود که کشور «با کمبود بیش از صد هزار نیروی پرستاری» مواجه است.

بهرام عین اللهی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیش از دو سال است که وعده جذب نیروی پرستار می دهد. او خردادماه سال گذشته از برنامه وزارت بهداشت برای جذب ۲۲ هزار پرستار جدید خبر داده بود؛ وعده ای که تا کنون عملی نشده است.

اکنون محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار از بحرانی شدن شرایط بیمارستان های دولتی به دلیل کمبود پرستار خبر داده و گفته که وعده مقام های وزارت بهداشت برای استخدام پرستار با گذشت دو سال عملی نشده و در حال حاضر در بیمارستان های دولتی برای جبران کمبود نیرو، «پرستاران را به اضافه کاری اجباری» وادار می کنند.

محمد شریفی مقدم روز شنبه ۲۱ مرداد در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» گفته که بسیاری از تحصیلکردگان پرستاری به دلیل حقوق پایین این نوع قراردادها حاضر به کار نمی شوند. مجموع این شرایط سبب کمبود نیروی پرستار شده و بیمارستان ها با اضافه کاری اجباری از ظرفیت نیروی موجود برای پر کردن خلاء خود سوء استفاده می کنند.

این فعال صنفی درباره کمبود پرستار نسبت به جمعیت کشور گفته که «تعداد استاندارد نیروها در ارائه خدمات صحیح بسیار مهم است. طبق استانداردهای حداقلی، به ازای هر هزار نفر، حداقل باید ۳ پرستار وجود داشته باشد که الان ۲ نفر است و ما هنوز به کف استاندارد هم نرسیده ایم»

دبیرکل خانه پرستار افزوده که «پرستاران بابت این

اضافه کاری اجباری پرستاران منتشر کرد و به نقل از یکی از پرستاران معترض نوشت: «طبق قانون بهره وری، یک پرستار در ماه فقط حدود ۱۵۰ ساعت موظفی دارد و اضافه کار نباید اجباری باشد یعنی اگر پرستاری اضافه کار نخواست باشد با پرکردن ساعات موظفی حقوق کامل می گیرد اما در بسیاری از مراکز درمانی به پرستاران اضافه کار اجباری می دهند»

این پرستار افزوده که «وقتی حقوق یک پرستار بین ده تا دوازده میلیون تومان است برای اضافه کار اجباری که یک شیفت مجزای کار است، یک تا دو میلیون تومان به پرستار می پردازند. این اجحاف بزرگی است در حق پرستاران»

به گفته این پرستار، «برای پرستارانی که با سختی بسیار و کار طاقت فرسا، در هر شرایط آب و هوایی، به خدمتگزاری مشغولند، این مبلغ اضافه کاری بسیار ناعادلانه است؛ پرستاران در شرایط آلودگی سنگین هوا یا برودت بسیار، مجبورند برای اضافه کار بایستند و هر شرایطی را تحمل کنند.» شرایط دشوار پرستاران در کنار درآمدهایی که نه عادلانه است و نه برای هزینه سرسام آور زندگی کافی، سبب افزایش موج مهاجرت پرستاران از کشور شده است.

محمد رضا اسدی نایب رئیس سازمان نظام پزشکی کشور درباره «فروپاشی نظام سلامت کشور» نیز فروردین امسال نسبت به مهاجرت کادر درمان از جمله پرستاران به دلیل درآمدهای ناچیز، فشار سنگین کار و عدم حمایت وزارت بهداشت از کادر درمان هشدار داده بود.

پرستاران از جمله بزرگترین صنف متقاضی مهاجرت کاری به دیگر کشورها، حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس، هستند. محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار در ۱۸ بهمن سال ۱۴۰۱ گفته بود: «براساس آمار درخواست گواهی goodstanding یا همان سوء پیشینه کادر درمان و پزشکان، دست کم سالانه ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پرستار از کشور مهاجرت می کنند، در واقع ماهانه حدود ۲۰۰ پرستار کشور را

وضعیت شاک می دهند. برخی از آنها حتی اجازه استفاده از مرخصی قانونی خود را هم ندارند در حالی که قوانین به گونه ای نوشته شده که پرستاران مدت کمتری در فضای بیمارستان بمانند. از طرفی در حالی که آنها مجبور به انجام کار اضافی هستند، گاهی حتی کمتر از ساعات اضافه کار خود حقوق می گیرند.»

او در ادامه توضیح داده که پرستارانی داریم که ۱۰۰ ساعت کار می کنند و حقوق ۸۰ ساعت را می گیرند. ضمن اینکه نرخ این ساعات بسیار پایین است؛ مثلا در بیمارستان های دولتی بین ۱۶ تا ۲۰ هزار تومان پرداخت می کنند که این رقم برای کار سخت پرستاری بسیار کم است و حتی کارگر ساده هم با چنین مبلغی کار نمی کند. همچنین گاهی ۵ - ۶ ماه طول می کشد تا رقم اضافه کاری پرداخت شود.»

محمد شریفی مقدم همچنین گفته که بیمارستان ها کمبود نیروی پرستار را با نیروهای شرکتی جبران می کنند که همین نیروی شرکتی هم به سختی جور می شود. مشخص است کمتر کسی حاضر است با حداقل حقوق، کار سخت پرستاری را انجام دهد و در محیط بیمارستان ساعت ها سر کند. این درحالی است که تحصیلکردگان پرستاری ما بسیار هستند اما ترجیح می دهند در خانه بمانند.

او افزوده که بطور کلی از طرفی با کمبود نیروی پرستار مواجه ایم و از طرفی دیگر استخدام انجام نمی شود و پرستارانی که مشغول به کار هستند هم مجبور به کار اضافی با حقوق ناچیز هستند. در یک چرخه معیوب گیر افتاده ایم که نتیجه ی سیاست های غلط است. متأسفانه گروهی در نظام سلامت کار را به دست گرفته اند که تبعات سیاست های آنها دامنگیر همه می شود.

در ماه های گذشته بارها پرستاران نسبت به سختی کار و درآمدهای ناچیز اعتراضاتی را در شهرهای مختلف از جمله مشهد، قزوین و تهران برگزار کردند. اوایل تیرماه امسال نیز وبسایت «خبرآنلاین» گزارشی از

محکومیت کارگردان فیلم «برادران لیلا» به زندان و جریمه‌ی گذراندن دوره فیلمسازی در دانشکده صداوسیما قم!



سعید روستایی

● سعید روستایی به شش ماه زندان، قطع معاشرت با افراد فعال در عرصه سینما و همچنین گذراندن یک دوره فیلمسازی در دانشکده صداوسیما قم محکوم شده است.

● «برادران لیلا» سومین فیلم بلند سعید روستایی، در جشنواره فیلم کن سال ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و نخستین فیلم ایرانی در تاریخ این جشنواره بود که در بخش رقابت اصلی، جایزه «فیپرش» (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم) را از آن خود کرد.

● بسیاری از ناظران فیلم «برادران لیلا» را تصویری از شرایط کنونی جامعه ایران ارزیابی کرده و هر یک از فرزندان را نماد بخشی از جامعه می‌دانند و پدر خانواده نیز جمهوری اسلامی است.

سعید روستایی نویسنده و کارگردان سینما به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. قطع معاشرت با سینماگران و گذراندن اجباری دوره فیلمسازی در دانشکده صداوسیما قم نیز از دیگر جریمه‌ها و مجازات‌های این کارگردان است. به گزارش رسانه‌های داخلی، سعید روستایی نویسنده و کارگردان سینما به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام با ساخت و پخش فیلم «برادران لیلا» در جشنواره کن به شش ماه زندان، قطع معاشرت با افراد فعال در عرصه سینما و همچنین گذراندن یک دوره فیلمسازی در دانشکده صداوسیما قم محکوم شده است.

وبسایت «اعتقاد» گزارش داده که سعید روستایی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد. یک بیستم مدت زندان قابل اجرا و بقیه به مدت ۵ سال تعلیق شده است. علت صدور این حکم نیز فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی فیلم «برادران لیلا» و پخش آن در جشنواره سینمایی «کن» است.

بر اساس حکم صادره به عنوان «تعلیق مراقبتی» نیز این فیلمساز به مدت پنج سال به «خودداری از فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی با استفاده از وسایل موثر در آن، خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص فعال در عرصه فیلمسازی و گذراندن دوره فیلمسازی با حفظ منافع ملی و اخلاقی در دانشکده صداوسیما قم به میزان ۲۴ ساعت» محکوم شده است.

«برادران لیلا» سومین فیلم بلند سعید روستایی، در جشنواره فیلم کن سال ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و نخستین فیلم ایرانی در تاریخ این جشنواره بود که در بخش رقابت اصلی، جایزه فیپرش (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم) را از آن خود کرد. این فیلم خردادماه سال گذشته از سوی سازمان سینمایی و به علت «تخلفات و سرپیچی تهیه‌کننده و کارگردان این اثر از مقررات» توقیف شد.

پورصمیمی، ترانه علیدوستی، پیمان معادی، فرهاد اصلانی، محمد علی‌محمدی، نیره فراهانی، مهدی حسینی نیا تهیه شده است. این فیلم روایت رنج و ناکامی و مشکلات اقتصادی لیلا و برادرانش است. پدر لیلا فردی متوهم و بی‌عرضه است که برای «بزرگ خاندان» شدن حاضر است تنها فرصت خروج فرزندانش از فلاکت را هم قربانی کند. بسیاری از ناظران فیلم «برادران لیلا» را تصویری از شرایط کنونی جامعه ایران ارزیابی کرده و هر یک از فرزندان را نماد بخشی از جامعه می‌دانند و پدر خانواده جمهوری اسلامی است که با توهمات و حماقت‌هایش ملت ایران را به فلاکت و فقر و بدبختی زنجیر کرده است. برخی نیز داستان این فیلم را تقلیدی از داستان معروف «برادران کارامازوف» از فتودور داستایفسکی نویسنده روس می‌دانند که نقش «برادر» (دیمیتری) به خواهر (لیلا) داده شده است.

سعید روستایی فارغ‌التحصیل کارشناسی سینما از دانشگاه «سوره» است و فعالیت سینمایی را از اوایل دهه ۱۳۹۰ با ساختن فیلم‌های کوتاه آغاز کرد. نخستین فیلم بلند او «ابد و یک روز» در سال ۱۳۹۴ و دومین فیلم بلند او «متری شش و نیم» بود. فیلم «متری شش و نیم» در سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم «فجر»، سیمرغ بلورین بهترین فیلم از دید تماشاگران را از آن خود کرد. این فیلم همچنین در فرانسه نامزد جایزه «سزار» برای بهترین فیلم خارجی شد.

«برادران لیلا» اما بطور غیرقانونی منتشر و با استقبال گسترده مخاطبان و منتقدان روبرو شد. سعید روستایی فروردین ۱۴۰۲ پس از استقبال گسترده از نسخه غیرقانونی فیلم‌اش در اینستاگرام نوشت: «ما در حیرتیم از این حجم از واکنش مثبت و دلنشین. از صمیم قلب‌مان از شما ممنون و سپاسگزاریم و قدردان زمانی که می‌گذارید تا فیلم ما را تماشا کنید هستیم. امیدوارم به زودی شرایطی فراهم شود تا نسخه کامل‌تر فیلم را در دسترس شما عزیزان قرار دهیم.»

این فیلم اما با انتقادهای گسترده رسانه‌های حکومتی روبرو شد. وبسایت روزنامه «ایران» در یادداشتی با عنوان «چند نکته درباره برادران لیلا» نوشت: «فیلم، تصویری کینه‌توزانه و زشت از سنت‌ها به نمایش می‌گذارد. اگر مناسبات، روابط و سنت‌های جهان‌ایرانی اینقدر نامعقول و دروغین بود باید تا به حال فرو می‌ریخت.»

وبسایت «تبیان» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی هم نوشت: «بیان دردهای اجتماعی، همذات‌پنداری، مثالی از وضعیت کشور و سیاسی بودن از عواملی است که برخی مخاطبان به فیلم برادران لیلا نگاهی مثبت داشته‌اند.»

این وبسایت از سوی دیگر این فیلم را به توهین به خانواده ایرانی، سیاه‌نمایی، ضد فرهنگی بودن و حمایت از سازمان «منافقین» متهم کرد. فیلم «برادران لیلا» با ژانر درام و با بازی سعید

پرستار هم روبرو هستیم اما بودجه‌ای برای استخدام این پرستاران و رفع نیاز پرستاری کشور نداریم. بر پایه آخرین آمار منتشره در دهم خردادماه سال گذشته از سوی «رصدخانه مهاجرت ایران» که زیر مجموعه پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه شریف تهران و با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری ایران فعالیت می‌کند، ۴۵ درصد از «پزشکان و پرستاران» کشور تمایل دارند از ایران «مهاجرت» کنند.

گذشته در اینباره گفته بود که «ساختار نظام سلامت ما معیوب و فساد در آن نهادینه است. جایی‌که نظارت نباشد، فساد اجتناب‌ناپذیر است. هیچ کجای دنیا اینگونه نیست که قانون‌گذار، مجری و نظارت‌کننده از یک گروه خاص باشد.» در آنسو اما ایران با وجود شمار لازم و کافی پرستار فارغ‌التحصیل اما با کمبود پرستار در بیمارستان‌ها و چرخه درمان روبروست. به گفته دبیرکل خانه پرستاری کشور در حالیکه ۱۰۰ هزار پرستار بیکار داریم، با کمبود ۱۰۰ هزار

→ ترک می‌کنند، البته این آمار هم دقیق نیست، چون برخی شخصی و یا از راه‌های دیگری برای مهاجرت اقدام می‌کنند.»

وزارت بهداشت نیز زمستان گذشته از درخواست سالانه ۱۲۵۰ پرستار برای دریافت «گوداستندینگ» (گواهی مورد نیاز برای مهاجرت) خبر داده بود.

فساد اداری نیز یکی دیگر از موارد محرک در زمینه مهاجرت پرستاران است. محمد شریفی مقدم اواخر سال

«فارین پالیسی»: معامله با رژیم ایران بین بد و بدتر است؛ همه راهبردها بجز «تغییر رژیم» موقتی است



پوستر علی خامنه‌ای در دست هواداران نظام در میدان «آزادی» (شهید)

ممکن است برنامه اتمی ایران را به تأخیر بیندازد و چه بسا به گفته تامیر هیمن رئیس سابق اطلاعات نظامی اسرائیل، این حمله تمایل رژیم ایران به ساخت بمب را بیشتر هم بکند.» نویسنده در ادامه توضیح داده ادامه تحریم‌های اقتصادی حتا به صورت پایدار و افزایش فشار سیاسی و داشتن یک گزینه نظامی معتبر نیز فقط یک راهکار وابسته به زمان برای به تأخیر انداختن درگیری نهایی است. به اعتقاد وی در واقع، اسرائیل و ایران سال‌هاست که درگیر یک بازی خطرناک تهاجمی متقابل در جبهه‌های هوایی، زمینی، دریایی و سایبری در سوریه، لبنان، عراق و خلیج فارس هستند و آستانه تحمل اسرائیل برای امتناع از اقدام نظامی، به ویژه در مورد برنامه هسته‌ای ایران، بسیار کمتر از ایالات متحده است.

میلر با اشاره به اینکه تقریباً هیچ شانس برای «احیای برجام» وجود ندارد تأکید کرده «رویکرد دولت بایدن باید در چارچوب گزینه‌های بد [در مقابل بدتر] درک شود» و فعلاً بایدن هیچ راهی کمتر بد از همین معاملات و تفاهم‌های شفاهی ندارد.

توافق یا یک تفاهم اتمی دیگر با جمهوری اسلامی بی‌فایده است

وی در بخش دیگری از این مقاله با تکرار اینکه «هیچ معامله خوبی با رژیم ایران اعم از مکتوب و غیرمکتوب وجود ندارد» تأکید کرده توافق یا تفاهم اتمی دیگر با جمهوری اسلامی نیز بی‌فایده است و نه ذخایر اورانیوم ایران را کاهش می‌دهد و نه فعالیت رژیم روی سانتریفیوژهای پیشرفته را متوقف می‌کند بلکه جمهوری اسلامی زمان بیشتری برای تقویت سایت‌های هسته‌ای خود خواهد داشت.

نویسنده در پایان تأکید کرده «رویکرد بایدن در مقابل [رژیم] ایران جسورانه یا زیبا نیست و نمی‌تواند بطور استراتژیک به مشکل ایران و ایالات متحده رسیدگی کند. جنبه‌های منفی دارد و با انتقادات تندی نیز از سوی جمهوریخواهان روبروست اما در دنیای بی‌رحم و خالی از عطفوت، برخورد با جمهوری اسلامی ایران، جایی که گزینه‌ها بین بد و بدتر است، تصور یک راهکار جایگزین بهتر دشوار است.»

به بیان ساده، آمریکا با جمهوری اسلامی ایران مشکل راهبردی دارد اما راهکار راهبردی ندارد. همه تلاش‌های واشنگتن - از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ تا آخرین تلاش برای کاهش تنش از طریق مجموعه‌ای از تفاهم‌ها - همگی معاملات موقت هستند و نه تغییر راهکارهای موقت و ناچیز و یا راهکار نهایی. اینهمه در حالیست که همزمان این راه‌های دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی و آمریکا نیز مدام بی‌اثرتر می‌شوند.

در این مقاله همچنین آمده که ایران اکنون یک کشور در آستانه تسلیحات هسته‌ای است، یعنی ظرفیت توسعه همه عناصر مورد نیاز برای ساخت بمب، از جمله توانایی تولید مواد شکاف‌پذیر کافی در سطح درجه تسلیحات برای حداقل دو سلاح هسته‌ای را دارد. این بدان معنا نیست که این کشور در مسیر خوبی برای تسلیحات اتمی قرار دارد و یا حتا تصمیم به انجام این کار گرفته است. اما دانش و فناوری و منابع لازم را دارد که به گفته برخی، ظرف دو سال می‌تواند به تسلیحات اتمی دست یابد.

نویسنده در ادامه توضیح می‌دهد تنها راه تضمین اینکه ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، تغییر رژیم کنونی به رژیمی است که نیاز یا تمایلی به دستیابی به این تسلیحات نداشته باشد، دشمنی بسیار کمتری با غرب داشته باشد، و بیشتر در منطقه ادغام شده و به دنبال گسترش ایدئولوژی انقلابی خود در خارج از مرزهای خود نباشد. وی می‌افزاید «صادقانه بگویم، تصور آن به این زودی‌ها، یا شاید اصلاً سخت است. محتمل‌ترین جانشین رژیم کنونی، یک دولت تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که بسیار خطرناک خواهد بود... و در هر صورت، تشخیص اینکه چه کسی بر ایران حکومت می‌کند، فراتر از ظرفیت واشنگتن است. این تصمیم به درستی باید در دست مردم ایران باقی بماند.»

میلر تأکید می‌کند «بجز تغییر رژیم، همه گزینه‌های موجود از جمله دیپلماسی و فشار اقتصادی و سیاسی تنها راه حل‌های موقت هستند. حتا استفاده از نیروی نظامی در بهترین حالت

● آرون دیوید میلر عضو ارشد «بنیاد کارنگی» که از مخالفان سرسخت سیاست‌های سختگیرانه دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی است در یک مقاله تحلیلی در نشریه «فارین پالیسی» می‌نویسد آمریکا با رژیم ایران مشکل راهبردی دارد اما راهکار راهبردی ندارد.

● نویسنده عنوان می‌کند تنها راه تضمین اینکه ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، تغییر رژیم کنونی به رژیمی است که نیاز یا تمایلی به دستیابی به این تسلیحات نداشته باشد، دشمنی بسیار کمتری با غرب داشته باشد، و بیشتر در منطقه ادغام شده و به دنبال گسترش ایدئولوژی انقلابی خود در خارج از مرزهای خود نباشد.

● میلر اما در ادامه می‌نویسد «صادقانه بگویم، تصور آن به این زودی‌ها، یا شاید اصلاً سخت است. محتمل‌ترین جانشین رژیم کنونی، یک دولت تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که بسیار خطرناک خواهد بود... و در هر صورت، تشخیص اینکه چه کسی بر ایران حکومت می‌کند، فراتر از ظرفیت واشنگتن است. این تصمیم به درستی باید در دست مردم ایران باقی بماند.»

● این تحلیلگر با تشریح وضعیت ایران و منطقه و همچنین بحران‌های پیش روی دولت آمریکا از مواجهه با چین و روسیه گرفته تا مسائل داخلی، تأکید کرده بایدن راهی بجز معامله موقت یا تفاهم‌های نانوشته و شفاهی با رژیم ایران که هیچکدام پایدار و نهایی نیستند ندارد.

آرون دیوید میلر عضو ارشد «بنیاد کارنگی» که از مخالفان سرسخت سیاست‌های سختگیرانه دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی است در یک مقاله تحلیلی طولانی که ۱۴ اوت (۲۳ مرداد) در نشریه «فارین پالیسی» (سیاست خارجی) منتشر شد با اشاره به معامله شش میلیارد دلاری دولت بایدن با جمهوری اسلامی در ازای آزادی پنج گروگان آمریکایی- ایرانی می‌نویسد «هیچ معامله خوبی با ایران وجود ندارد، فقط معاملات بد و بدتر است.»

وی با تشریح وضعیت بحرانی در خاورمیانه تأکید کرده نه تنها دولت بایدن بلکه تمام دولت‌ها در آمریکا با جمهوری اسلامی مشکل راهبردی دارند اما راهکار راهبردی ندارند. در این مقاله آمده «برای همه دولت‌ها در آمریکا یک بساط پُر از دردسر وجود دارد؛ از اوکراین و روسیه گرفته تا چین و کمپین انتخاباتی مجدد برای ریاست جمهوری؛ به این ترتیب، تلاش برای جلوگیری از یک بحران جدی بر سر برنامه هسته‌ای ایران یک بازی هوشمندانه و مسئولانه است. آخرین چیزی که دولت بایدن به آن نیاز دارد، بحران خاورمیانه بر سر برنامه هسته‌ای کنترل نشده ایران است که اورانیوم را در سطوح تسلیحاتی غنی‌سازی می‌کند.»

دیوید میلر می‌نویسد واقعیت این است که ایالات متحده با یک رژیم خودکامه و سرکوبگر سروکار دارد که شهروندان خود را زندانی و شکنجه می‌کند و آنها را به قتل می‌رساند. این رژیم به دنبال نفوذ گسترده در حداقل چهار پایتخت عربی (بیروت در لبنان، دمشق در سوریه، صنعاء در یمن، و بغداد در عراق) است. همزمان از حملات علیه نیروهای آمریکایی پشتیبانی می‌کند و اکنون نقش مهمی در حمایت از تجاوز روسیه به اوکراین ایفا می‌کند. به اینها باید مسئله هسته‌ای آن را نیز افزود.

بیلورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میدان «ولیعصر» و «از خون جوانان وطن لاله دمیده»!



سال‌هاست بیلورد میدان «ولیعصر» در اختیار سازمان «اوج» وابسته به سپاه پاسداران قرار دارد

از «وطن» بدانند. عقیده‌ای که خود جمهوری اسلامی نیز در عمل چیزی جز این به اثبات نرسانده است!

ارگان‌های نظامی و امنیتی دریافته‌اند با افول مشروعیت نظام در بطن جامعه، احساسات ملی‌گرایانه همزمان با انگیزه‌های ضدحکومتی رو به رشد است. بر همین اساس کارزاری گسترده و پرخرج برای پیوند زدن ارکان فکری حکومت شیعی با نمادهای ملی به راه انداخته تا بلکه مورد توجه مردمی قرار بگیرد که شکاف و ضدیت آنها با کل نظام روز به روز بیشتر می‌شود. منتها نتیجه‌ای کار مانند همین دستکاری در شعر مشهور عارف قزوینی، مضحک از آب در می‌آید. بخشی از این کارزار نیز تشدید سیاه‌نمایی و دروغ علیه دوران پهلوی‌ها و تحریف رویدادهای تاریخی است.

اما تناقض در این کارزار امنیتی نظام آنجاست که مردم به ویژه نسل‌های جوان نه تنها «پهلوی‌ها» را زیر چتر ملی‌گرایی و نماد ایران در حال توسعه و تجلی هویت ملی می‌دانند و حکومت مجبور است نظام شاهنشاهی را که نماد این هویت است با دست‌درازی به شعارهای ملی در حوزه‌های مختلف به چالش بکشد، بلکه از هر آنچه نشانه تبلیغات دینی دارد نیز بیزارند.

نمایش موزیکال «هفت خان اسفندیار» [هفت خان/خوان به معنی مرحله است] به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حسین پارسایی نیز از محصولات تبلیغات سازمان رسانه‌ای «اوج» وابسته به سپاه پاسداران است که بر اساس مضامین ملی‌گرایانه شاهنامه فردوسی از اواسط تیرماه در «تالار وحدت» (رودکی) تهران به روی صحنه رفت.

مهرداد معظمی مدیر روابط عمومی مؤسسه «اوج» درباره انتخاب داستان اسفندیار برای نمایش «هفت خان» می‌گوید این تصمیم نشان‌دهنده تغییر در تمرکز سپاه بر اسلام نیست!

وی توضیح می‌دهد: «نگاه ما از ایدئولوژی [اسلامی] به ملی‌گرایی تغییر نکرده است، زیرا ایران نیز اولویت ما بود. اما ما متوجه شدیم که شکافی در کار ما وجود دارد و باید تمرکز خود را بر روی ملی‌گرایی در کنار ایدئولوژی تقویت کنیم.»

خوانده می‌شود و در یک چرخش قابل توجه اخیراً در بعضی از هیأت‌های مذهبی ترجیح‌بند نوحه‌سرای‌های ضدحکومتی و در دفاع از اعتراضات مردم شد. حالا تبلیغاتچی‌های جمهوری اسلامی «وطن» را به «حرم» کاهش داده‌اند.

روز ۲۲ امرداد برای دومین مرتبه در یک سال گذشته یک مهاجم مسلح که ادعا شد عضو داعش بوده در شیراز با یک اسلحه کلاشنیکف به محوطه «شاهچراغ» حمله کرد و شماری از حاضران را به رگبار بست.

در سمت راست بیلورد سپاه پاسداران، جای اصابت گلوله روی یکی از پنجره‌های «حرم» به تصویر کشیده شده و در سمت چپ بیلورد تصویر شهروندی که در این حمله کشته شده آمده که برخلاف شعار بیلورد جوان هم نیست!

چهارم آبان ۱۴۰۱ نیز شماری از زائران شاهچراغ در یک حمله مسلحانه دیگر کشته و زخمی شدند. افکار عمومی اما این حملات را به حساب جوّسزای‌های انحرافی خود جمهوری اسلامی می‌نویسد.

در عین حال حکومت تلاش می‌کند با تبلیغات، ضعف اطلاعاتی و امنیتی خود را در این حملات مانند دیگر رویدادهای مشابه لاپوشانی کند.

حالا در کشاکش انقلاب ملی که کل نظام جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است، حکومت و سپاه پاسدارانش به عنوان مهم‌ترین بازوی سرکوب در داخل کشور و ایجاد تنش در منطقه، روی شعارها و قهرمانان ملی ایرانیان دست گذاشته و آنها را با سرقت می‌کنند و یا با دستکاری و تحریف به سوء استفاده می‌پردازند. در حالی که بسیجی‌ها و حزب‌اللهی‌ها که دست‌پرورده‌ی آموزش‌های ایدئولوژیک و مکتبی سپاه هستند مخالف «میهن‌دوستی» و «جغرافیای سرزمین» و «ایران» اند و آن را علنی نیز ابراز می‌کنند، سازمان تبلیغاتی «اوج» هم «وطن» را به «حرم» تبدیل کرده است! حزب‌اللهی‌ها معتقدند «اسلام» بالاتر از «میهن» و «ایران» است و کشور را فقط در خدمت گسترش «اسلام» می‌خواهند. از همین رو شرم و ابایی ندارند که «حرم» را در مقابل «وطن» قرار داده و مقبره‌های مقدسات خود را بالاتر

● در آستانه سالگرد خیزش ملی در ایران سازمان رسانه‌ای «اوج» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به حمله مسلحانه مشکوک در شاهچراغ شیراز یک بیلورد در میدان «ولیعصر» (ولیعهد) نصب کرده که در آن «از خون جوانان وطن لاله دمیده» را تحریف و «وطن» را به «حرم» تبدیل کرده است!

● این تحریف و دستکاری آشکار در تصنیف مشهور عارف قزوینی است که در آغاز انقلاب مشروطه ایران به یاد اولین جانبختگان و قهرمانان آزادیخواهی سروده شد که در راه «وطن» جان باختند. این تصنیف ملی-میهنی در آهنگ‌هایی با مضامین آزادیخواهانه علیه حکومت جمهوری اسلامی خوانده می‌شود و در یک چرخش قابل توجه اخیراً در بعضی از هیأت‌های مذهبی ترجیح‌بند نوحه‌سرای‌های ضدحکومتی و در دفاع از اعتراضات مردم شد. حالا تبلیغاتچی‌های جمهوری اسلامی «وطن» را به «حرم» کاهش داده‌اند.

قاتلان مردم در ایران با سرقت نمادهای ملی-میهنی اعم از تاریخی و ادبی و فرهنگی از جمله شعر و شعارهای ایرانی و تحریف آنها خود را دلسوز و جان‌فدای مردم و کشور جا می‌زنند!

در آستانه سالگرد خیزش ملی ایرانیان، سازمان رسانه‌ای «اوج» وابسته به سپاه پاسداران که همواره در خدمت تبلیغات نظام حاضر و آماده بوده است، در واکنش به دومین حمله مسلحانه مشکوک در «شاهچراغ» روز سه‌شنبه ۲۴ امرداد یک بیلورد در میدان «ولیعصر» (ولیعهد) نصب کرده که در آن با هشتگ «#ایران_تسلیت» نوشته شده «از خون جوانان حرم لاله دمیده!»

این تحریف و دستکاری آشکار در تصنیف مشهور عارف قزوینی است که در آغاز انقلاب مشروطه ایران به یاد اولین جانبختگان و قهرمانان آزادیخواهی سروده شد که در راه «وطن» جان باختند. این تصنیف ملی-میهنی در آهنگ‌هایی با مضامین آزادیخواهانه علیه حکومت جمهوری اسلامی

پروین خواننده مشهور ایران درگذشت

سرعت به یکی از ترانه‌های محبوب و پرتعداد تبدیل شد و پروین را در ابتدای آغاز مسیر خوانندگی به شهرت رساند. همایون خرم آهنگسازی «غوغای ستارگان» را به عهده داشت و ترانه آن را کریم فکور سروده است. پروین از ابتدای فعالیت هنری علاوه بر همایون خرم با اساتید و چهره‌های برجسته موسیقی ایران از جمله مرتضی حنانه، رضا ناروند، مرتضی محبوبی، جواد لشگری، انوشیروان روحانی، علی تجویدی، حسین صمدی همکاری داشت. او همچنین با شاعران و ترانه‌سرایانی چون پرویز وکیلی، کریم فکور، رحیم معینی کرمانشاهی، پرویز خطیبی و تورج نگهبان همکاری کرد. پروین با بیش از ۳۰۰ اثر که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی اجرا کرد به یکی از برجسته‌ترین خواننده‌های شاخص زن نسل خود تبدیل شد. ۱۲۰ ترانه از آثار پروین توسط همایون خرم آهنگسازی و تنظیم شده است.

پروین در اوایل دهه پنجاه خورشیدی در ۲۶ سالگی موسیقی را کنار گذاشت. چندی پیش، ویدئویی از او در فضای مجازی منتشر شد که پس از نزدیک به نیم قرن سکوت، در جمعی خصوصی ترانه مشهور «غوغای ستارگان» را می‌خواند.

مدتی پیش نیز به همت تعدادی از هنرمندان در ایران مراسم بزرگداشتی برای پروین برگزار و از فعالیت‌های هنری او تجلیل به عمل آمد.



مشغول به کار شد.

«غوغای ستارگان» نخستین اثر با صدای پروین بود که به

معروف‌ترین اثر پروین «غوغای ستارگان» در میان افکار عمومی با عنوان «امشب در سر شوری دارم» معروف است. پروین با بیش از ۳۰۰ اثر که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ خورشیدی اجرا کرد به یکی از برجسته‌ترین خواننده‌های شاخص زن نسل خود تبدیل شد.

پروین پس از دیپلم به عنوان کارمند بانک «شاهنشاهی» یا بانک «بازرگانی» مشغول به کار شد اما بعد از مدتی به دلیل عشق به خوانندگی وارد دنیای هنر شد.

پروین زهرایی منفرد (نوری‌وند) مشهور به «پروین» خواننده سرشناس ایرانی روز پنجشنبه ۱۹ مرداد، در سن ۸۵ سالگی بر اثر کھولت در تهران درگذشت.

پروین از خوانندگان مطرح زن در دوران پهلوی و پیش از انقلاب بود. معروف‌ترین اثر او «غوغای ستارگان» است که در میان افکار عمومی با عنوان «امشب در سر شوری دارم» معروف است. پروین در سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. او پس از دیپلم به عنوان کارمند بانک «شاهنشاهی» یا بانک «بازرگانی» مشغول به کار شد اما بعد از مدتی به دلیل عشق به خوانندگی وارد دنیای هنر شد.

او به واسطه توران مهرزاد، بازیگر تئاتر و سینما به همایون خرم آهنگساز و نوازنده معرفی و به سرعت با تشویق و حمایت وی در سن بیست سالگی در برنامه «گلها» ی رادیو

شناساندن موسیقی ایرانی به کشورهای آفریقایی، آسیایی، اروپایی و آمریکایی مسافرت کرد و برنامه‌هایی اجرا کرد. او از سال ۱۳۴۳ در هنرستان موسیقی ملی مشغول تدریس شد و در سال ۱۳۴۵ سرپرستی گروه تنبک وزارت فرهنگ و هنر آن زمان را عهده‌دار شد. در سال ۱۳۴۳ به سمت هنرآموز تنبک در هنرستان موسیقی ملی به جانشینی استاد خود حسین تهرانی، آموزش تنبک را عهده‌دار شد. محمد اسماعیلی پس از انقلاب ۵۷ در ایران ماند و از دهه شصت خورشیدی با ارکسترها، هنرمندان و گروه‌های مطرح موسیقی ایرانی از جمله «گروه اساتید موسیقی ایران» با حضور فرامرز پایور نوازنده سنتور، جلیل شهنواز نوازنده تار، علی اصغر بهاری نوازنده کمانچه، محمد موسوی نوازنده نی همکاری داشت. در آذرماه سال ۹۶ مراسم نکوداشت محمد اسماعیلی با حضور جمع گسترده‌ای از هنرمندان در تالار «وحدت» (رودکی) تهران برگزار شد. در این مراسم که از سوی مؤسسه فرهنگی «راد نواندیش» برگزار شد از «پنج دهه تلاش مؤثر استاد محمد اسماعیلی در حوزه موسیقی ایرانی و تمبک نوازی» قدردانی به عمل آمد.

پخش فیلم کوتاهی از فعالیت‌های هنری محمد اسماعیلی، اجرای گروه موسیقی «استاد پایور» به سرپرستی سعید ثابت و خوانندگی علیرضا فریدون‌پور و اجرای گروه «تنبک‌نوازان» به سرپرستی و نوازندگی محمد اسماعیلی و دف نوازی احسان قدمی از جمله بخش‌های این مراسم بود.

محمد الهیاری مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به مناسبت درگذشت محمد اسماعیلی اعلام کرد که «جامعه موسیقی کشور سوگوار درگذشت محمد اسماعیلی است که زندگی‌اش با هنر عجین شده بود.»

در این پیام آمده که محمد اسماعیلی «از فارغ‌التحصیلان پیشگام هنرستان موسیقی بود و حضور و تنبک‌نوازی‌اش در مراسم یکصدمین سال تأسیس هنرستان موسیقی، هنور در خاطرها است.»



محمد اسماعیلی

همکاری داشت.

محمدعلی اسماعیلی متین معروف به محمد اسماعیلی، موسیقیدان و نوازنده و مدرس تنبک روز یکشنبه ۲۲ مرداد در سن ۸۸ سالگی و به دلیل بیماری در تهران درگذشت.

محمد اسماعیلی متولد چهارم شهریور سال ۱۳۱۳ در تهران بود که از نوجوانی به یادگیری تنبک پرداخت و به سرعت به یکی از اساتید برجسته تنبک در ایران تبدیل شد. او در خانواده‌ای هنرمند زاده شد و دایی‌هایش مرتضی و مصطفی گرگین زاده که نوازنده و آهنگساز بودند، در سال ۱۳۳۰ محمد را برای فراگیری تنبک به حسین تهرانی معرفی کردند.

محمد اسماعیلی هفت سال بعد و در سال ۱۳۳۷ در گروه‌های موسیقی وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و در ارکسترهای موسیقی ملی و گروه تنبک شروع به همکاری کرد و بعد از ۵ سال برای اجرای برنامه‌های موسیقی ملی و

محمد اسماعیلی نوازنده تنبک و هنرمند پیشکسوت درگذشت

محمد اسماعیلی متولد چهارم شهریور سال ۱۳۱۳ در تهران بود که از نوجوانی به یادگیری تنبک پرداخت و به سرعت به یکی از اساتید برجسته تنبک در ایران تبدیل شد.

محمد اسماعیلی در سال ۱۳۳۷ در گروه‌های موسیقی وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و با ارکسترهای موسیقی ملی و گروه تنبک همکاری می‌کرد.

او از سال ۱۳۴۳ در هنرستان موسیقی ملی مشغول تدریس شد و در سال ۱۳۴۵ سرپرستی گروه تنبک وزارت فرهنگ و هنر آن زمان را عهده‌دار شد.

محمد اسماعیلی پس از انقلاب ۵۷ در ایران ماند و از دهه شصت خورشیدی با ارکسترها، هنرمندان و گروه‌های مطرح موسیقی ایرانی از جمله «گروه اساتید موسیقی ایران» با حضور فرامرز پایور نوازنده سنتور، جلیل شهنواز نوازنده تار، علی اصغر بهاری نوازنده کمانچه، محمد موسوی نوازنده نی

هراس از قدرت دانشجویان؛ طرح «مجازی شدن دانشگاه‌ها تا دهم مهرماه» به بهانه ترافیک!



اعتراض دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک - شهریور ۱۴۰۱

روزهای گذشته حکم اخراج و تعلیق دریافت کرده‌اند. در همین رابطه شوراها صنفی دانشجویان کشور در گزارشی از افزایش فشار بر اساتید و دانشجویان معترض دانشگاه‌های «باهر» کرمان، «بهشتی» و تهران و اخراج و احضار تعدادی از استادان به دلیل حمایت آنها از خیزش انقلابی مردم ایران خبر داده است. بر اساس این گزارش، در دانشگاه «باهر» کرمان، دکتر بهارک اختردانش و دکتر محمدمهدی علومی از اساتید گروه دامپزشکی این دانشگاه به دلیل حمایت از دانشجویان در صفحات مجازی، حکم انفصال و اخراج دریافت کرده‌اند.

همچنین در دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) دکتر رهام افغانی خراسکانی عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی این دانشگاه به مصاحبه‌ی عقیدتی-سیاسی احضار شده و زمزمه‌ی اخراج و قطع همکاری با وی به گوش می‌رسد. چندی پیش دکتر فرهاد شریعت راد از دیگر اساتید این دانشکده نیز در آستانه‌ی قطع همکاری قرار گرفته بود.

در دانشگاه تهران، ناصر مقدم کوهی استاد گروه ارتباط تصویری در صفحه‌ی مجازی خود از احتمال قطع همکاری به دلیل حمایت از اعتراضات دانشجویان خبر داد. دکتر مهدی مطیع و دکتر محمد سلطانی استادان دانشکده الهیات و معارف دانشگاه اصفهان نیز با دریافت «ابلاغ اتهام» تا اطلاع بعدی از تدریس در این دانشگاه تعلیق شده‌اند.

شوراها صنفی دانشجویان کشور تأکید کرده که «اخراج سیاسی اساتید دانشگاه تنها به اتهام حمایت از دانشجویان می‌تواند در بلندمدت با تهی‌ساختن دانشگاه از اساتید متعهد و دغدغه‌مند و ارجحیت یافتن معیارهای فشل و غیرآکادمیک، ورود نیروهای فاقد وجهت علمی به دانشگاه را هموار می‌سازد.»

او افزوده بود که «طراحی‌های زیادی برای حوادث سال گذشته اتفاق افتاده بود و این حجم از هماهنگی بین دشمنان خارجی و داخلی بی‌سابقه بود، ولی آنچه را که روی آن حساب می‌کردند باطل السحر نقشه‌هایشان شد.» اینهمه در حالیست که با نزدیک شدن به نخستین سالگرد اعتراضات و جنبش ملی و آغاز سال تحصیلی جدید، فشارهای امنیتی و قضایی علیه دانشجویان و استادان افزایش یافته است. در روزهای گذشته ده‌ها دانشجو تعلیق و تبعید شدند و چند استاد دانشگاه نیز در سراسر کشور اخراج یا معلق شدند.

برای فونه ۱۸ تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز که در پاییز و زمستان گذشته به مسموم ساختن دانش‌آموزان در مدارس اعتراض کرده بودند نیز تعلیق و حتا تبعید شدند. در احکام صادره برای این دانشجویان هر ۱۸ نفر بین یک تا چهار ترم تعلیق و از تحصیل محروم شدند و ۷ نفر پس از تعلیق به دیگر دانشگاه‌های کشور تبعید شده‌اند.

همچنین به دلیل اعتراضات در دانشگاه علوم پزشکی تبریز علیه حملات بیولوژیک سازمانیافته به مدارس، کلیه فعالیت‌های تشکل انجمن اسلامی دانشجویان این دانشگاه نیز به مدت شش ماه ممنوع اعلام شده است.

همزمان ۱۲ تن از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و دندانپزشکی کرمان به دلیل فعالیت‌هایی در اعتراضات جنبش ملی در سال ۱۴۰۱ به مدت یک تا چهار ترم از تحصیل محروم و تعلیق شدند.

۴۰ دانشجوی دانشگاه هنر تهران نیز با دریافت احکام انضباطی، بین یک تا دو ترم تعلیق شدند. همچنین آرش زینلی، فائزه چغاجردی و مریم مرتضوی نیز به دانشگاه «ممنوع الورد» اعلام شدند. بخشی از فشارها در دانشگاه‌ها نیز متوجه استادان است. چند استاد دانشگاه در دانشگاه‌های مختلف کشور در

● بهانه آنلاین شدن دانشگاه‌ها تا دهم مهرماه «کنترل ترافیک» عنوان شده در حالی که موضوع ترافیک قرار نیست طی ده روز نخست اول سال تحصیلی حل شود و پس از دهم مهرماه نیز بی‌تردید ادامه خواهد داشت.

● رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها از اقداماتی برای جلوگیری از اعتراضات دانشجویی اشاره کرده و گفته بود که اگر معترضان نتوانند در سالگرد اعتراضات کاری کنند بطور کامل شکست می‌خورند.

● با نزدیک شدن به نخستین سالگرد اعتراضات و جنبش ملی و آغاز سال تحصیلی جدید، فشارهای امنیتی و قضایی علیه دانشجویان و استادان افزایش یافته است.

با نزدیک شده به سالگرد اعتراضات ملی سال گذشته علیه جمهوری اسلامی اقدامات مختلفی از سوی حکومت برای جلوگیری از هر تجمعی در این روزها صورت می‌گیرد. یکی از جدیدترین اقدامات، طرح «مجازی شدن دانشگاه‌ها» در ۱۰ روز نخست مهرماه است.

مهدی گلشنی مدیرکل حمل و نقل عمومی و امور مناطق شهرداری تهران از مکاتبه با آموزش عالی برای مجازی شدن دانشگاه‌ها در ۱۰ روز نخست مهرماه خبر داده است. بهانه آنلاین شدن دانشگاه‌ها در دهه نخست مهرماه «کنترل ترافیک» عنوان شده است!

مهدی گلشنی با اشاره به افزایش ترافیک از اول مهرماه نسبت به تابستان گفته که «بر اساس مطالعات سال‌های متمادی با آغاز مهر ماه ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش ترافیک در سطح شهر خواهیم داشت که امیدواریم بتوانیم با اتخاذ تمهیداتی علاوه بر شناور سازی ساعت کار حجم ترافیک را کاهش دهیم.»

او در ادامه گفته که «در حال رایزنی، مکاتبه و طی فرآیند کارشناسی هستیم که از آموزش عالی بخواهیم در راستای کاهش ترافیک پایتخت ۱۰ روز اول مهر ماه فعالیت دانشگاه‌ها مجازی باشد که این پیشنهاد ما در حال مکاتبه است و البته تا پایان شهریور ماه مدت زمانی باقی است که امیدواریم بتوانیم این تمهیدات را اجرایی کنیم.»

طرح آنلاین شدن کلاس‌های درس دانشگاه‌ها تا دهم مهرماه در حالی به بهانه کنترل ترافیک مطرح شده که به نظر می‌رسد مسئله اصلی تعطیلی کلاس‌های درس همزمان با سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز اعتراضات جنبش ملی باشد. موضوع ترافیک قرار نیست طی ده روز نخست اول سال تحصیلی حل شود و بی‌تردید پس از دهم مهرماه نیز ادامه خواهد داشت!

در روزهای گذشته هشداری نسبت به آغاز اعتراضات در سالگرد جنبش ملی به ویژه از دانشگاه‌ها داده شده است. مصطفی رستمی رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها روز جمعه ۳۰ تیرماه در جمع معاونین بسیج اساتید کشور هشدار داده بود که آغاز مجدد اعتراضات مردمی می‌تواند از دانشگاه‌ها باشد.

مصطفی رستمی گفته بود که «دشمن منصرف نشده و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اگر نتوانند در سالگرد اغتشاشات گذشته کاری کنند بطور کامل شکست می‌خورند، آنها اعلام کرده‌اند دانشگاه اولین جایی است که باید اغتشاشات جدید راه‌اندازی شود.»

فاجعه‌ای دیگر در راه است! توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری جنین توسط وزارت بهداشت



مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است یا نه؟! علی‌خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه‌ی «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند. برنامه‌ها و طرح‌های افزایش جمعیت اما در سال‌های گذشته نتیجه‌ی مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی را در پی نداشت.

ابراهیم رئیسی در آبان ۱۴۰۰ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد. شش ماه پس از ابلاغ قانون «جوانی جمعیت» از سوی ابراهیم رئیسی و در اواخر خرداد پارسال بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرای ماده ۵۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را با هدف «حفظ و مراقبت از جنین سالم» ابلاغ کرد.

بر اساس آن دستورالعمل، مادران باردار کمتر از ۳۵ سال که سابقه تولد فرزند دارای مشکلات ژنتیک و سندروم داون ندارند، نیاز به غربالگری ندارند، اما زنان بالای ۳۵ سال و کسانی که سابقه زایمان فرزند با مشکلات ژنتیک یا سندروم داون دارند، باید تحت غربالگری قرار گیرند. این دستورالعمل همچنین تأکید می‌کند که «مباشرت یا معاونت در سقط جنین جرم‌انگاری و برای فرد خاطی جرایم سنگین در نظر گرفته می‌شود».

با اینهمه طی ماه‌های گذشته محدودیت در زمینه غربالگری افزایش یافت از جمله آنکه آزمایشات غربالگری از خدمات مشمول بیمه درمانی خارج شد و نرخ این آزمایشات شامل آزمایش خون و سونوگرافی رقمی حدود ۳ تا ۶ میلیون تومان برآورد می‌شد. در صورت نیاز به آزمایشات تکمیلی نیز این هزینه تا ۱۵ میلیون تومان افزایش می‌یافت.

اکنون با تصمیم جدید وزارت بهداشت در توقف صدور مجوز برای تولید و واردات کیت‌های غربالگری، تقریباً غربالگری در کشور متوقف شده است. به ویژه آنکه مراکز خصوصی نیز از چند ماه پیش از وزارت بهداشت دستور گرفته بودند که آزمایشات غربالگری را حتی با نرخ آزاد انجام ندهند.

عضو هیئت مدیره انجمن ژنتیک پزشکی ایران تأکید کرده که وزارت بهداشت در این تصمیم‌گیری هیچ مشورتی با انجمن ژنتیک پزشکی ایران نداشته و این انجمن به زودی در نامه‌ای رسمی به این تصمیم اعتراض خواهد کرد و خواستار ارزیابی مجدد آن خواهد شد.

به تازگی اداره تجهیزات و فرآورده‌های آزمایشگاهی اداره کل تجهیزات و ملزومات پزشکی سازمان غذا و دارو در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: آزمایشگاه‌ها صرفاً مجاز به استفاده از دستگاه‌های آنالایزر بسته (Closed) برای غربالگری سه ماه اول بارداری سندرم داون هستند و IRC تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری (Free BhCG) (PAPP-A) به صورت سیستم باز از جمله به روش الایزا برای انجام غربالگری سه ماه اول سندرم داون صادر و تمدید نخواهد شد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در همین رابطه نوشته که طی دهه‌های گذشته بر اساس نیاز جامعه، غربالگری جنین به‌ویژه برای تشخیص سندرم داون انجام می‌شد، اما بر اساس ماده ۵۳ قانون جوانی جمعیت غربالگری محدود شد و طبق این ماده، غربالگری تنها با درخواست والدین یا پزشک متخصص قابل انجام بود. حالا وزارت بهداشت پا را فراتر از این قانون گذاشته و با توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری، کاری کرده که حتی اگر والدین یا پزشک متخصص هم درخواست غربالگری بدهند این کار امکان‌پذیر نخواهد بود، چرا که باید کیت در دسترس آزمایشگاه‌ها باشد که بتوانند اقدام به غربالگری کنند و اگر کیت چه به صورت تولید داخل و چه به صورت وارداتی نباشد، غربالگری هم دیگر معنایی نخواهد داشت.

تصمیم وزارت بهداشت برای توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری جنین در راستای سیاست جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت کشور «به هر قیمتی» صورت گرفته است. مقامات جمهوری اسلامی به دنبال افزایش جمعیت کشور هستند بدون اینکه توجه کنند جمعیت افزوده شده به کشور دارای سلامت و توانایی کافی برای تبدیل شدن به نیروی کارآمد و مفید در حوزه‌های

● عضو هیئت مدیره انجمن ژنتیک پزشکی ایران از تصمیم وزارت بهداشت برای توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری خبر داده و این تصمیم را «عجیب» و «شوکه‌آور» خوانده است.

● بخشی از سیاست‌های افزایش جمعیت با اقدامات پلیسی از جمله جمع‌آوری وسایل جلوگیری از بارداری از مراکز بهداشت و محدودیت و بگروهبند برای مقابله با سقط جنین در جریان است.

● مقامات جمهوری اسلامی به هر قیمتی به دنبال افزایش جمعیت کشور هستند حتی اگر فاجعه‌ای با تولد کودکان ناقص و دارای بیماری‌های ژنتیک و انواع سندروم‌ها رخ دهد.

در ادامه سیاست افزایش جمعیت کشور «به هر قیمتی»، وزارت بهداشت در تصمیمی عجیب صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری را متوقف کرده است.

محمد امین طباطبایی‌فر عضو هیئت مدیره انجمن ژنتیک پزشکی ایران و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از تصمیم وزارت بهداشت برای توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری خبر داده و این تصمیم را «عجیب» و «شوکه‌آور» خوانده است.

به گفته محمد امین طباطبایی‌فر «این تصمیم غیرکارشناسی منجر به محدودیت بیشتر جامعه برای انجام غربالگری جنین می‌شود که در نتیجه خطر تولد نوزادان مبتلا به ناهنجاری‌ها و بیماری‌های ژنتیکی افزایش خواهد یافت.»

محمد امین طباطبایی‌فر توضیح داده که «این تصمیم بسیار غیرمعقول است و باعث خواهد شد که حتی دسترسی افراد آگاه جامعه هم به غربالگری محدود شود. ضمن اینکه توقف صدور مجوز تولید و واردات کیت‌های غربالگری سه ماه اول بارداری باعث خواهد شد که این کیت‌ها به صورت غیرمجاز و با قیمت‌های سرسام‌آور تأمین شوند که در این شرایط علاوه بر تحمیل هزینه به مردم، استاندارد و کیفیت این کیت‌ها نیز زیر سوال خواهد رفت.»

معضل مهاجران قانونی و غیرقانونی در ایران؛ بی ضابطه و بی برنامه و بدون آمار و ارقام مشخص!



به امید رسیدن به اروپا و آمریکا، به صورت قانونی و غیرقانونی راهی ترکیه می‌شوند. اینهمه در حالیست که طی دو سال گذشته گزارش‌های مختلفی از افزایش جمعیت مهاجران در ایران از کشورهای اطراف منتشر شده است؛ مهاجرانی که بسیاری از آنها غیرقانونی به ایران وارد شده یا بعد از اتمام ویزا و در نبود نظارت‌های قانونی از سوی حکومت، در ایران ماندگار شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شمار مهاجران غیرقانونی آنقدر زیاد است که هیچ آمار مشخصی از آنها وجود ندارد. درباره اتباع افغانستانی که پس از استقرار دوباره‌ی حکومت طالبان در افغانستان و طی دو سال گذشته وارد ایران شده‌اند هم آمار مشخصی در دست نیست. هرچند برخی گزارش‌های غیررسمی شمار اتباع افغانستانی حاضر در ایران را ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر عنوان می‌کنند اما این رقم معادل بیش از ۲۵ درصد از جمعیت افغانستان است که رقمی غیرمعقول به نظر می‌رسد. آخرین سرشماری که از سوی جمهوری اسلامی برای شمار افغانستانی‌های مقیم ایران انجام شد و شامل افرادیست که با کارت اقامت و به صورت قانونی در ایران حضور داشتند، هفت سال پیش صورت گرفته است. این سرشماری آمار افغانستانی‌های مقیم ایران به صورت قانونی را حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر عنوان می‌کرد.

اینهمه در حالیست که همواره طی هفت سال گذشته ورود قانونی و غیرقانونی افغانستانی‌ها به ایران ادامه داشته و به ویژه با تشکیل حکومت طالبان و از دو سال پیش موج ورود مهاجران آن کشور به ایران افزایش یافته بطوری که حتی آمار ورود ۱۰ هزار نفر طی یک روز نیز گزارش شده که البته امکان راست‌آزمایی آن وجود ندارد.

آنچه مشخص است از هفت سال پیش تا کنون جمعیت افغانستانی‌ها در ایران به شدت افزایش یافته است. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرده که طی یک سال پس از استقرار طالبان در ایران حدود یک میلیون افغانستانی به ایران وارد شدند. این رقم شامل ورود رسمی افغانستانی‌ها به کشور است. این گزارش اعلام کرده که ورود افغانستانی‌ها به ایران در حالی

● جمهوری اسلامی در حالی شرایط زندگی روزمره برای شهروندان را دشوار و به موج گسترده و بی‌سابقه مهاجرت دامن زده که در آنسو بدون نظارت و حتی عاقدانه ایران را به مقصد مهاجران غیرقانونی منطقه تبدیل کرده است.

● اتباع زیادی از دیگر کشورهای منطقه و کشورهای آفریقایی نیز در ایران حضور دارند. برخی از آنها با ویزاهای توریستی، زیارتی یا درمانی به ایران آمده‌اند اما همچنان پس از اتمام ویزا در کشور مانده‌اند.

● هرچند برخی نگرانی و هشدارها را با «نژادپرستی» پیوند می‌زنند اما در واقعیت همه هشدارها و نگرانی‌ها به دلیل ساختار حکمرانی فشل و ناکارآمد جمهوری اسلامی است که بیش از چهار دهه جز تباهی برای کشور نداشته است. در هیچ کشوری در دنیا ورود مهاجران و پناهجویان به صورت بی‌ضابطه و در حالی که حتی مقامات آماری از آنها در دست ندارند صورت نمی‌گیرد.

ورود بی‌برنامه و بی‌نظارت مهاجران از کشورهای اطراف به ایران به معضلی جدی تبدیل شده است. در حالی که مقامات جمهوری اسلامی کوچکترین توجهی به این روند آسیب‌زننده ندارند، کارشناسان نسبت به آن هشدار داده و کارزاری درباره درخواست مردم برای پاسخگویی مسئولان نسبت به این موضوع با امضای چند هزار نفر فعال شده است.

جمهوری اسلامی در حالی شرایط زندگی روزمره برای شهروندان را دشوار و به موج گسترده و بی‌سابقه مهاجرت دامن زده که در آنسو بدون نظارت و حتی عاقدانه ایران را به مقصد مهاجران غیرقانونی منطقه تبدیل کرده است. گزارش‌ها از حضور میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی و قانونی از کشورهای شرقی و غربی از جمله افغانستان و پاکستان و عراق در ایران حکایت دارد که بی‌ضابطه، و بدون برنامه‌ریزی و نظارت در ایران ساکن شده و مشغول کار و زندگی هستند؛ موضوعی که برخی کارشناسان از آن به عنوان مین‌های عمل نکرده در قلب شهرهای کشور یاد می‌کنند.

سال‌هاست که ایران مقصد نخست مهاجران افغانستانی است که برخی از آنها در ایران ساکن شده و برخی دیگر

دولت رئیسی همچنین مشوق‌هایی را نیز برای افزایش جمعیت کشور در نظر گرفته که مانند دیگر طرح‌های تشویقی به درستی اجرا نشده است. یکی از این سیاست‌های تشویقی ارائه وام فرزندآوری بود که بر اساس آن رقم وام برای فرزند اول خانواده ۳۰ میلیون تومان است و این رقم برای فرزندان بعدی به صورت پلکانی افزایش پیدا کرده و برای فرزند پنجم یا بیشتر به ۱۵۰ میلیون تومان می‌رسد.

چند ماه پس از اجرای این طرح اما مشخص شد بانک‌های کشور حتی از پرداخت این ارقام هم عاجز هستند و با توجه به تقاضای ثبت شده از سوی متقاضیان، به ۲۰۰ سال می‌رسد!

وبسایت «اگو ایران» در محاسباتی بر پایه آمارهای بانک مرکزی از اعطای وام فرزندآوری نوشته که «با فرض اینکه بانک‌ها با همین روند تسهیلات فرزندآوری اعطا کنند، می‌توان گفت که چند روز طول می‌کشد که آخرین نفر در صف وام بانک‌ها، به این تسهیلات دست پیدا کند. بر این اساس بیش از ۲۰۰ سال طول می‌کشد که آخرین نفر در صف وام فرزندآوری بانک «اقتصاد نوین» به وام خود برسد! این مدت برای بانک «سامان» ۲۲ سال و بانک صادرات بیش از ۶ سال است.»

وزارت علوم ایران بخشنامه‌ای جدید صادر کرده که طبق آن قرار است برای استادان دانشگاهی که بتوانند دانشجویان را «تشویق» به فرزندآوری کنند، ارتقای رتبه در نظر گرفته شود. قاسم عموآبادینی، معاون آموزشی وزارت علوم درباره این بخشنامه گفته که دانشگاه‌ها موظف می‌شوند «شرایطی را فراهم کنند که برای اساتید راهنما به ازای داشتن هر دانشجوی مادر باردار یا دارای فرزند شیرخوار یک سهمیه به سقف استاد راهنمایی آنها اضافه شود.»

بر اساس این بخشنامه، همچنین کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در ایران مکلف به «ایجاد، گسترش و تقویت» رشته‌هایی از قبیل «مدیریت خانه و خانواده» برای دانشجویان دختر هستند.

در ادامه این بخشنامه تأکید شده که «حذف محتوای آموزشی مخالف فرزندآوری در کلیه رشته‌ها و گرایش‌های موجود در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور که دارای اختیار بازنگری برنامه‌های درسی هستند، الزامی است.»

بخش دیگری از سیاست‌های افزایش جمعیت نیز با اقدامات پلیسی در جریان است. جمع‌آوری وسایل جلوگیری از بارداری از مراکز بهداشت، خروج آزمایش غربالگری جنین از بیمه درمانی، و همچنین محدودیت و بگروهبندی برای مقابله با سقط جنین از این اقدامات است.

تیرماه سال گذشته نیز وزارت بهداشت سامانه‌ی تلفنی عجیب و غریبی راه‌اندازی کرد تا شهروندان درباره «عدم باورمندی» کادر درمان به طرح «افزایش جمعیت» مورد تأکید علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خبرچینی کرده و آنها را معرفی کنند.

سعید کریمی معاون درمان وزارت بهداشت نیز بهار امسال از ارسال بیش از ۱۰۰ پرونده «سقط غیرقانونی»، به مراجع قضایی و پلمپ مطب پزشکان مرتبط خبر داده است. همزمان اصغر جهانگیر معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه نیز اعلام کرده که «در این باره به سازمان پزشکی قانونی و دادستانی کل کشور کمک خواهیم کرد.»

اصغر جهانگیر افزوده که «ما می‌توانیم با رصد مجموعه‌هایی که در این زمینه حضور دارند، کمک کنیم تا جلوی این فعالیت غیرقانونی گرفته شود.»

→ بوده که ایران پس از استقرار طالبان در افغانستان در تابستان ۲۰۲۱، تنها سهمیه پناه دادن به ۳۰۰۰ نفر افغانستانی را از سازمان ملل دریافت کرده بود.

در نبود آمارهای رسمی، ابراهیم رئیسی چند ماه پس از استقرار طالبان در افغانستان و در فروردین ۱۴۰۱ اعلام کرد چهار میلیون افغانستانی در ایران حضور دارند. همزمان اما حسین امیرعبداللہیان وزیر امور خارجه دولت رئیسی تعداد افغانستانی‌های حاضر در ایران را پنج میلیون نفر عنوان کرد. در حالی که این دو رقم آمار افغانستانی‌هایی است که به صورت قانونی در ایران حضور داشتند اما باز هم اختلاف یک میلیون نفری در آمار مقامات دولت نشان از نداشتن آمارهای رسمی توسط مقامات ارشد جمهوری اسلامی است! در شرایطی که طی یک سال و نیم گذشته همچنان موج ورود افغانستانی‌ها به ایران ادامه داشته و شمار زیادی از شهروندان این کشور به صورت غیرقانونی وارد ایران شده و در آمارهای رسمی حضور ندارند، شمار افغانستانی‌های مقیم ایران قطعاً بیش از آمارهای ارائه شده از سوی دولت است. برخی آمارهای غیررسمی از وجود دست‌کم ۸ میلیون افغانستانی در ایران حکایت دارند. اما مهاجران قانونی و غیرقانونی فقط شامل افغانستانی‌ها نمی‌شود. اتباع زیادی از دیگر کشورهای منطقه و کشورهای آفریقایی نیز در ایران حضور دارند. برخی از آنها با ویزاهای زیارتی یا درمانی به ایران آمده‌اند اما همچنان پس از اتمام ویزا در کشور مانده‌اند.

گزارش‌های دیگری از خرید انبوه زمین و مسکن توسط اتباع کشورهای عربی از جمله عراقی‌ها در ایران حکایت دارد که مشخص نیست برای نمونه خرید هزاران هکتار زمین در حاصلخیزترین مناطق شمال کشور از سوی اتباع عراقی با آینده‌نگری مقامات حکومتی انجام شده یا مانند نمونه‌های دیگر حکمرانی جمهوری اسلامی، نتایج تباه در پی خواهد داشت؟! نبود نظارت و برنامه برای شناسایی و ساماندهی به مهاجران، به ویژه مهاجران غیرقانونی، در هفته‌های گذشته هشدارهایی از سوی کارشناسان را در پی داشته است. این هشدارها با توجه به اینکه ایران با موج گسترده مهاجرت شهروندان روبروست و منابع انسانی خود را از دست می‌دهد بیشتر اهمیت می‌یابد.

در همین رابطه، روزنامه اینترنتی «فراز» گزارش داده که بخشی از مهاجران که به صورت قانونی با انواع ویزاهای گردشگری، زیارتی، تجاری و درمانی وارد ایران شده‌اند و با تمام شدن مدت ویزا به راحتی در کشور ماندگار و مشغول به کار می‌شوند. برخی نیز زاغه‌نشین حاشیه شهرها شده‌اند و مشغول تکدی‌گری هستند که ناراضی‌های عمومی را به دنبال داشته است. در واقع اکنون کشور با مشکل ویزای قانونی و اقامت غیرقانونی روبرو شده و در این زمینه خلاء قوانین و مدیریت به وضوح دیده می‌شود.

بر اساس این گزارش جمهوری اسلامی بجای اقدام سریع و جدی در ارتباط با موج مهاجرت اتباع کشورهای اطراف به ایران، شرایط صدور و تمدید اقامت را آسان هم کرده است! برای نمونه اتباع کشورهای همسایه به راحتی می‌توانند در ۳ دوره ۳ ماهه ویزای خود را در ایران تمدید کنند. در مجموع ویزاهای سیاحتی، ورود، ملاقات، زیارتی و درمان، برای سه مرتبه ۳ ماهه (جمعا ۹ ماه) تمدید می‌شود.

همچنین اتباع خارجی که با پاسپورت و ویزای معتبر اعم از سیاحتی، ورود، ملاقات، زیارتی و درمان وارد ایران شدند، اما بعد از اتمام وقت ویزا غیرمجاز شده، و اعتبار ویزای آنان منقضی شده است؛ می‌توانند فقط با پرداخت هزینه جریمه دیرکرد ویزا، که هر ۹۰ روز مبلغ ناچیز «۱۰۰ هزار تومان»

است، اقامت‌شان را قانونی کنند!

ناسامانی ورود بی‌ضابطه و بی‌نظارت اتباع کشورهای همسایه به ایران حتی با انتقاد برخی اصولگرایان نیز روبرو شده است. از جمله وسایت «الف» نزدیک به احمد توکلی فعال اصولگرا تیرماه در گزارشی نوشت که «تغییر بافت جمعیتی برخی مناطق استان‌های شرقی و غلبه افغانستانی‌ها بر مردم بومی آن منطقه، گرفتن فرصت‌های شغلی و تنگ‌کردن فضا برای جمعیت جویای کار ایرانی و حتی تنزل قیمت نیروی کار داخل کشور، برخورداری از یارانه‌های گوناگونی که در کشور وجود دارد و مهم‌تر از همه مظاهرات امنیتی و اجتماعی که از خود برجای می‌گذارند بخشی از تبعات جبران‌ناپذیر ورود بی‌رویه افغانستانی‌هاست.»

در این گزارش تأکید شده که «این سیل مهاجرین غیرقانونی، به دلیل هویت نامعلوم خود انگیزه هر نوع برهکاری و جرم و جنایت را پیدا خواهند و این معضلی است که در شهرهای مختلف با آن مواجه شده‌ایم. در کنار این مسئله و به دلیل تمایلات افراط‌گرایانه برخی از مهاجرین که از مناطق تکفیری افغانستان به ایران سرازیر شده‌اند، بحرانی بزرگتر را بر سر ما آوار خواهد کرد.»

وضعیت مبهمی که حضور مهاجران غیرقانونی در استان‌های شرقی و مرکزی ایران ایجاد کرده سبب ایجاد کارزاری با چند هزار امضا شده که مردم از مسئولان مرتبط از جمله وزیر خارجه، وزیر کشور خواسته‌اند این معضل را پیگیری کنند.

در بخشی از متن این کارزار آمده که «امروزه کشورهای اروپایی با اقتصاد بزرگ خود بر سر پذیرش سالانه چند هزار پناهنده بحث و گفتگو می‌کنند. در کشور ما اما هیچ معیار و سیاست‌گذاری مشخصی در این زمینه انجام نشده و امروز بافت جمعیتی برخی از مناطق کاملاً اتباع‌نشین شده است.» در ادامه آمده که «عملکرد سفارت ایران در افغانستان جای تعجب فراوانی دارد. اکنون به راحتی و بدون اخذ هیچ گونه وثیقه و یا تعهد برای بازگشت به‌موقع به افغان‌ها ویزای ورود به ایران داده می‌شود. در حالی که همه می‌دانند اکثریت افغان‌ها با تمام شدن مدت ویزای خود به افغانستان باز نمی‌گردند.»

در بخش دیگری از متن این کارزار تأکید شده که «حضور حدود ۸۰۰ هزار دانش آموز اتباع در مدارس، حضور انبوه اتباع در اصناف و مشاغل مختلف، سیل کودکان کار اتباع در خیابان‌ها و چهارراه‌های شهرهای بزرگ کشور در کنار رشد سرسام‌آور کرایه خانه‌ها و رشد حاشیه‌نشینی در کشور، سوالات و نگرانی‌های فراوانی برای مردم به وجود آورده است. دولت تا کجا اجازه می‌دهد جمعیت اتباع در کشور افزایش داشته باشند؟ آیا سقفی برای ورود مهاجران در نظر گرفته شده است؟ هرچند برخی نگرانی و هشدارهای مردم و کارشناسان را با «نژادپرستی» پیوند می‌زنند اما در واقعیت همه هشدارها و نگرانی‌ها به دلیل ساختار حکمرانی فشل و ناکارآمد جمهوری اسلامی است که بیش از چهار دهه جز تباهی برای کشور نداشته است. در هیچ کشوری در دنیا ورود مهاجران و پناهجویان به صورت بی‌ضابطه و در حالی که حتی مقامات آماری از آنها در دست ندارند صورت نمی‌گیرد. مهاجران و پناهجویان در دیگر کشورها بر اساس سیاست‌گذاری دولت‌ها اسکان داده و با شرایط تعیین شده از سوی دولت ناچار به زندگی هستند اما در ایران به دلیل نبود تدبیر و برنامه از سوی نهادهای مسئول، مهاجران به صورت میلیونی به کشور آمده و بعد به حال خود رها می‌شوند.

راه‌اندازی «سامانه ثبت شکایات» درباره اعتراضات ۱۴۰۱؛ هم سرکوب می‌کنند هم سامانه راه می‌اندازند!

● در بیانیه «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» آمده که اقدام ابراهیم رئیسی برای تشکیل این کمیته به دلیل «اهمیت صیانت از حقوق شهروندان و احقاق حقوق آسیب‌دیدگان» صورت گرفته است!

● منظور مقامات جمهوری اسلامی از «شهاد»، «مصدومان» و «آسیب‌دیدگان» معمولاً افراد حکومتی از جمله مأموران رسمی سرکوبگر، بسیجی‌ها و آتش به اختیاران است. ● در حالی که جمهوری اسلامی حتی مسئولیت قتل حکومتی مهسا امینی و سرکوب مسلحانه معترضان را نپذیرفته، تشکیل کمیته بررسی حوادث، پیشاپیش نمایشی در جهت توجیه سرکوب‌های خشن توسط حکومت ارزیابی می‌شود.

«کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» با صدور بیانیه‌ای از راه‌اندازی یک سامانه اینترنتی برای ثبت هرگونه شکایت و یا ارسال گزارش درباره اعتراضات سال گذشته خبر داده است.

دبیرخانه «کمیته ویژه منتخب رئیس‌جمهور در بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» در بیانیه‌ای خطاب به «ملت شریف ایران» از تشکیل سامانه ثبت شکایات درباره اعتراضات ۱۴۰۱ خبر داده است.

در این بیانیه آمده که «به دنبال بروز ناآرامی‌ها در سال ۱۴۰۱ و آسیب‌های وارده بر عده‌ای از شهروندان، مأمورین مجری قانون و تخریب اموال عمومی، اراده نظام جمهوری اسلامی ایران بر این تعلق گرفت که با بسیج دستگاه‌های ذیربط و تشکیل کارگروه‌های تخصصی نسبت به بررسی و تحلیل رویداد مزبور اقدام و ضمن ریشه‌یابی و تحلیل آن، وضعیت آسیب‌دیدگان را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده و نسبت به احقاق حقوق شهروندانی که تضییع شده اقدام نمایند.»

این بیانیه افزوده که اقدام ابراهیم رئیسی برای تشکیل کمیته ویژه بررسی اعتراضات سال گذشته به دلیل «اهمیت صیانت از حقوق شهروندان و احقاق حقوق آسیب‌دیدگان» صورت گرفته است!

بررسی شکایات دریافتی از سوی آسیب‌دیدگان، مصدومان حوادث یا خانواده‌های آنها و پیگیری جبران خسارت شهروندانی که در جریان حوادث و ناآرامی‌ها دچار خسارت‌های مادی یا آسیب‌های معنوی شده‌اند، از جمله اهداف این کمیته برشمرده شده است.

«بررسی جامع و متقن ابعاد مختلف اعتراضات،

→ ارائه مستندات متقن برای طرح در مجامع حقوق بشری، بررسی ادعاهای مطرح شده درباره نقض حقوق افراد» و پیگیری حقوق خانواده مأموران حکومتی کشته شده در اعتراضات از محورهای دیگری است که در این بیانیه به آنها اشاره شده است.

این بیانیه افزوده که «به همه شهروندان اعم از مردم عادی و نیروهای مجری قانون که حق و حقوقشان نقض شده یا شاهد نقض حقی بوده‌اند، اعلام می‌دارد در صورتی

عنوان رئیس این کمیته منصوب شده است. همچنین کاظم غریب‌آبادی دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه، سکینه سادات‌پاد مسئول پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی در نهاد ریاست جمهوری، زهره الهیان رئیس کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی و حسن صفادوست رئیس قانون وکلای دادگستری مرکز به عنوان دیگر اعضای کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ منصوب شده بودند.

اعتراضات سال گذشته در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ از شب‌های

جرائم بین‌المللی باشد.

«وضعیت غیر انسانی و غیر بهداشتی بازداشتگاه‌ها»، «شکنجه، بدرفتاری و آزار جنسی شهروندان بازداشت شده»، «اختلالات گسترده در اینترنت و فیلترینگ پلتفرم‌های اجتماعی»، «آزار و ارباب خانواده جانباختگان اعتراضات»، «محاکمه ناعادلانه شهروندان در دادگاه‌های انقلاب»، «صدور و اجرای احکام اعدام» «اخذ اعتراضات اجباری از بازداشت‌شدگان» از دیگر موارد نقض حقوق بشر است که



تظاهرات ضدحکومتی مهرماه ۱۴۰۱

که شکایتی دارند، اطلاعات و مستندات لازم را در سایت منعکس نمایند.»

ابراهیم رئیسی اردیبهشت امسال با صدور حکمی دستور تشکیل «کمیته ویژه بررسی اعتراضات سال ۱۴۰۱» را صادر کرد. در حالی که جمهوری اسلامی حتی مسئولیت قتل حکومتی مهسا امینی و سرکوب مسلحانه معترضان در خیابان را نپذیرفته، این اقدام پیشاپیش نمایشی در جهت توجیه سرکوب‌های خشن توسط حکومت ارزیابی می‌شود. هدف از تشکیل این کمیته «بررسی‌های فنی و کارشناسی توسط سایر دستگاه‌ها و جهات ذربط و تکمیل تحقیقات» درباره این اعتراضات عنوان شده بود.

«بررسی جامع و متقن ابعاد مختلف ناآرامی‌های پاییز سال ۱۴۰۱ از طریق دریافت گزارش‌های دستگاه‌های مسئول و گزارش‌های مردمی و اصحاب رسانه، بررسی شکایات آسیب‌دیدگان و مصدومان حوادث یا خانواده‌های آنان و پیگیری جبران خسارت شهروندانی که در جریان این حوادث و ناآرامی‌ها دچار خسارت‌های مادی یا آسیب‌های معنوی شده‌اند، پیگیری حقوق خانواده شهدا و جانباختگان در جریان حوادث و ناآرامی‌ها در مراجع ذی‌صلاح داخلی و قضایی، بررسی ادعاهای مطرح درباره نقض حقوق افراد در حوادث یادشده و پیگیری آن در مراجع ذی‌صلاح» از جمله وظیفه‌های این کمیته از سوی ابراهیم رئیسی اعلام شده بود. قابل توجه اینکه منظور مقامات جمهوری اسلامی از «شهدا»، «مصدومان» و «آسیب‌دیدگان» معمولا افراد حکومتی از جمله مأموران رسمی سرکوبگر، بسیجی‌ها و آتش به اختیاران است. از سوی دیگر با توجه به مستندسازی روند سرکوب منجر به نقص عضو، جراحت و جان باختن شهروندان به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی تلاش دارد تا آسیب بدنی و جانی به شهروندان را به گردن خود معترضان بیاندازد!

حسین مظفر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام به

۲۳ و ۲۴ شهریور که خبرهای دستگیری مهسا امینی و به کما رفتن وی به دلیل ضرب و جرح توسط مأموران گشت ارشاد منتشر می‌شد، از مقابل بیمارستان «کسری» شکل گرفت و در پی جان باختن وی به سرعت به سراسر کشور گسترش یافت و به یک جنبش انقلابی تبدیل گشت.

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای توقف اعتراضات از انواع سلاح سرد و گرم استفاده کرده و به سوی معترضان شلیک مستقیم کردند.

در جریان این دور از اعتراضات سراسری بیش از ۶۰۰ معترض از جمله ۷۱ کودک کشته شدند. مقامات جمهوری اسلامی تا کنون مسئولیت کشته شدن هیچ‌یک از معترضان را نپذیرفته و علت مرگ برخی از آنان را مواردی از جمله «بیماری زمینه‌ای»، «سکته»، «ترس»، و «خودکشی» اعلام کرده‌اند. ده‌ها معترض دیگر نیز به دلیل اصابت گلوله ساچمه‌ای به بدن مجروح شدند. چند معترض به کما رفته و آسیب مغزی شدید دیدند. ده‌ها شهروند از ناحیه چشم هدف گلوله قرار گرفته و یک یا هر دو چشم آنها نابینا شده است.

علاوه بر این، بیش از ۲۰ هزار نفر در جریان اعتراضات بازداشت شدند که در این میان برای بیش از ۴۰ نفر اتهامات سنگین «محرابه»، «فساد فی الارض» و «بغی» صادر و به اعدام محکوم یا در انتظار صدور حکم دادگاه هستند. چهار شهروند معترض جوان محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی، و محمد (کیان) حسینی که به اعدام محکوم شده بودند به دار آویخته شدند و ده‌ها معترض همچنان در خطر اعدام قرار دارند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران اسفندماه گذشته در گزارشی مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران با تمرکز بر سرکوب گسترده شهروندان در جنبش اعتراضی اخیر به موارد مختلف سرکوب وحشیانه از قتل شهروندان در جریان اعتراضات خیابانی تا بازداشت و اجرای احکام سنگین پرداخته و اعلام کرده اینهمه می‌تواند مصداق

در این گزارش به آنها اشاره شده بود. سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز اوایل اردیبهشت‌ماه امسال در گزارشی تحقیقی با عنوان «ایران: نیروهای امنیتی کودکان را می‌کشند، شکنجه می‌کنند، معترضان جوانی به‌طور غیرقانونی بازداشت شدند» به سرکوب سازمانیافته کودکان در اعتراضات سال گذشته پرداخته است.

در این گزارش تکانه‌دهنده که به صورت تحقیقی از جمله گفتگو با نزدیکان و اعضای خانواده کودکان سرکوب شده تنظیم شده آزارها علیه ۱۱ کودک بین سپتامبر ۲۰۲۲ (شهریور ۱۴۰۱) و فوریه ۲۰۲۳ (بهمن ۱۴۰۱) را مورد تحقیق قرار داد، و جزئیات جدیدی از پرونده‌های گزارش شده پیشین مستند کرد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر تأکید کرده که «مقامات جمهوری اسلامی بر خلاف حفاظت‌های حقوقی کودکان را تحت بازداشت، بازجویی، و پیگرد قرار داده‌اند و قضات خانواده کودکان را از به کارگیری وکلای منتخب خود برای دفاع از آنها باز داشته‌اند، کودکان را با اتهامات مبهم محکوم کرده‌اند، و آنها را خارج از دادگاه‌های نوجوانان مورد محاکمه قرار داده‌اند که اختیار منحصر به فرد قضایی در حوزه کودکان را دارا هستند.»

این گزارش افزوده که نیروهای امنیتی کودکان را بدون اطلاع به خانواده‌شان دستگیر کرده و بعضاً برای هفته‌ها در بازداشت نگاه داشته‌اند. دانش‌آموزان آزادشده از بازداشت از بازگشت به مدرسه منع شده‌اند یا مقامات پوشش حمایت اجتماعی خانواده‌هایشان را قطع کرده‌اند که منجر به اشتغال کودکان شده است.

دیده‌بان حقوق بشر اقدامات محدودکننده، چشم‌پند زدن، و شکنجه کودکان در بازداشت را مستند کرده است. یکی از بستگان پسر ۱۷ ساله گفته که مأموران او را مورد ضرب و جرح و تعرض جنسی قرار داده‌اند و سبب جراحت در سراسر بدن او و خونریزی مقعدی شده‌اند.

رواج «هشت مدل بی‌خانمانی» در ایران!



پشت‌بام خوابی یکی از پدیده‌های جدید در پی گسترش بی‌خانمانی است

بحرانی‌تر» در حوزه تامین مسکن کم‌درآمدها اشاره کرده او نوشته که هیچ توجیهی وجود ندارد که در پایتخت کشور، نهادی (قرارگاه جهادی مسکن شهرداری تهران) وجود داشته باشد که بدون همسویی با اقدامات دولت، اقدام به اعطای مجوزهای جدید ساخت‌وساز کند که نه گروه‌های هدف آن جزو گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر به شمار می‌روند و نه استطاعت‌پذیری واحدهای مسکونی منتج از آن موضوعیت دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین اشاره کرده که سیاست‌های جاری در حوزه مسکن در عمل سبب افزایش مالکیت در میان دهک‌های برخوردارتر همزمان با افزایش موجودی مسکن و اجاره‌نشینی بیشتر در میان گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر خواهد شد و «همچنین موجودی مسکن کشور بدون رعایت الزامات استطاعت‌پذیری مسکن و تعیین گروه‌های هدف افزایش یافته و بر شدت «بحران کنترل‌ناپذیری موجودی مسکن» افزوده می‌شود.»

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در این گزارش تأکید کرده است در لایحه برنامه هفتم توسعه معضل بی‌خانمانی کاملاً مغفول مانده است. بنا بر همین گزارش در پیش نویس برنامه هفتم توسعه «نه حمایت از خانوارهای در معرض بی‌خانمانی محل سیاستگذاری قرار گرفته است و نه در اولویت بودن تامین مسکن پایدار برای افراد بی‌خانمان.»

همانطور که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تأکید کرده گزارش‌های زیادی از افزایش جمعیت بی‌خانمان در کشور منتشر شده است.

تورم اجاره در شرایطی که حدود نیمی از جمعیت کشور مستأجر هستند و ارزش واقعی درآمدهای حقوق‌بگیران مدام در حال کاهش است، بیانگر یک فاجعه بزرگ اقتصادی و اجتماعی است.

اگر در سالهای گذشته بی‌خانمانی مشمول افراد

مستأجر کاسته شود در همین بازه زمانی، ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار خانوار مستأجر به جمعیت مستأجرهای کشور اضافه شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نبود سیاست‌های حمایتی مانند ساخت و مدیریت مسکن استیجاری دولتی، تضمین ثبات سکونتی مستأجرها و اعطای کمک‌هزینه بلاعوض مسکن و امرار معاش به این خانوارها انتقاد کرده و معتقد است که انجام این اقدامات می‌توانست به عنوان مکمل سیاستی دولت‌ها برای افزایش نرخ مالک‌نشینی خانوارها، توان مالی آنها را برای مالک‌نشینی در آینده افزایش دهد یا دست‌کم آن را حفظ کند.

همچنین با تأکید بر اینکه «بی‌خانمانی زندگی بسیاری از گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر مستأجر را تهدید می‌کند» و توضیح داده شده که بر اساس آمارها، در ۵ ساله منتهی به ماه‌های پایانی ۱۴۰۱، هزینه تامین مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارها بطور متوسط ۹۰۰ درصد در کشور افزایش یافته است در حالی که متوسط دستمزد خانوارها در این دوره کمتر از ۷۰۰ درصد رشد داشته است.»

این گزارش همچنین به بازی دوسر بخت تامین مسکن برای مستأجرها در همه سالهای گذشته تاکنون اشاره کرده و نوشته که «ماجرای این است که دولت‌ها در طرح‌های ساخت مسکن دولتی (مسکن‌مهر، مسکن ملی)، به جای اینکه فرصت زندگی در داخل شهرها را برای همه (کم‌درآمدها و مستأجرها در کنار طبقات بالاتر جامعه) فراهم کنند، بر «طبل جدانشینی» کوبیده و در حومه شهرهای اصلی برای این دو گروه اقدام به ساخت مسکن کرده‌اند.»

در ادامه آمده نتیجه سیاست دولت این بوده که عملاً حقوق توسعه مسکونی به صورت مشروط در اختیار مالکان زمین‌های موجود شهری قرار گرفته و تامین مسکن گروه‌های نابرخوردار به بیرون از شهرها انتقال یافته است. مرکز پژوهش‌های مجلس به یک «گسیختگی سیاستی

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از رواج ۸ شکل بی‌خانمانی به عنوان پدیده «بدیل اجاره‌نشینی» خبر داده است.

● سیاست‌های سال‌ها و دهه‌های گذشته برای تامین مسکن نه تنها منجر به ترقی خانوارهای کم‌درآمد و فاقد مسکن از نردبان مسکن نشده بلکه برعکس، برآیند این سیاست‌های شکست‌خورده خود را در سقوط طیف گسترده‌ای از مستأجران و گروه‌های بی‌مسکن به دامان بی‌خانمانی و انواع سرپناه‌های نوظهور و سکونت‌های غیرمتعارف نشان داده است.

● این گزارش تأکید کرده نیسیاست‌های جاری در حوزه مسکن در عمل سبب افزایش مالکیت در میان دهک‌های برخوردارتر و اجاره‌نشینی بیشتر در میان گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر خواهد شد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از رواج ۸ شکل بی‌خانمانی به عنوان بدیل بی‌چون و چرای اجاره‌نشینی خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر در ایران خبر داده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «ارزیابی لایحه برنامه هفتم توسعه از منظر تامین مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر» به «بحران فراگیر دسترسی به سرپناه در کشور» پرداخته و از رواج ۸ شکل بی‌خانمانی به عنوان پدیده «بدیل اجاره‌نشینی» خبر داده و تأکید کرده که کم‌درآمدهای مستأجر به اشکال نامتعارف اسکان روی آورده‌اند. این گزارش تأکید کرده که سیاست‌های نادرست دولت و شهرداری برای تامین خانه بجای آنکه باعث ارتقاء مستأجرها از «نردبان مسکونی» شود، باعث سقوط آنها شده است.

این گزارش بیانگر شکست عینی سیاست‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی جهت تامین مسکن برای خانوارهای مستأجر و فاقد مسکن است. سیاست‌هایی که طی سال‌ها و دهه‌های گذشته تا کنون اجرا شده ولی نه تنها منجر به ترقی خانوارهای کم‌درآمد و فاقد مسکن از نردبان مسکن نشده بلکه برعکس، برآیند این سیاست‌های شکست‌خورده خود را در سقوط طیف گسترده‌ای از مستأجران و گروه‌های بی‌مسکن به دامان بی‌خانمانی و انواع سرپناه‌های نوظهور و سکونت‌های غیرمتعارف نشان داده است.

در این گزارش با اشاره به طرح‌های مسکن از جمله برنامه نهضت ملی مسکن در سطح کشوری و قرارگاه جهادی مسکن شهرداری تهران در پایتخت، آمده است: «شرایطی که هدف مقبول سیاست‌گذاری مسکن در کشور افزایش مالک‌نشینی در میان خانوارهاست اما بعد از چند دهه تکیه و تأکید بر افزایش مالک‌نشینی و نپرداختن مستمر و موکد بر وجوه دیگر نظام مسکن، برخی تبعات اجتماعی نامطلوب آن آشکار شده است که عبارتند از: افزایش سهم سکونت استیجاری به‌رغم افزایش نرخ مالکیت (افزایش نرخ مالکیت بیشتر گروه‌های برخوردار و نه افزایش مالک‌نشینی بیشتر در میان خانوارها) و توجه ناکافی به وضعیت سکونتی مستأجران.»

در بخش دیگری از این گزارش تأکید شده که اگرچه در فاصله سال‌های ۹۰ تا ۹۵، معادل ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد مسکونی به موجودی مسکونی کل کشور اضافه شده است اما بجای اینکه به همین میزان از تعداد خانوارهای

«بازداشت یک خانواده بهائی»

ادعای وزارت اطلاعات: برای تجویز داروهای خاص با پزشکان

تبانی می‌کردند!



رئیس انجمن داروسازان اواخر خرداد ۱۴۰۰ گفته بود «ما فیای دارو بیداد می‌کند»

در این بیانیه همچنین ادعا شده این شبکه با برخی پزشکان برای تجویز داروهای مورد نظر این باند یا داروی خاص بیش از حد نیاز بیماران «تبانی» می‌کردند. گفته شده این شبکه ماهیانه ارقام نجومی به پزشکان متخلف می‌پرداخته است.

وزارت اطلاعات گزارش داده تعداد ۲۰ انبار مخفی متعلق به این خانواده حاوی داروهای قاچاق و احتکار شده و سایر اقلام بهداشتی و آرایشی شناسایی شدند. بر اساس بیانیه وزارت اطلاعات، ۹ نفر بازداشت شدند و ۴۰ داروخانه و انبار توقیف شد.

وزارت اطلاعات روز دوشنبه ۲۳ مرداد نیز در یک گزارش تصویری اقدام به انتشار «شوند مکالمات» افراد بازداشت شده کرده است. در این فیلم یک خانم که هویت وی نامشخص است به فرد دیگری می‌گوید برای انتقال پول داروها چند حساب باز کن یا از حساب دیگران استفاده کن و من هم برای تو حساب‌سازی می‌کنم.

این فایل‌های صوتی را به صورت مستقل نمی‌توان تأیید یا رد کرد. هرچند حکومت ادعا می‌کند با احتکار و قاچاق دارو مقابله می‌کند اما کم نیست گزارش‌هایی که نشان می‌دهد گروه‌های مافیای دارو با عوامل خود رژیم در بالاترین سطوح در ارتباط هستند.

تولید انواع دارو یا واردات آن از گمرکات بدون نظارت نهادهای مسئول و دستگاه امنیتی ممکن نیست. اینهمه در حالیست که حکومت از یکسو ادعا می‌کند در تولید دارو خودکفاست و از سوی دیگر تحریم‌ها را عامل کمبود گسترده انواع دارو معرفی می‌کند.

چندی پیش محمدعلی محسنی بندپی عضو هیات ریسه کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی خبر داد تعداد داروهای کمیاب به بیش از ۲۰۰ قلم رسیده و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، ممکن است کمبود دارو به یک «بحران اجتماعی و سیاسی» تبدیل شود.

● در بیانیه وزارت اطلاعات آمده که این وزارتخانه به دنبال بررسی «اختلالات مرموز در عرضه برخی داروهای حیاتی بیماران» به بررسی و ریشه‌یابی مسئله پرداخت که علاوه بر باندهای خلافاکار و انگیزه‌های سودجویانه، سرخ‌هایی از ارتباطات خارجی و قرائنی از «دخالت برخی فرق ضالّه» نیز کشف شد.

● وزارت اطلاعات مدعی شده این شبکه با برخی پزشکان برای تجویز داروهای مورد نظر این باند یا داروی خاص بیش از حد نیاز بیماران «تبانی» می‌کردند. گفته شده این شبکه ماهیانه ارقام نجومی به پزشکان متخلف می‌پرداخت.

● وزارت اطلاعات روز دوشنبه ۲۳ مرداد نیز در یک گزارش تصویری اقدام به انتشار «شوند مکالمات» افراد بازداشت شده کرده است. در این فیلم یک خانم که هویت وی نامشخص است به فرد دیگری می‌گوید برای انتقال پول داروها چند حساب باز کن یا از حساب دیگران استفاده کن و من هم برای تو حساب‌سازی می‌کنم.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای که روز یکشنبه ۲۲ مرداد منتشر شد اعلام کرد یک «شبکه گسترده خانواده بهایی اخلاگر در موضوع دارو» را بازداشت کرده است. در این بیانیه آمده وزارت اطلاعات به دنبال بررسی «اختلالات مرموز در عرضه برخی داروهای حیاتی بیماران» به بررسی و ریشه‌یابی مسئله پرداخت که علاوه بر باندهای خلافاکار و انگیزه‌های سودجویانه، سرخ‌هایی از ارتباطات خارجی و قرائنی از «دخالت برخی فرق ضالّه» نیز کشف گردید. وزارت اطلاعات ادعا کرده «یکی از خانواده‌های بهایی در شهر تهران با تملک آشکار و پنهان ۲۰ داروخانه و سه شرکت لوازم آرایشی و بهداشتی و انبارهای متعدد غیرمجاز به ارتکاب انواع تخلفات و جرائم از قبیل قاچاق و احتکار دارو، تقلب در داروهای مسافرتی، پولشویی با شیوه‌های بسیار پیچیده و چندلایه و فرار مالیاتی پرداخته بود.»

→ معتاد و بدون درآمد بود و در قالب کارتنخوابی نمایان می‌شد، اکنون بخش عمده بی‌خانمان‌ها خانوارهایی هستند که تا چندی پیش خانه استیجاری داشتند اما با توجه به تورم اجاره‌بهای مسکن، و با وجود اشتغال، دیگر قدرت اجاره حتی یک اتاق را هم ندارند.

ناتوانی خانوارها در پرداخت اجاره‌بها سبب بروز پدیده‌هایی مثل سکونت چند خانوار در یک خانه، زندگی در کانکس و پارک‌خوابی و اتوبوس‌خوابی شده است.

تورم بازار اجاره‌بهای مسکن بنا بر ادعای آمارهای حکومتی بر مدار ۵۰ درصد است اما گزارش‌های میدانی تورم سالانه بازار اجاره مسکن را ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد اعلام می‌کنند. سهم مسکن از سبد مصرفی خانوار در ایران دو دهه پیش و در اوایل دهه ۸۰ خورشیدی حدود ۲۵ درصد بود یعنی یک خانوار حدود ۲۵ درصد از درآمد خود را برای پرداخت اجاره‌بها هزینه می‌کرد. این سهم در اواسط دهه ۹۰ خورشیدی به حدود ۳۵ درصد رسید اما طی دو سال گذشته به ۷۰ تا ۸۰ درصد رسیده است. به بیان دیگر مستأجران بطور متوسط باید ۷۰ تا ۸۰ درصد از درآمد ماهانه خود را برای مسکن هزینه کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشتر اعلام کرده بود که تورم در بازار مسکن ایران طی دو دهه ۲۸ برابر شده است. در همین بازه زمانی و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ شاخص هر متر زیربنای مسکونی در تهران ۳۳۰ برابر شده که بیانگر اختلاف بالاتر از تورم عمومی اقتصاد بوده است.

آندسته از مردم تنگدست که هنوز امکان اجاره یک واحد مسکونی حتی در محله‌هایی در بافت فرسوده و حومه و حاشیه شهرها را دارند هم در خانه‌ای با دسترسی به استانداردهای حداقلی امروزه زندگی نمی‌کنند. بخشی از خانوارهایی که به ناچار از مرکز کلانشهرها به شهرک‌های حاشیه‌ای چند کیلومتر دورتر از محدوده شهری و ارزان‌تر مهاجرت کرده‌اند هم به شکل دیگری با پدیده بدمسکنی درگیر هستند. عدم دسترسی به سرویس حمل و نقل عمومی در ساعات مختلف روز، عدم رعایت استانداردهای عمرانی و شهرسازی در این شهرک‌ها، مشکلاتی در زمینه فاضلاب و گازرسانی، و همچنین نبود امکانات رفاهی مثل پارک و درمانگاه از جمله مشکلات بعضی از این شهرک‌های غیراستاندارد است و آنها نیز در گروه بدمسکن‌ها قرار می‌گیرند.

آمارها نشان می‌دهد حدود نیم میلیون نفر در اطراف تهران حاشیه‌نشین هستند و شمار حاشیه‌نشینان در استان محروم سیستان و بلوچستان به بیش از یک میلیون نفر می‌رسد. جمعیت حاشیه‌نشین و بدمسکن در ایران نیز بیش از ۲۰ میلیون نفر اعلام شده است.

علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اردیبهشت ۱۴۰۲ در پنجمین اجلاس رؤسای کمیسیون‌های شهرسازی و معماری کلانشهرها و مراکز استان‌ها گفته که «دو هزار و ۲۰۰ محله، و ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت در سراسر ایران وجود دارد که از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲ سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی جمعیت محروم کشور را نزدیک به ۲۰ میلیون نفر اعلام کرده که وزارت راه و شهرسازی، جمعیت حاشیه‌نشین ایران را در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۲۰ میلیون عنوان کرده بود. با توجه به بحران تورم به ویژه در بخش مسکن و مواد خوراکی، بدون شک جمعیت حاشیه‌نشین و بدمسکن، و همچنین روستاییان محروم خیلی بیش از رقم ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری اعلام شده از سوی علی آقامحمدی است.

فایننشال تایمز: دولت بایدن به جمهوری اسلامی وعده داده در ازای تنش‌زدایی از نظارت شدید بر اعمال تحریم‌های نفتی چشم می‌پوشد!



راهپیمایی حکومتی «۱۳ آبان» در تهران

یک مقام غربی گفت که معامله زندانیان پیش‌نیازی برای هرگونه پیشرفت در کاهش تنش هسته‌ای است. همین دیپلمات هشدار داده است که «فاصله بسیار زیادی بین گفتگو [در مورد اقدامات کاهش تنش] و تمایل کل نظام جمهوری اسلامی به اجرای آن وجود دارد.»

بر اساس این مبادله، در ازای آزاد شدن ۶ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران، پنج زندانی آمریکایی که هفته گذشته از زندان اوین به یک هتل منتقل شده بودند آزاد خواهند شد. آمریکا نیز پنج ایرانی وابسته به جمهوری اسلامی را آزاد خواهد کرد.

هنری روم کارشناس ارشد «مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» می‌گوید: «بهترین سناریو از نظر سیاست ایالات متحده، جلوگیری از بدتر شدن اوضاع و جلوگیری از تشدید تنش است... اما خطرات زیادی وجود دارد و دلایل زیادی برای احتیاط از اینکه همه چیز می‌تواند برای مدت طولانی همچنان ادامه‌دار باشد.»

تلاش‌های دیپلماتیک قبلی برای عقب‌نشینی رژیم ایران از برنامه هسته‌ای شکست خورده و مقامات آمریکایی هشدار داده‌اند که پیشرفت‌های این کشور در غنی‌سازی اورانیوم به این معناست که تولید مواد شکاف‌پذیر کافی برای سلاح هسته‌ای ممکن است تنها دو هفته زمان لازم داشته باشد.

تحلیلگران هشدار می‌دهند که حتی اگر ایران و ایالات متحده با اقداماتی در کاهش تنش موافقت کنند، موضوع اصلی رسیدگی به جاه‌طلبی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی به همان اندازه چالش‌برانگیز و پیچیده باقی می‌ماند.

صنم وکیل مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در اندیشکده «چتم هاوس»، درباره معامله و مبادله زندانیان دو کشور گفت: «این یک چسب زخم است... اسرائیل را عقب نگه می‌دارد، تنش‌ها را پایین می‌آورد و موقتاً در عدم افزایش سطح غنی‌سازی تأثیر دارد اما یک توافق هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها را برای ایران به ارمغان نخواهد آورد.»

مذاکرات قرار گرفتند، می‌گویند طرف آمریکایی از ایران خواسته غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد را متوقف کند، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بهبود بخشد و حمله به آمریکایی‌ها در منطقه را متوقف کند. در مقابل واشنگتن از اعمال تحریم‌های جدید در برخی حوزه‌ها، به استثنای تحریم‌های مربوط به حقوق بشر، خودداری می‌کند و از کنترل شدید تحریم‌های نفتی که از قبل اعمال شده بود چشم می‌پوشد.

جمهوری اسلامی از آمریکا می‌خواهد که متحدان اروپایی را متقاعد کند که فشار بر آن را کاهش دهند زیرا اقتصاد این کشور به دلیل تحریم‌های آمریکا پس از خروج دونالد ترامپ از برجام در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ به شدت ضربه خورده است.

این مقام جمهوری اسلامی همچنین گفت، نگرانی در تهران این است که انگلیس، آلمان و فرانسه، امضاکنندگان اروپایی برجام به دنبال تمدید تحریم‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی هستند که می‌بایست در پایان سال ۱۴۰۲ منتهی می‌شد. به دلیل نقض فاحش مفاد برجام توسط جمهوری اسلامی، کشورهای اروپایی تهدید کرده‌اند که تحریم‌های تسلیحاتی را در آن تاریخ لغو نخواهند کرد.

وی گفت: «ما بسیار نگران ماه اکتبر هستیم. ما انتظار داریم [آمریکا] فشارها بر ایران را از جهات مختلف کاهش دهد.»

این مقام در ادامه افزود: آمریکا و ایران بر سر بیشتر مسائل به توافقاتی دست یافته‌اند، اما گفتگوها که از طریق واسطه‌ها انجام می‌شود در قطر و عمان به ویژه در مورد روسیه ادامه خواهد یافت.

فردی که در جریان گفتگوها قرار دارد نیز گفت که تبادل زندانیان منوط به اقدامات تنش‌زدایی نیست. وی در عین حال افزود که چنین اقدامی می‌تواند به ایجاد اعتماد بین طرفین کمک کند.

● ایالات متحده، به عنوان بخشی از «تفاهم نانوشته» گسترده با جمهوری اسلامی، مقامات ایران را برای متوقف کردن فروش پهپاد به روسیه زیر فشار قرار داده است.

● یک دیپلمات غربی به «فایننشال تایمز» گفته در مورد چندین مسئله برای تنش‌زدایی بین تهران و واشنگتن گفتگو شده اما «فاصله بسیار زیادی بین گفتگوها و تمایل کل نظام جمهوری اسلامی به اجرای آن وجود دارد.»

● صنم وکیل مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در اندیشکده «چتم هاوس»، درباره معامله زندانیان گفت: «این یک چسب زخم است... اسرائیل را عقب نگه می‌دارد، تنش‌ها را پایین می‌آورد و موقتاً در عدم افزایش سطح غنی‌سازی تأثیر دارد اما یک توافق هسته‌ای و کاهش تحریم‌ها را برای ایران به ارمغان خواهد آورد.»

روزنامه «فایننشال تایمز» چهارشنبه ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) گزارش داد که ایالات متحده به عنوان بخشی از «تفاهم نانوشته» گسترده با جمهوری اسلامی، مقامات ایران را برای متوقف کردن فروش پهپاد به روسیه زیر فشار قرار داده است.

به گفته افراد مطلع، دولت بایدن این موضوع را با رژیم ایران در مذاکرات غیرمستقیم در قطر و عمان مطرح کرده است. این گفتگوها همزمان با مذاکرات بر سر معامله و مبادله ی گروگان‌ها انجام شده است.

به گفته یک مقام جمهوری اسلامی و فرد دیگری که در جریان این مذاکرات قرار گرفته‌اند، ایالات متحده از رژیم ایران می‌خواهد که تحویل پهپاد به روسیه را که از آنها در جنگ علیه اوکراین استفاده می‌شود و همچنین ارسال قطعات یدکی این پهپادها را متوقف کند.

جمهوری اسلامی به صورت رسمی ارسال پهپاد به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین را رد کرده است. یک مقام در تهران ادعا کرده جمهوری اسلامی بارها از مسکو خواسته است تا این پهپادها را در درگیری با اوکراین استفاده نکند، با این حال واشنگتن خواهان «گام‌های ملموس‌تر» است.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز سه‌شنبه ۲۴ مرداد گفت، «ایالات متحده استراتژی بازدارندگی، فشار و دیپلماسی را دنبال می‌کند تا اطمینان حاصل کند که ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کند و همچنین تهران را به دلیل نقض حقوق بشر و تأمین پهپاد برای روسیه پاسخگو خواهد کرد.»

بلینکن تأکید کرد: «ما به صراحت گفته‌ایم که ایران برای ایجاد فضای دیپلماسی در آینده باید تنش‌زدایی کند. انتقال زندانیان ما به خارج زندان و در حبس خانگی به هیچ‌کدام از جنبه‌های دیگر سیاست ما در قبال ایران مرتبط نیست.»

روزنامه «فایننشال تایمز» که در اغلب گزارش‌های خود مرتبط با ایران مستقیم و غیرمستقیم مواضع و سیاست‌های ملایان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در مقابل آمریکا برجسته و بزرگمایی می‌کند، در این گزارش نیز نوشته «مذاکره‌کنندگان امیدوارند که مذاکرات غیرمستقیم منجر به توافق بین طرفین با اقداماتی برای کاهش تنش‌ها شود.»

جزئیات مذاکرات پنهان آمریکا و رژیم ایران

یک مقام جمهوری اسلامی و فرد دیگری که در جریان

بحران بنزین و گزینه‌های پیش روی دولت رئیسی



بحران در جایگاه‌های سوخت به دلیل نبود بنزین کافی به چه دلیلی است؟

بحران سوخت در همه شهرهای ایران مشکلات زیادی برای شهروندان ایجاد کرده است. تصاویر و ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که صف طولانی اتومبیل‌ها در برخی پمپ بنزین‌های کلانشهرها تا چندین خیابان آطرف‌تر ادامه یافته است.

رسانه‌های داخل ایران نیز گزارش‌ها درباره این نابسامانی را تأیید کرده و علت آن را «شایعه گرانی بنزین» عنوان کرده‌اند. روزنامه «اعتماد» در گزارش خود از جمله به شلوغی پمپ بنزین خیابان دولت در تهران اشاره کرد که در ساعت دو بامداد همچنان شاهد صف طولانی اتومبیل‌ها بود و نوشت که «شایعات گرانی بنزین کاملاً روی افکار عمومی تأثیرات خود را گذاشته است».

اظهارات شهروندان در شبکه‌های اجتماعی نیز نشان می‌دهد توزیع بنزین دچار بحران است و برخی جایگاه‌های سوخت بنزین ندارند و در نتیجه در جایگاه‌هایی که بنزین دارند ترافیک شدید ایجاد می‌شود. برخی شهروندان می‌گویند برای اینکه ساعات طولانی در صف بنزین نمانند ناچارند نیمه شب یا صبح خیلی زود به پمپ‌بنزین مراجعه کنند.

صدواسیمای جمهوری اسلامی نیز تأیید کرده که «سوخت‌رسانی به بخشی از جایگاه‌ها با تأخیر همراه شده» اما دلیل آن را «افزایش مصرف بنزین» و «سفرهای تابستانی» اعلام کرده است.

دولت همزمان تغییراتی در ظرفیت کارت‌های سوخت آزاد اعمال کرده است. رضا نواز سخنگوی صنف

که بنزین به میزان کافی عرضه نمی‌شود و جایگاه‌های بنزین در ساعات پایانی روز عرضه سوخت به مردم ندارند». نماینده شیراز در پاسخ به ادعای وزیر نفت که به مردم اطمینان داده مشکلی در تأمین بنزین وجود ندارد گفته که «اگر گزارش خطا به جناب‌عالی داده‌اند در همکاران تجدید نظر بفرمایید، چرا که بعید می‌دانم اطلاع داشته باشید اما به خطا گزارش به مردم بدهید».

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت گفته بود که «من چند بار مصاحبه کرده و افزایش قیمت بنزین را تکذیب کردم و شرکت پالایش و پخش بارها این تکذیب را تکرار کرده است. خیال مردم راحت باشد که افزایش قیمت بنزین صورت نمی‌گیرد و دولت چنین برنامه‌ای ندارد و مردم به شایعات توجه نکنند».

وزیر نفت افزوده بود که «برای تولید بنزین هیچ جای نگرانی نیست و پالایشگاه‌ها با حداکثر ظرفیت تولید مشغول هستند و لجستیک قوی برای توزیع بنزین در سراسر جایگاه‌ها داریم. روال تأمین بنزین به صورت عادی انجام می‌شود و مردم به شایعات توجه نکنند».

جواد اوجی همچنین مدعی شده بود که «همه بنزین کشور در داخل تأمین می‌شود. ۱۰ پالایشگاه در کشور داریم که در حال تولید بنزین هستند».

این در حالیست که خبرهای غیررسمی نشان از ناترازی بنزین و دست بردن دولت به ذخائر استراتژیک بنزین برای سوخت‌رسانی دارد. از سوی دیگر وزیر نفت در حالی مدعی تولید کافی، نبود مشکل در توزیع و عدم برنامه دولت برای افزایش قیمت بنزین شده که توضیح نداده

● وزیر نفت: خیال مردم راحت باشد که افزایش قیمت بنزین صورت نمی‌گیرد. برای تولید بنزین هیچ جای نگرانی نیست و پالایشگاه‌ها با حداکثر ظرفیت تولید مشغول هستند.

● خبرهای غیررسمی نشان از ناترازی بنزین و دست بردن دولت به ذخائر استراتژیک بنزین برای سوخت‌رسانی دارد.

● به نظر می‌رسد نزدیک بودن نخستین سالگرد خیزش ملی یکی از مهمترین دلایلی باشد که دولت تصمیم گرفته بحران بنزین را با توزیع قطره‌چکانی مدیریت کند.

صف‌های طولانی بنزین در شهرهای مختلف پابرجاست و برخی از جایگاه‌ها به دلیل نبود سوخت تعطیل شده‌اند. وزیر نفت جمهوری اسلامی گفته بنزین گران نمی‌شود و وضعیت تولید و ذخایر مثبت است اما در عمل مشخص است که دولت برای توزیع بنزین دچار مشکل است اما به دلیل مسائل سیاسی از جمله نزدیک بودن سالگرد اعتراضات جنبش ملی از افزایش قیمت و کسر یارانه بنزین خودداری می‌کند.

از دو هفته گذشته کمبود بنزین در جایگاه‌های سوخت شهرهای مختلف بیش از پیش به چشم می‌خورد. توزیع بنزین کاهش پیدا کرده و بسیاری از جایگاه‌ها در همه ساعات شبانه‌روز بنزین برای عرضه ندارند. مردم در جستجوی سوخت، ساعت‌ها در صف‌های طولانی معطل می‌مانند.

روح‌الله نجابت نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی روز گذشته در تویتر اعلام کرد که «در شیراز دو روز است

موج گسترده بازداشت‌ها در آستانه سالگرد اعتراضات ملی؛ از فعالان حقوق زنان تا فعالان سیاسی و دانشجویی

● روز گذشته دست کم ۱۱ فعال حقوق زنان در شهرهای مختلف استان گیلان از جمله رشت، بندر انزلی، فومن و لاهیجان بازداشت شدند.

● بازداشت فعالان مدنی و سیاسی در دیگر شهرهای ایران نیز در جریان است. رسانه‌های حقوق بشری از بازداشت دست کم ۱۵ نفر در روستاهای اطراف مهاباد و اشنویه طی روزهای گذشته خبر داده‌اند.

● کانون فیلمسازان مستقل ایران نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده که با فرارسیدن سالگرد اعتراضات، جمهوری اسلامی با «برونده‌سازی امنیتی علیه سینماگران» در صدد سرکوب بیشتر آنان برآمده است.

با نزدیک شدن به سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی و اعتراضات جنبش ملی در سال ۱۴۰۱، موج بازداشت فعالان مدنی و سیاسی افزایش یافته و تنها در روز گذشته در استان گیلان ۱۱ فعال حقوق زنان بازداشت شدند.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که روز گذشته، چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲، دست کم ۱۱ فعال حقوق زنان در شهرهای مختلف استان گیلان از جمله رشت، بندر انزلی، فومن و لاهیجان بازداشت شدند.

زهرا دادرس، زهره دادرس، نگین رضایی، متین یزدانی، فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیاه، هومن طاهری، واحده خوش‌سیرت و سارا جهانی فعالان بازداشت‌شده در استان گیلان هستند. تعدادی از این فعالان در جریان اعتراضات سال گذشته نیز بازداشت و پیش از آنهم در ارتباط با فعالیت در حوزه‌ی حقوق زنان متحمل حبس شده بودند.

بر اساس این گزارش هنوز از نهاد امنیتی یا انتظامی بازداشت‌کننده، علت و مکان بازداشت این فعالان اطلاعاتی در دست نیست.

وبسایت «بیدارزنی» گزارش داده که پس از مراجعه خانواده‌های بازداشت‌شدگان مسئولان قضایی «از ارائه هر گونه توضیحی پیرامون نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری آنها خودداری» کرده‌اند.

بازداشت فعالان مدنی و سیاسی در دیگر شهرهای ایران نیز در جریان است. رسانه‌های حقوق بشری از بازداشت دست کم ۱۵ نفر در روستاهای اطراف مهاباد و اشنویه طی

هزینه‌هایی که در مقابل منابع تبصره ۱۴ یعنی درآمد‌های حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی پیش‌بینی شده، طبق تخمین مراکز پژوهشی بین ۳۹ تا ۶۴ هزار میلیارد تومان کسری فقط در همین تبصره وجود دارد. در مجموع هزینه و درآمد بودجه هم ارقام کسری به بالای ۴۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. در چند سال گذشته دولت سعی داشته با انتشار اوراق بدهی، واگذاری‌های تملک دارایی سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی، کسری‌ها را جبران کند که چندان در جبران هزینه‌ها از این طریق نیز موفق نبوده است. به همین جهت در کنار همه طرح‌هایی که برای درآمدزایی از افزایش مالیات‌ها تا فروش اموال دولت و فروش اوراق بدهی دارد، برنامه افزایش درآمد از محل افزایش قیمت سوخت را هم در گوشه ذهن نگاه داشته است.

محمد تقی فیاضی کارشناس و و تحلیلگر اقتصادی معتقد است که «اصولاً چون نرخ‌گذاری برخی محصولات مانند بنزین در اختیار دولت است، پس سعی می‌کنند آن را که سهم ۳۵ درصدی در هزینه خانوارها دارد ثابت نگه دارد تا شاید بتوانند تورم را کنترل کنند اما می‌بینیم در نهایت مجبور می‌شوند قیمت آن را تعدیل کنند و باعث شوک به جامعه می‌شوند که این آثار مخرب این شوک‌ها از تعدیل طبیعی که باید صورت می‌گرفت بسیار بیشتر است.»

روزنامه بریتانیایی «فایننشال تایمز» نیز امروز در مطلبی به بحران بنزین و احتمال افزایش قیمت آن پرداخته است. در این گزارش با عنوان «ایران درگیر پیامدهای ناخواسته بنزین فوق‌العاده ارزان است» آمده که یارانه‌های سنگین دولتی در ایران به این معنی است که بهای بنزین «کسری از بهای آن در ایالات متحده یا بریتانیا» و در سطح بهای بنزین در کشورهای نفتخیزی چون لیبی و ونزوئلا است. در ادامه مقاله آمده است که نتیجه این قیمت‌گذاری، افزایش تقاضا بوده که همراه با ناکافی بودن ظرفیت پالایشگاه‌های داخلی، به شکاف بین عرضه و تقاضا منجر شده و دولت را مجبور کرده است از ذخایر استراتژیک استفاده کند و «برای اولین بار در یک دهه گذشته، به واردات بنزین روی آورد.»

«فایننشال تایمز» با اشاره به سخنان محمدرضا میرتاج‌الدینی نماینده مجلس شورای اسلامی نوشته او گفته است یارانه سوخت اکنون به سه برابر کل بودجه عمرانی رسیده اما «کسی جرأت نمی‌کند درباره افزایش قیمت بنزین صحبت کند.»

مصطفی رضاحسینی قطب‌آبادی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به بحران بنزین در هفته‌های گذشته گفته «تصور من این است که این کار را انجام می‌دهند و آزمون و خطاها برای این بوده که جامعه را آماده کنند تا قیمت سوخت را افزایش دهند.»

با اینهمه به نظر می‌رسد نزدیک بودن سالگرد اعتراضات یکی از مهمترین دلایلی باشد که دولت تصمیم گرفته بحران بنزین را با توزیع قطره‌چکانی مدیریت کند و زمان بخرد تا هفته‌های آینده سپری شود. با عبور از نخستین سالگرد آغاز خیزش ملی، و همچنین روشن شدن فضای مذاکرات با ایالات متحده، دولت دو گزینه «تأمین منابع مالی برای واردات بنزین» و یا «افزایش پلکانی قیمت» را پیش رو دارد که در نهایت باید یکی را انتخاب کند.

آنچه مشخص است دولت رئیسی تصمیم دارد حتی اگر ناچار به افزایش قیمت شد، این اقدام با آماده‌سازی افکار عمومی و به صورت پلکانی پیش رود تا تجربه آبان ۹۸ و شکل گرفتن اعتراضات سراسری در پی افزایش ناگهانی قیمت بنزین از سوی دولت حسن روحانی بار دیگر تکرار نشود.

جایگاه‌داران سوخت درباره جزئیات جدید محدودیت‌ها برای استفاده از کارت سوخت آزاد گفته که «با چهار مدل» شامل «۱۵ لیتری، ۲۰ لیتری، ۳۰ لیتری، و ۴۰ لیتری» روبرو هستیم که «نسبت به شهرها متفاوت است.»

به گفته سخنگوی صنف جایگاه‌داران سوخت «سوخت‌گیری با کارت سوخت شخصی نیز در سه مدل «۳۰، ۴۰ و ۶۰ لیتری» صورت می‌گیرد و در تهران نیز محدودیت سوخت‌گیری با کارت آزاد به میزان ۴۰ لیتر تعیین شده است.

علی اکبر نژادعلی مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی نیز ۲۲ مرداد اعلام کرده بود به منظور توزیع مداوم بنزین در جایگاه‌های سوخت و جلوگیری از تعطیلی جایگاه‌ها، مردم در هر نوبت می‌توانند تنها بین ۳۰ تا ۴۰ لیتر بنزین برداشت کنند و فاصله آن تا نوبت بعد هم حداقل باید هشت ساعت باشد.

این سخنان علی اکبر نژادعلی کمبود بنزین در کشور را بطور شفاف تأیید می‌کند. موضوعی که جواد اوجی وزیر نفت تکذیب کرده است!

در عدم پاسخگویی شفاف و صادقانه مقامات دولتی، سناریوهای مختلفی برای بحران بنزین مطرح شده است. نخست آنکه دولت توان تولید ندارد و ناترازی بنزین سبب کمبود بنزین و اختلال در توزیع بنزین به جایگاه‌های سوخت شده است. همچنین گفته شده جمهوری اسلامی به دلیل کسری بودجه نه توان هزینه برای واردات بنزین را دارد و نه از سوی کشورهای صادرکننده تمایلی برای فروش بنزین به ایران وجود دارد.

اوایل امسال خبرگزاری رویترز در گزارشی از واردات بنزین و گازوئیل از روسیه خبر داده و به نقل از سه منبع صنعتی و آمارهای صادراتی نوشت، روسیه امسال برای نخستین بار صادرات سوخت به ایران را از طریق راه‌آهن آغاز کرد. این در حالیست که علی زیار معاون مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی هم درباره واردات بنزین از روسیه به خبرگزاری ایلنا گفته بود که این واردات بسیار کم است.

علی زیار همچنین به بحرانی در داخل کشور برای تولید بنزین اشاره کرده و گفته بود که «غیر از موضوع مصرف، بحث بالا بردن و حفظ ذخایر استراتژیک هم مطرح است، کشور نمی‌تواند بدون ذخیره باشد، پالایشگاه‌ها نیاز به دوره‌های توقف تولید و تعمیرات اساسی دارند و یا اینکه ممکن است حوادث غیرمترقبه پیش بیاید.»

از سوی دیگر طی روزهای گذشته خبری درباره قطع واردات بنزین از روسیه نیز مطرح شده است. وبسایت «ایران اینترنشنال» به نقل از یک مقام وزارت نفت نوشته که وزارت نفت قرار بوده برای جبران ناترازی تولید و مصرف بنزین روزانه تا ۱۰ میلیون لیتر از روسیه بنزین وارد کند، اما روس‌ها با آگاهی از نیاز ایران، فروش بنزین به ایران را متوقف کرده‌اند.

به گفته این منبع آگاه، سایر کشورهای فدراسیون روسیه نیز به دستور روسیه از فروش بنزین به ایران خودداری کرده‌اند.

در کنار کمبود بنزین موضوع افزایش قیمت با حذف یا کاهش سهمیه بنزین نیز مطرح است. روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی درباره بحران بنزین نوشته که «سال گذشته دولت ۳۰ هزار و ۸ میلیارد تومان از محل بنزین سهمیه‌ای، ۳۳ هزار و ۶۰۱ میلیارد تومان از محل بنزین آزاد و ۳ هزار و ۱۵ میلیارد تومان از محل بنزین سوپر درآمد به دست آورده است.

در ادامه این گزارش آمده که «با در نظر گرفتن

→ روزهای گذشته خبر داده‌اند.

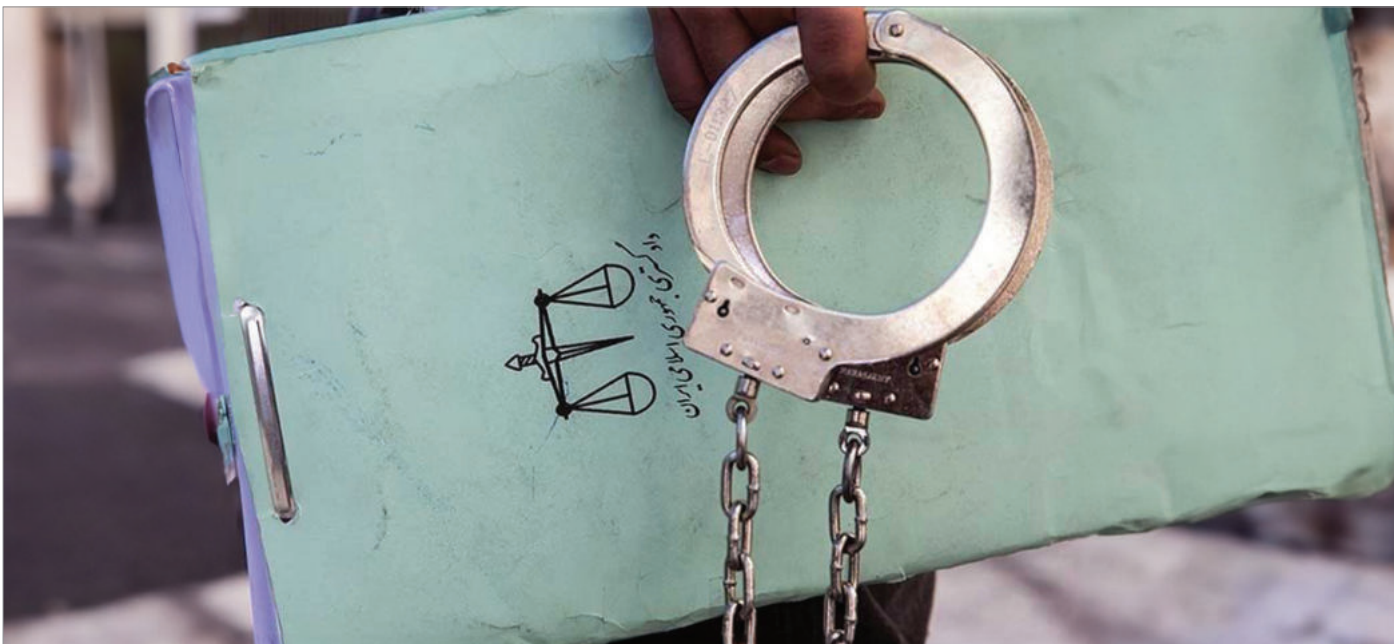
هیوا شباهنگ، ایوب میرازی، شیروان خضری، هدایت خسته، شیرکو نصیری و اشکان رسولی از جمله شهروندان بازداشت‌شده‌ای هستند که نهاد بازداشت‌کننده، اتهام و محل نگهداری‌شان مشخص نیست. فرمیسک بابایی، عمر حسین زاده و حمزه قانع‌ی نیز توسط

«پرونده‌سازی امنیتی علیه سینماگران، درصد سرکوب بیشتر آنان برآمده است.»

در این بیانیه که در حساب اینستاگرام این کانون منتشر شده، آمده که «حکومت در تمام چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، تلاش کرد تا با انحصار و تمامیت‌خواهی در سینما، از آن ابزاری برای پروپاگاندای خود بسازد و هر نوع صدای

ایران از جمله دیگر فعالیت‌های میدانی مشروطه‌خواهان در هفته‌های گذشته بوده است.

کانال خبرنامه «امیرکبیر» که رویدادهای مرتبط با دانشجویان این دانشگاه را پوشش می‌دهد روز چهارشنبه ۲۶ مرداد فهرستی از دو هزار و ۸۴۳ دانشجو را در سراسر ایران که به کمیته‌های انضباطی احضار شده‌اند، منتشر کرده



نیروهای امنیتی در شهرهای پاوه و پیرانشهر بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

وبسایت حقوق بشری «هه‌نگاو» گزارش داده که روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ تعدادی از بازاریان سقز هم تحت فشار قرار گرفته‌اند تا تعهد کتبی بدهند که در سالگرد کشته شدن مهسا امینی در اعتصابات احتمالی شرکت نخواهند کرد. در تهران نیز نرگس سرداری همسر مهدی اعتمادسعید که درباره بازداشت همسرش اطلاع‌رسانی می‌کرد به همراه کودک خردسالش بازداشت شده است. این کودک خردسال ساعاتی همراه مادرش در بازجویی حضور داشته است. مهدی اعتمادسعید هنرمند تئاتر و تسهیل‌گر مهارت‌های فردی و متخصص بازی‌درمانی کودکان ۷۰ روز پیش بازداشت شد.

مهدی اعتمادسعید در پروژه‌ای اجتماعی به نام «پرتآپ» با «هدف شاد کردن کودکان» به شکل «داوطلبانه، عام‌المنفعه» در پارک‌ها یا مناطق محروم و سانحه‌دیده، با مشارکت داوطلبان مردمی با بچه‌ها بازی می‌کرد.

الهه عسکری عکاس و بلاگر اینستاگرامی شهروند دیگری است که در روز چهارشنبه در تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شده است. بر اساس گزارش‌ها الهه عسکری پس از مراجعه به اداره گذرنامه برای دریافت مدارک توقیف‌شده‌ای، از طرف ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شده است.

این هنرمند جوان پس از بازداشت، محل سکونت او تفتیش شده و او در تماسی تلفنی اطلاع داده که به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است.

عالیه مطلب‌زاده، فعال مدنی و زندانی سیاسی پیشین، نیز در اینستاگرام خود خبر داده که پس از تجمع زنان تبریز در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه، نگار خیابوی، رقیه کبیری و فاطمه داداش‌زاده، به اداره اطلاعات تبریز احضار شده‌اند.

کانون فیلمسازان مستقل ایران نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده که با فرارسیدن سالگرد اعتراضات، جمهوری اسلامی با

معرض و منتقد را خاموش کند.»

این بیانیه افزوده که «اما با وجود سانسور، جریان مستقل در سینما ابتدا به شکل آشکار و در ادامه به‌خاطر خفقان و بازداشت سینماگران به صورت زیرزمینی شکل گرفت و در برابر سینمای حکومتی مقاومت کرد.»

کانون فیلمسازان مستقل که خود نیز بعد از اعتراضات اخیر شکل گرفت، اضافه کرده که جریان سینمایی مستقل در ایران بعد از «جنش زن، زندگی، آزادی جدی‌تر و قدرتمندتر شد. در طول یک سال گذشته شاهد خلق آثار تازه و متفاوتی بودیم که از پذیرش حجاب و سانسور حکومتی سر باز زدند و تلاش کردند تصویری واقعی از نسل جوان، زنان و جامعه نشان دهند.»

«کیهان لندن» روز دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ در گزارشی از افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر فعالان مشروطه‌خواه در ایران خبر داد و نوشت برای چند تن از فعالان مشروطه‌خواه که به تازگی از زندان آزاد شده بودند پرونده‌سازی شده است. بر اساس این گزارش برای آرشام رضایی، علی اصغر حسنی‌راد، کاظم علینژاد، وحید سرخ گل، وحید قدیرزاده، میثم غلامی، توسط سازمان اطلاعات سپاه (ثا‌رالله) پرونده‌ای با اتهامات واهی و بی‌پایه و اساس نظیر اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی، و تبلیغ علیه نظام گشوده شده است.

در هفته‌های گذشته چند فعال مشروطه‌خواه دیگر از جمله محبوبه رضایی، رضا محمدحسینی، رضا نوروزی، احسان شاددل و حمیده زارعی در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند.

فشار بر فعالان مشروطه‌خواه در حالیست که این فعالان فعالیت میدانی در ایران را گسترش داده و با پخش فراخوان و شب‌نامه و دیوارنویسی مردم را به حضور در خیابان در سالگرد اعتراضات ملی در ۲۵ شهریورماه دعوت می‌کنند. برافراشتن پرچم شیروخورشید در خیابان‌ها و اتوبان‌ها، و بر فراز قله‌های

است. بیشترین تعداد دانشجویان احضار شده را دانشگاه علم و صنعت ایران با ۳۲۴ نفر دارد.

دانشگاه‌های «باهنر» کرمان ۲۸۲ نفر، صنعتی امیرکبیر ۱۵۷ نفر، تهران ۱۵۳ نفر، «علامه» ۱۴۹ نفر، خوارزمی ۱۳۸ نفر، «بهشتی» تهران ۱۲۶ نفر، صنعتی «شریف» ۱۱۴ نفر، هنر تهران ۹۱ نفر، کردستان ۸۹ نفر و فردوسی مشهد ۷۶ نفر بیشترین احضار دانشجو را داشته‌اند.

همچنین شوراهای صنفی دانشجویان کشور روز گذشته گزارش داد که دست کم ۱۳ دانشجو در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، ۱۰ دانشجو در دانشگاه امیرکبیر و چند دانشجو هم در دانشگاه صنعتی اصفهان، تماس‌هایی تهدیدآمیز دریافت کرده‌اند و به دفاتر پیگیری احضار شده‌اند.

این نهاد صنفی دانشجویی می‌گوید تعدادی از دانشجویان گزارش کرده‌اند که «پس از احضار ساعت‌ها مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند.»

شوراهای صنفی دانشجویان کشور تأکید کرده که «با نزدیک شدن به سالگرد مهسا امینی و بازگشایی دانشگاه‌ها، به موازات احضارهای حراست و نهادهای امنیتی جهت تهدید و اخذ تعهدنامه‌های غیرقانونی، کمیته‌های انضباطی نیز دانشجویان را تهدید و احضار کرده‌اند.»

به گفته این نهاد دانشجویی، این احضارها در راستای پرونده‌سازی‌های جدید برای دانشجویان و «ایجاد رعب و تهدید آنان صورت می‌گیرد.»

کانال دانشجویان متحد نیز اوایل هفته جاری از آغاز موج «احضار تلفنی» دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در تهران خبر داده بود.

شورای صنفی دانشگاه خواجه نصیر هم ضمن «محکومیت» احضار تلفنی دانشجویان آن را «غیرقانونی» خواند و تأکید کرد که «به صورت رسمی پی‌گیری‌های خود را از نهاد حراست دانشگاه انجام می‌دهد تا روند تماس‌های مشکوک قطع و امنیت دانشجویان تضمین شود.»

جان باختن ۱۷۰ مبتلا به «ضایعات نخاعی» به علت نبود لوازم و تجهیزات بهداشتی



که به عنوان مثال، دسترسی بیماران پروانه‌ای به پانسما یا مشکلات زیادی برای آنها همراه بوده است. زیرا، پانسما هست؛ اما توزیع به درستی انجام نمی‌شود و تأخیر در دسترسی به پانسما، موجب تشدید عفونت بیماری می‌شود.

حمیدرضا ادراکی افزوده بود که داروی بیماران SMA نیز به همین صورت، اگر به موقع توزیع نشود؛ بیماری آنها تشدید می‌شود. دو پارت از داروی این بیماران آمد و توزیع شد، اما دوباره وقفه افتاده است.

نازنین فرزادی‌فر مدیر عامل کانون هموفیلی ایران نیز خرداد امسال در گفتگو با خبرنگاری «اپلنا» از اتمام ذخائر دارویی این بیماران خبر داده بود. او تأکید کرده که شرکت‌های تولیدکننده دارو ظرفیت تولید داروهای پلاسمايي مورد نیاز بیماران هموفیلی را ندارند و بخش قابل توجی از دارو باید از خارج وارد شود.

وی گفت که «ما این تعهد را از سازمان غذا و دارو گرفته‌ایم که حتی در صورت تولید دارو توسط یک شرکت دیگر در ایران باز هم واردات دارو را داشته باشیم، چرا که نمی‌خواهیم تجربه تلخ سال گذشته دوباره تکرار شود و از همین رو واردات خواهیم داشت سازمان هم این موضوع را پذیرفته است.»

همزمان در اواخر بهار امسال حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای «فوری» خطاب به وزیر بهداشت از کمبود داروهای استراتژیک و افزایش پرداختی از جیب شهروندان ابراز نگرانی کرد.

حسینعلی شهریاری در این نامه تأکید کرده بود کمبود دارو «در بازدیدهای میدانی و همچنین مراجعات حضوری محرز شده» و مقامات وزارت بهداشت را که از عدم کمبود دارو سخن می‌گویند به «اظهارنظرهای خلاف واقع» ←

لوازم بهداشتی» خبر داده است.

در این گزارش تکانه‌دهنده آمده که اوضاع معلولین ضایعه نخاعی به ویژه پس از گرانی‌های چندین باره در کشور، چندان مناسب نیست. در همین دو سال تنها حدود ۱۷۰ نفر از افراد تحت پوشش این مرکز به علت زخم بستر و عفونت‌های ناشی از نبود لوازم بهداشتی فوت کرده‌اند. آمار طلاق و خودکشی هم در میان این افراد بیشتر شده است. در این گزارش آمده که هزینه لوازم بهداشتی و درمانی سر به فلک کشیده و حتی هر یک عدد گاز استریل، دو تا سه هزار تومان است و این موارد از غذا برای آنها مهم‌تر است. مستمری افزایش داده شد و مبلغ لوازم بهداشتی هم از ۳۰۰ هزار تومان قرار است ۶۰۰ هزار تومان بشود ولی هنوز جوابگو نیست. بر اساس بانک اطلاعاتی ما در این دو سال ۲۰۰ مددجوی ضایعه نخاعی که اغلب جوان و دره سنی ۲۲ تا ۳۵ بوده‌اند فوت کرده‌اند و دلیل فوت آنها بیشتر زخم بستر و عفونت‌های ناشی از نبود لوازم بهداشتی بوده است. بیماران «ضایعات نخاعی» تنها بخشی از بیماران هستند که به دلیل گرانی و کمبود دارو و تجهیزات پزشکی جانشان در خطر قرار گرفته است. حمیدرضا ادراکی مدیر عامل بنیاد بیماری‌های نادر ایران نیز خرداد امسال در گفتگو با خبرنگاری «مهر» به مشکل این بیماران اشاره کرده و گفته بود دسترسی به موقع به دارو مهم‌ترین چالش بیماران نادر است.

به گفته حمیدرضا ادراکی ۸۵ درصد داروهای وارداتی بیماران نادر وابسته به ارز است و تأمین این داروها با قیمت بالا یکی از مهم‌ترین چالش‌های بیماران نادر است. همچنین با توجه به اینکه بیمه‌ها داروهای خارجی را پوشش نمی‌دهند، بیماران برای تأمین هزینه‌های دارویی نیازمند بیمه تکمیلی هستند. مدیرعامل بنیاد بیماری‌های نادر ایران توضیح داده بود

● خانوارهای دارای بیمار با توجه به تورم و درآمدهای ناچیز، توان پرداخت هزینه دارو و تجهیزات پزشکی را ندارند و از سوی دیگر بسیاری از اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی مشمول بیمه نیست و باید با نرخ آزاد خریداری شود.

● طی دو سال ۲۰۰ مددجوی ضایعه نخاعی که اغلب جوان و دره سنی ۲۲ تا ۳۵ بوده‌اند فوت کرده‌اند و دلیل فوت آنها بیشتر زخم بستر و عفونت‌های ناشی از نبود لوازم بهداشتی بوده است.

● مدیرعامل بنیاد بیماری‌های نادر ایران گفته که ۸۵ درصد داروهای وارداتی بیماران نادر وابسته به ارز است و تأمین این داروها با قیمت بالا یکی از مهم‌ترین چالش‌های بیماران نادر است.

گرانی و کمبود دارو و تجهیزات پزشکی در ایران به تهدیدی جدی برای جان بیماران تبدیل شده است. در طول دو سال گذشته دست‌کم ۱۷۰ مبتلا به «ضایعات نخاعی» بر اثر زخم بستر و عفونت‌های ناشی از نبود لوازم بهداشتی و پزشکی جان باخته‌اند.

دوباره گرانی و کمبود دارو و تجهیزات پزشکی و بهداشتی از ماه‌ها پیش از سوی کارشناسان و متخصصان هشدار داده می‌شود. خانوارهای دارای بیمار، با توجه به تورم و درآمدهای ناچیز، توان پرداخت هزینه دارو و تجهیزات پزشکی و بهداشتی را ندارند و از سوی دیگر بسیاری از اقلام دارویی و تجهیزات مربوطه مشمول بیمه نیست و باید با نرخ آزاد خریداری شود.

در همین رابطه روزنامه «اعتماد» در گزارشی به نقل از مسئولان «مرکز حمایت از معلولین ضایعات نخاعی ایران» از جان باختن ۱۷۰ مبتلا به ضایعات نخاعی طی دو سال گذشته به دلیل «زخم بستر و عفونت‌های ناشی از نبود

عزل معاون سیاسی وزارت کشور؛ احمد وحیدی برای فرار از استیضاح «همرزم حاج قاسم» را برکنار کرد!



محمدرضا غلامرضا

اجرای این بخشنامه دیگر در حوزه انتخابیه خود اختیاری نخواهند داشت و با محدودیت روبرو خواهند شد. احمد وحیدی پس از اعتراض نمایندگان، با فشار دولت و نهادهای امنیتی بخشنامه معاون سیاسی خود را لغو کرد اما قضیه ادامه پیدا کرد. شماری از همان نمایندگان سوم امرداد در بیانیه‌ای اعلام کردند که «برکناری معاون سیاسی، وعده ابتدایی وزیر کشور بوده و حتماً باید محقق شود.» در این بیانیه تأکید شده بود «استیضاح وزیر کشور به دلیل عملکرد ضعیف که آسیب‌های فراوانی به کشور وارد کرده و نگرانی‌هایی را نسبت به آینده ایجاد کرده، مستقلاً توسط نمایندگان پیگیری خواهد شد.»

سخنرانی مشهور «ساعت صفر»

محمدرضا غلامرضا در جلسه با فرمانداران که ۲۶ خرداد در شهر محمودآباد استان مازندران برگزار شد هشدار داده بود «با توجه به نزدیک بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی [در اسفندماه ۱۴۰۲] در سالگرد اغتشاشات، با بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها یک دفعه وارد یک معرکه جدیدی می‌شویم.»

وی به فرمانداران گفته بود «ما را به سمتی می‌برند که شما دیگر اولویت انتخابات نخواهد بود، درگیر می‌شوید؛ ذهن‌مان، فکرم‌مان، می‌دانم شاید کف خیابان و... در ساعت صفر یکجایی گرفتار می‌شویم بعد آن موقع دیر است.»

برخی منابع می‌گویند نه فقط نمایندگان مجلس شورای اسلامی بلکه برخی نهادهای نظامی نیز با عملکرد محمدرضا غلامرضا به ویژه در جریان خیزش ضدحکومتی موافق نبودند. در دولت ابراهیم رئیسی طی دو سال که از روی کار آمدنش می‌گذرد، سه معاون وزیر کشور برکنار شده‌اند. محمدرضا غلامرضا از دوستان نزدیک پاسدار مصطفی نجار وزیر دفاع دولت اول احمدی نژاد، وزیر کشور دولت دوم احمدی نژاد و از سال ۱۳۸۶ مشاور رئیس ستاد کل نیروهای مسلح است. خود غلامرضا نیز از پاسداران ارشد عضو «سپاه قدس» است که در دوره‌ای به عنوان معاون وزارت اطلاعات نیز فعالیت داشت. به او که معاون سلیمانی نیز بود لقب «همرزم حاج قاسم» داده بودند و یکی از مهره‌های امنیتی مهم نظام به شمار می‌رود.

● برخی رسانه‌ها از جمله «تسنیم» برکناری پاسدار محمدرضا غلامرضا معاون سیاسی پاسدار احمد وحیدی را به عملکرد وی در امور مربوط به برگزاری انتخابات و اعتراض نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بخشنامه‌های صادره از سوی وی ربط داده‌اند.

● شماری از نمایندگان با نفوذ مجلس به دنبال ابلاغ یک بخشنامه از سوی معاونت سیاسی وزارت کشور، احمد وحیدی را تهدید به استیضاح کردند.

در آستانه سالگرد خیزش ضدحکومتی در ایران و در شرایطی که حکومت حدود هشت ماه دیگر انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی را برگزار خواهد کرد، پاسدار احمد وحیدی، وزیر کشور، معاون سیاسی خود را عزل کرد. خبر برکناری محمدرضا غلامرضا رئیس ستاد انتخابات یکشنبه شب بدون هیچ توضیحی در وبسایت مرکز اطلاع‌رسانی وزارت کشور قرار گرفت. وی ۱۲ تیرماه ۱۴۰۱ به این سمت منصوب شده بود.

برخی رسانه‌ها از جمله «تسنیم» برکناری وی را به عملکرد او در امور مربوط به برگزاری انتخابات و اعتراض نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بخشنامه‌های صادره از سوی معاون سیاسی ربط داده‌اند.

شماری از نمایندگان بانفوذ مجلس به دنبال ابلاغ یک بخشنامه از سوی معاونت سیاسی وزارت کشور، احمد وحیدی را تهدید به استیضاح کردند.

درگیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی با وزارت کشور از خردادماه پس از آن آغاز شد که محمدرضا غلامرضا به عنوان رئیس ستاد انتخابات در بخشنامه‌ای به معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری‌ها و رؤسای ستاد انتخابات کشور ابلاغ کرد که با توجه به انتخابات پیش رو «در حوزه‌های مختلف عمرانی، اقتصادی، توسعه‌ای» از همراهی و هماهنگی با نمایندگان خودداری کنند.

نمایندگان مجلس این اقدام را اهانت به خود و مجلس شورای اسلامی توصیف کرده و تأکید کردند که بخشنامه معاون سیاسی وزیر کشور در عمل دوره نمایندگی آنها را به سه سال کاهش داده زیرا به باور آنها نمایندگان در صورت

گزارش دیگری در وبسایت «انصاف نیوز» که اردیبهشت امسال منتشر شد نوشته بود که یک دلیل کمبود دارو عدم پرداخت مطالبات داروخانه‌ها توسط سازمان‌های بیمه است. دلیل دیگر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی توسط دولت و مجلس در سال گذشته است که این اتفاق منجر به گرانی دارو شده است.

این گزارش افزوده بود که «دیده می‌شود که یک بیمار نیازمند به بستری شدن دارد، اما تخت خالی در بیمارستان‌ها نیست. کمبود دارو برای بیماری‌های خاص وضعیت این بیماران را سخت کرده است. از سوی دیگر بودجه تصویب شده در حوزه دارو نسبت به افزایش قیمت‌ها و نرخ ارز پایین است.»

حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو نیز اواخر خردادماه امسال نسبت به تشدید کمبودهای دارویی هشدار داد و گفت هدف ما کمک به تولیدکنندگان است تا مشکلات آنها برطرف شود. گزارش‌ها از کمبود و گرانی همزمان دارو در کشور حکایت دارد و تولیدکنندگان و واردکنندگان می‌گویند به دلیل عدم تسویه حساب دولت و در دست نبودن منابع کافی امکان تولید بیشتر را ندارند. رئیس سازمان غذا و دارو توضیح داده بود که «بخشی از مشکلات فرابخشی است. به عنوان مثال بخشی از مشکلات به دلیل عدم امکان حواله ارز است که از بهمن سال گذشته تا کنون ما را با مشکلات زیادی در تأمین مواد اولیه و... مواجه کرده است؛ به شکلی که برخی شرکت‌ها حتی ۳ ماه است نتوانسته‌اند مواد اولیه تأمین کنند و این نشان می‌دهد که باید با تسهیل فرایندها به سمت افزایش تولید برویم.» کمبود اقلام دارویی به بیش از ۲۰۰ نوع دارو رسیده است. این رقم در آخرین آمار ارائه شده از سوی سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی مطرح شده است.

سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی هفته گذشته در نشست این کمیسیون با اعلام آمار کمبود دارو در کشور گفته که «رئیس جمهوری باید نسبت به تشکیل فرماندهی واحد برای مقابله با بحران دارویی اقدام کند تا در پی بی‌توجهی نسبت به این موضوع در آینده با مرگ و میرهایی در پی کمبود دارو در کشور مواجه نشویم.»

سلمان اسحاقی با بیان اینکه در زمینه تأمین دارو چند وزارتخانه از جمله اقتصاد و صمت در کنار وزارت بهداشت مسئول هستند گفته بود که «به همین دلیل به رئیس جمهور هشدار می‌دهیم، تا زمانی که ایشان شخصاً به موضوع بحران دارو ورود نکنند و ستاد ملی جلوگیری از بحران دارو تشکیل نشود، هر روز با چالش‌های بیشتری در این حوزه رو به رو خواهیم شد. باید بپذیریم که موضوع دارو در کشورمان بحرانی است و بی‌توجهی به این مسئله سبب اتفاقات ناگوار و جبران‌ناپذیری خواهد شد.»

حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی نیز روز شنبه ۲۱ امرداد، با انتقاد از اینکه با وجود برگزاری جلسات با مسئولان مربوطه و مکاتبات مداوم مشکل کمبود و نبود دارو همچنان باقیست و حل نشده، گفت: «با نبود بسیاری از داروها مواجه هستیم و مردم به صورت مداوم به صورت حضوری و تماس نسبت به عملکرد ما انتقاد می‌کنند در حالی که ما بارها این مسائل را به دولت گوشزد کردیم اما گوش شنوایی وجود ندارد.»

حسینعلی شهریاری با انتقاد از عدم رفع مشکل کمبود داروی بیماران هموفیلی، ام اس، اس ای و سرطانی، افزود: «حتی با کمبود برخی داروهای معمولی هم مواجه هستیم و دولت باید در مورد دارو با مردم صادق باشد.»



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | یکسال پس از قتل حکومتی مهسا امینی
تهران / ۲۲ مرداد ۱۴۰۲ / رویترز